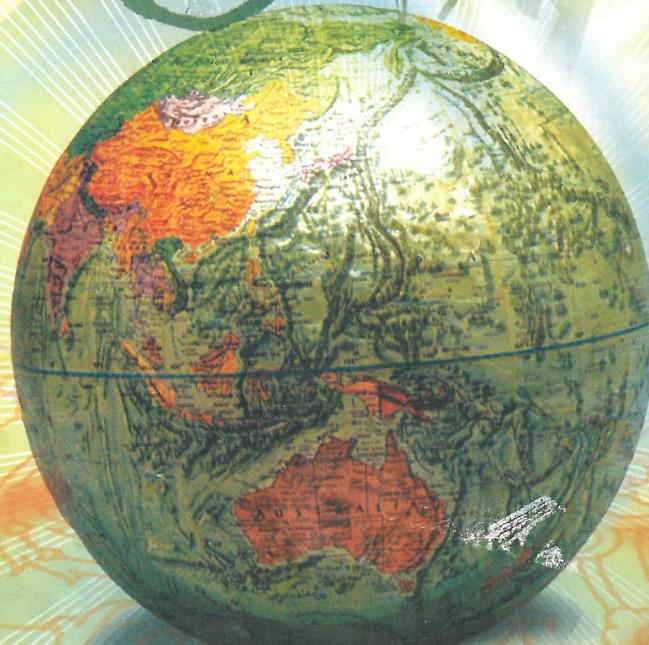


آینده جهان ادب درنگاه



پژوهشکده تحقیقات اسلامی

الله الرحيم

آینده جهان در نگاه ادیان

کد ۱۲۳۳/۶ خ

اداره آموزش عقیدتی سیاسی



۱۳۵۷

نمایندگی ولی فقیه

اداره آموزش عقیدتی سیاسی

آینده جهان در نگاه ادیان

موضوع: اعتقادی - سیاسی

کد: کد ۲۳۲/۶ خ

تئیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه درسپاه

نویسنده: دکتر آیت مظفری (قبری)

ناشر: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه درسپاه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ ستاد نمایندگی ولی فقیه درسپاه

حروفچینی و صفحه آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۸۵

تیراز: ۱۵۰۰

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
درس اول: تئوریهای تحول تاریخ	
الف: تئوریهای خطی و تکاملی	
۱۵	اگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸ م)
۱۶	تالکوت پارسونز (۱۹۰۲-۱۹۷۹ م)
ب: تئوریهای ادواری	
۱۸	ابن خلدون (۱۴۰۶-۱۳۳۲ ق / ۷۳۲-۱۲۳۲ م)
۱۹	توین بی (۱۸۸۹-۱۹۷۵ م)
۲۰	سوروکین (۱۸۸۹ - ۱۹۶۸ م)
ج: تئوریهای ستیز	
۲۲	هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱ م)
۲۳	فرانسیس فوکویاما
۲۴	نقد نظر فوکویاما
۲۸	مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م)
درس دوم: آینده جهان در نگاه زرتشت و بودا	
۲۳	۱. زرتشت
۲۵	۲. دین بودا

درس سوم: آینده جهان در نگاه دین یهود

۲

درس چهارم: آینده جهان از منظر دین مسیح (ع)

۳

درس پنجم: آینده جهان در نظر مسیحیت صهیونیستی

تاریخچه ۵۲

مبانی اعتقادی مسیحیت صهیونیستی ۵۳

درس ششم: آینده جهان در نگاه دین اسلام

الف: نظر به مجموع تاریخ ۶۱

ب: نظر به اجزاء تاریخ ۶۵

اول - سنت های مطلق: ۶۶

دوم - سنت های مقید: ۶۷

درس هفتم: آینده جهان در نگاه شیعه (۱)

امتیاز های دیدگاه شیعه ۷۲

۱. تکرار پذیری ۷۶

۲. کمال آفرینی ۷۷

۳. هماهنگی درون سیستمی ۷۷

۴. هماهنگی با فطرت انسان ۷۸

۵. نقض ناپذیری ۷۸

۶. شفافیت ۷۸

۷. زنده بودن ۷۹

درس هشتم: آینده جهان در نگاه شیعه (۲)

عصر غیبت ۸۱

۸۱	عصر غیبت..
۸۳	۱. غیبت صغیری
۸۴	۲. غیبت کبری.
درس نهم: آینده جهان در نگاه شیعه (۳)	
۹۱	عصر ظهور
۹۱	مفهوم ظهور:
درس دهم: آینده جهان در نگاه شیعه (۴)	
۹۹	انقلاب عدالتخواهانه حضرت مهدی (عج)
۹۹	یک - زمینه‌های فکری و عینی انقلاب عدالت:
۱۰۲	دو - رهبر انقلاب عدالت:
۱۰۵	سه - آغاز انقلاب:
درس یازدهم: آینده جهان در نگاه شیعه (۵)	
۱۰۹	استراتژی انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج)
درس دوازدهم: آینده جهان در نگاه شیعه (۶)	
۱۱۹	مکتب و کادر انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج)
۱۱۹	الف: مکتب
۱۲۵	ب - کادر انقلاب مهدی(ع):
درس سیزدهم: آینده جهان در نگاه شیعه (۷)	
۱۲۹	مواضع موافقان، مخالفان و پیروزی انقلاب مهدی (عج)
۱۲۹	الف: مواضع
۱۳۳	ب: پیروزی

درس چهاردهم: آینده جهان در نگاه شیعه (۸)	
ویژگیهای دولت مهدی (عج) (۱) ۱۳۷	
الف: دولت مهدی (ع)، آخرین دولت ۱۳۷	
ب: نوع دولت یا نظام سیاسی ۱۴۱	
ج: ویزگی وزرا و حاکمان ۱۴۶	
درس پانزدهم: آینده جهان در نگاه شیعه (۹)	
ویژگیهای دولت مهدی (عج) (۲) ۱۴۹	
الف: مرکز حکومت جهانی عدالت ۱۴۹	
ب: قلمرو حکومت جهانی مهدی (عج) ۱۵۰	
ج: مدت حکومت حضرت مهدی (ع) ۱۵۲	
د: جانشینان حضرت مهدی (عج) ۱۵۵	
درس شانزدهم: آینده جهان در نگاه شیعه (۱۰)	
ابعاد توسعه در دولت مهدی (عج) و دین آینده جهان ۱۵۷	
الف: ابعاد توسعه ۱۵۷	
ب: دین آینده جهان ۱۶۷	
کتابنامه ۱۷۳	

پیشگفتار

انقلاب اسلامی ایران یگانه انقلاب ارزشی دوران معاصر است که به همت و پایمردی سلاله پاک رسول اکرم(ص) و پیرو مخلص مکتب سیدالشهداء(ع)، حضرت امام خمینی(ره)، با هدف احیای سنت نبوی و سیره علوی و نجات امت اسلامی از ستم قدرت‌های استکباری و نظام سلطه جهانی، تکوین یافت و به پیروزی رسید.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از خجسته نهادهایی است که همزمان با پیروزی انقلاب با تذابیر داهیانه امام راحل(ره) تشکیل شد و رسالت خطیر پاسداری و حراست از دستاوردهای انقلاب را برعهده گرفت. وظیفه سنگین پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن دارای جنبه‌های مختلفی است که ورود سپاه را به عرصه‌های متفاوت نظامی، امنیتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تمثیل می‌کند؛ زیرا نوع و عرصه دفاع و حراست از انقلاب و دستاوردهای آن تابعی از نوع و عرصه تهاجم و تهدید دشمنان است. بنابراین از آنجاکه حضور فعال، مؤثر و همه‌جانبه سپاه در تمام عرصه‌های دفاع از انقلاب و نظام اسلامی ضروری است، باید برای تقویت و تثبیت عوامل اصلی و کارساز این نهاد مقدس همت گماشت.

یکی از عوامل اساسی تحقق پاسداری و کارآمدسازی سپاه، تقویت روحیه معنوی و افزایش بصیرت و فهم عمیق آحاد کارکنان آن است که این مهم در پرتو مراقبت، تذکر و آموزش، تحقیق می‌پذیرد.

برای افزایش دانش و بینش پاسداران، آموزش عقیدتی سیاسی نقش فعال و کارسازی را بر عهده دارد. در این باره ولی امر مسلمین، فرمانده معظم کل قوا (مدظله العالی) می‌فرماید:

واحدهای عقیدتی سیاسی را تقویت فرمایید تا با روش‌های برنامه‌ریزی شده و شیوه‌های ابتکاری، معنویت و آگاهی و معرفت اسلامی را در سپاه رشد و عمق بخشدند.

در ماده ۵۴ قانون استخدامی سپاه نیز آمده است:

سپاه موظف است برای تقویت بینش عقیدتی سیاسی و بالا بردن دانش و توان نظامی پرسنل در حین خدمت، نسبت به انتشار نشریات و برگزاری اردوهای آموزشی، سفرهای علمی و دوره‌های کوتاه مدت توجیهی و نیز تداوم آموزش اقدام نماید.

در تحقیق اوامر ولی امر مسلمین، آموزش عقیدتی سیاسی سپاه، نظام آموزش‌های عقیدتی سیاسی را طراحی نمود. در این نظام، دوره‌های آموزشی پایوران، سربازان، بسیجیان، خواهران، کارمندان، کارکنان پیمانی و قراردادی به دو مرحله طولی و تداوم آموزش تفکیک شده و فرآگیران باید دوره‌های طولی را در ابتدای ورود به سپاه و هر مقطع از روند خدمتی گذرانده و در طول خدمت و برای نیل به درجه بعدی، دوره‌های ضمن خدمت یا «تمدید آموزش» را بگذرانند.

دوره‌های آموزشی غالباً در سطح ۱ و ۲ سطح‌بندی شده‌اند. سطح ۱ افراد دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر و سطح ۲ تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر را شامل می‌شود. موضوعات آموزشی بیشتر دوره‌ها در هفت موضوع کلی اعتقادات، احکام، اخلاق، معارف قرآن، تاریخ اسلام، دانش سیاسی و نظام دفاعی اسلام تنظیم شده است. کلیه دوره‌ها کدگذاری شده است به طوری که به وسیله هر یک از ارقام آن می‌توان نوع دوره، سطح و موضوع آن را تشخیص داد.

دوره‌های تداوم آموزش خواهران

در نظام آموزش ع.س. اگرچه خواهران در طیف کارمندان قرار می‌گیرند، ولی به واسطه ویژگیهای خاص فردی و شغلی آنها، دوره آموزش ویژه‌ای برای آنان طراحی شده است. خواهران در آغاز ورود به سپاه دوره بدو خدمت را می‌گذرانند. این دوره

دارای دو سطح آموزشی است. سطح ۱ آن با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر دارای ۴۲ ساعت و سطح ۲ آن با تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر دارای ۳۵ ساعت آموزش عقیدتی سیاسی است.

دوره‌های تداوم آموزش خواهران از دیگر دوره‌هایی است که خواهران شاغل در سپاه باید در طول دوره خدمت خویش سپری نمایند. سطح ۱ این دوره‌ها از کد ۱۱۲ برای رتبه‌های ۹ آغاز شده و تا کد ۱۳۴ برای رتبه‌های ۱۱ پایان می‌پذیرد. تعداد ساعات آموزشی هر دوره ۶۴ ساعت بود که در ۴ موضوع کلی عقاید، اخلاق، احکام و سیاسی هر یک به میزان ۱۶ ساعت تقسیم شده است.

سطح ۲ دوره‌های تداوم آموزش نیز مجموعاً دارای ۶ دوره آموزشی بود که از کد ۲۱۱ برای رتبه‌های ۱۱ آغاز شده و تا کد ۲۲۳ برای رتبه‌های ۱۶ پایان می‌پذیرد. تعداد ساعت آموزشی هر دوره در این سطح نیز ۶۴ ساعت است که در ۴ موضوع کلی عقاید، اخلاق، احکام و دانش سیاسی و هر یک به میزان ۱۶ ساعت پیش‌بینی شده است.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی، عهده‌دار تدوین متون آموزشی مورد نیاز حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه است که با توجه به سطح معلومات و تخصص نیروهای آموزشی و نوع و حوزه مأموریت آنان، متن مورد نیاز را تهیه و تدوین می‌نماید.

متون و جزوایت این پژوهشکده توسط گروه‌های تحقیقاتی، تدوین و مورد بررسی علمی و نظارت شرعی قرار می‌گیرد.

کتاب حاضر، آینده جهان در نگاه ادیان با کد ۲۲۳/۶ دوره تداوم آموزش خواهران، از نظام آموزش عقیدتی - سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد.

نظرات، پیشنهادها و تجربیات شما مردمی ارجمند و خواهران گرامی دانش پژوه مترتبی راهگشا و مشوق ما در رفع نقایص و کاستیهای متون آموزشی خواهد بود.

از خدا می‌خواهیم که بر بیشن و آگاهیهای اسلامی ما روز به روز بیفزاید، و آنها را عمیق‌تر سازد.

ادارة آموزش عقیدتی سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مقدمه

فرجام تاریخ راز سر به مهری است که بسیاری خواهان رمزگشایی از آن‌اند؛ اما تنها دانایان به غیب از آن مطلع‌اند. برای ما انسان‌های عادی، به دلیل محدودیت‌های فراوانی که از نظر عقل، بینش، حواس و تجربه داریم، سخن گفتن از آینده بسیار مشکل است. البته می‌توان درباره جهان فردا خیال‌بافی کرد، حدس و گمان‌هایی زد و با توجه به قرایین و شواهد برای آتیه نزدیک، حقایقی برشمرد، ولی ترسیم و تصویر دقیق آینده جهان در حد محال است.

پیش‌گویی در باره «آینده» جز از فراز رفیع ترین قله معرفت ممکن نیست. از این جایگاه بلند است که هم «گذشته» را می‌توان دید و هم «آینده» را. فتح این قله نیز برای انسان‌های عادی مقدور نیست. هر چند برخی از فیلسوفان تاریخ و جامعه‌شناسان به بیان فرا روایتی از تاریخ پرداخته و با فرضیه‌های خود، چند صباحی هیاهوی به راه‌انداخته‌اند، اما دیری نپاییده است که خود و نظریاتشان افول کرده، پیروان خود را نامید کرده‌اند.

داعیه‌داران تفسیر کلان تاریخ - که وعده جهان گستری مکتبشان را می‌دادند - در اوج قدرت، هر آنچه در توان داشتند به کار بستند تا فرضیه‌های خود را بر جهانیان تجمیل کنند ولی جز شکست تجربه نکردند.

مدعیان بریده از عالم و حیانی، وعده‌های کلانی برای فردای بشریت دادند و خواستند تا آینده جهان را از آن خود معرفی کنند، اما دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد.

یعنی آینده‌شناسی عرصه نامحرمان نیست. تنها پیامبران و امامان معصوم‌اند که در پرتو شایستگی‌ها و ارتباط با مبدأ غیب، به اوج قله معرفت رسیده، با تعابیری همچون «لکانی آنظر»، «کانی انظر» - گویا می‌بینم - و روایاتی دیگر از آخر الزمان خبر داده‌اند.

اعتقاد به ظهور مصلح الهی و بشارت به فرجامی خوش قدر مشترک همه ادیان و مذاهب الهی است، اما در این بین، شیعه، علمی‌ترین، دقیق‌ترین و امیدبخش‌ترین نظریه را ارائه کرده است.

کتاب حاضر - جز درس پنجم - خلاصه‌ای است از کتاب «شیعه و جهان فردا» که در تابستان ۱۳۸۴ از سوی انتشارات زمزم هدایت به زیور طبع آراسته شده است. نویسنده مطالب را طبق درخواست در شانزده درس تنظیم کرده است.

در اینجا شایسته است از کلیه عزیزانی که با مشاوره علمی، نظارت، ارائه نظر اصلاحی در مصاحب، ویرایش، مقابله و آماده سازی در به ثمر رسیدن این اثر مساعدت کرده‌اند، سپاسگزاری کنم.

تئوریهای تحول تاریخ

متغیر بودن جوامع، یک امر مسلم در تاریخ بشر است؛ دگرگونی به شکل آهسته، با وقفه و یا سریع، حقیقتی است که با آن روبرو هستیم. تحول در شیوه زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، تحول در ادیان و مذاهب، تحول در اقتصاد و سیاست و فرهنگ، تحول در مفاهیم و معانی و مانند آن، نمونه‌هایی هستند که به راحتی قابل تشخیص‌اند. اما آیا تحول جوامع بشری بی‌پایان و بدون قانون است؟ یا اینکه تطورات تاریخی قانونمند و دارای فرجامی مشخص است و بشر روزی به مهم‌ترین آرمان‌های خود همچون رفاه، عدالت، صلح، آزادی و برادری خواهد رسید؟

فلسفه و جامعه‌شناسان از جمله کسانی هستند که به بررسی پویش تحول جوامع علاقه‌مند و در صدد کشف قوانین عام و فلسفه تاریخ هستند. بسیاری از این متفکران معتقد‌ند که قوانین و سنتهایی بر جامعه و تاریخ حکم‌فرماست و تحول جوامع، بی فرجام، تاریک و مبهم نیست. آنان بر این عقیده‌اند که در پایان تاریخ، بشر بهترین زندگی، نظام سیاسی و عالی ترین شکل حکومت را تجربه خواهد کرد و به بنیادی ترین آرمان‌های خود می‌رسد.

بر اساس مطالعات اکتشافی انجام گرفته، سه دسته تئوری از سوی فیلسوفان و جامعه‌شناسان در این زمینه ارائه شده است، که در ادامه مطلب، به اختصار معرفی می‌گردند:

الف: تئوریهای خطی و تکاملی

بر اساس تئوریهای خطی و تکاملی، جامعه و تاریخ همواره به سوی تکامل در حرکت است و هر چه زمان بگذرد، جامعه انسانی به سعادت خویش نزدیک‌تر شده، در نهایت

به جامعه آرمانی خواهد رسید. سیر این تحول نیز از نظر متفکران این گروه متفاوت است. این سیر عمدتاً به شکل خطی و یا پله‌ای تصور می‌شود و در مجموع هر مرحله یا پله‌ای از تاریخ، از مرحله یا پله قبلى کامل‌تر است. اندیشمندان این گروه حرکت انحطاطی و یا دوری تحولات را نفی می‌کنند. از منظر آنها جوامع بشری ضمن پشت سر گذاشتن مراحل تاریخی، همواره در جهت ترقی و تکامل سیر کرده‌اند که شامل نهادهای اجتماعی، فرهنگ، اقتصاد و... نیز می‌شود. البته آنان در بین خود اختلاف نظر دارند. دیدگاههای اگوست کنت و تالکوت پارسونز، رامی توان در زمرة این دسته از تئوریها قرار داد. صاحب نظران دیگری نیز هستند که برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، تنها به نظر اندیشمندان مذکور بسته می‌کنیم.

اگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷ م)

اگوست کنت فرانسوی (Auqust Comte) قانونی سه مرحله‌ای (Law of three Stage) را برای سیر تحول جوامع مطرح نمود. از دید او جوامع از یک مرحله اعتقادی یا الهی (Theological)، با هدایت یک عقیده فراتطبیعی (Super naturall) آغاز می‌شوند. در این مرحله جوامع از نظر اعتقادی دوره‌ای از بتپرستی، روح‌گرایی، چندخدایی و تکخدایی را پشت سر می‌گذارند، که جوامع تکخدایی (Mono theistic) پیشرفته‌ترین جوامع در مرحله اعتقادی‌اند.

مرحله دوم پیشرفت جوامع از نظر کنت، مرحله متافیزیکی (Meta physical) یا ما بعدالطبیعی است. در این دوره قوانین تکامل یافته، بشر به نیروهای انتزاعی یا مجرد به عنوان نمایندگان کنترل‌کننده جامعه می‌نگرد و با تکیه بر عقل، طبیعت اشیاء و علل حوادث را تبیین می‌کند و بدینسان مرحله دیگری از ترقی خود را پشت سر می‌گذارد. در نهایت کنت عقیده دارد که جوامع باید به دنبال علل علمی پیدیده‌های فیزیکی و اجتماعی باشند. این دوره را او مرحله اثباتی (Positivistic) نام می‌گذارد، که در آن رشد صنعت و همزیستی صلح‌آمیز از طریق خیرخواهی گسترده و اعتماد و اطمینان جامعه

نسبت به یک مذهب انسانی (Humanitarianism) وجود دارد. این مرحله از نظر کنت پیشرفت‌ترین، دوره تاریخ بشر است. بنابراین آینده جهان از نظر او یک آینده اثباتی است. روشن است که اگوست کنت یک توسعه خطی - تکاملی را در سیر تحول جوامع و تاریخ طرح می‌کند. او مرحله پوزیتیویسم^۱ را دوره رشد و گسترش علم در امور انسانی دانسته، آن را بسیار می‌ستاید.^۲ در واقع آنچه وی به عنوان مراحل سه‌گانه رشد علم و تاریخ مطرح کرد، مسیر تحولات و وقایع اروپا بود.

اشکال اساسی این دیدگاه آن است که ۱- حقایق ماورای مادی، عالم غیب، اشراق و امور معنوی را در مرحله اثباتی نادیده می‌گیرد و با نگاهی تک بعدی، جهان را به امور محسوس و مادی محدود می‌کند. ۲- برخلاف نظر کنت، تاریخ و جوامع در ابتدا با بت پرستی و چند خدایی آغاز نشده‌اند؛ زیرا اولین انسان یعنی آدم، اولین پیامبر الهی بوده است. هر چند انحراف از توحید در مراحل بعدی تاریخ و برره‌های خاصی به وجود آمده است، اما تعمیم آن و نتیجه گیری کلی برای همه جوامع و تاریخ ضمن غیر منطقی بودن با شیوه پوزیتیویستی نیز در تضاد است.

با اشکالات بنیادین مذکور، کنت نمی‌تواند نظریه درستی درباره آینده جهان ارائه نماید.

تالکوت پارسونز (Talcott Parsons ۱۹۰۲-۱۹۷۹ م)

دانشمند دیگری که نظر او را می‌توان جزو این دسته از تئوریها بر شمرد، تالکوت پارسونز (Talcott Parsons) آمریکایی است. دیدگاه او پیچیده است، اما به وضوح یک سیر پیشرفت در تحولات اجتماعی را نشان می‌دهد. او معتقد است که جوامع دارای یک ظرفیت انطباق برای پیشرفت در درون خود هستند و پیشرفت جامعه از یک قبیله به سوی دولت - شهر، ملت یا امپراتوری وابسته به آن است. به طور خلاصه وی پنج مرحله در سیر تحول جوامع در نظر می‌گیرد:

۱. Positivism روش، نظریه یا نظامی است که بر حس‌گرایی تأکید داشته، تجربیات حسی، آمایش منطقی و ریاضی و علم تجربی Science را منبع معرفت واقعی می‌داند.

2. See Elbert W. Stewart, James A. Glynn, Introduction to sociology (Singapore: McGraw - Hill book company , Fourth edition, 1985) P.524-525.

- ۱- مرحله ابتدایی یا بدروی (Primitive)؛
- ۲- نوشتن (writing)؛ او لین قدم در سیر به سوی کمال که جوامع را از حالت ابتدایی خارج می‌کند.
- ۳- مرحله شهروندی توسعه یافته (Extended citizenship)؛ در این دوره، نظامی از قانون و شهروندی، مانند روم و یونان قدیم گسترش می‌یابد، اما نمی‌تواند همه افراد جامعه را در خود جذب کند، یعنی بخشی از مردم با این سیستم ناهمگون‌اند.
- ۴- مرحله توسعه ادبیات فلسفی (Philosophy literature)؛ این مرحله به نظر پارسونز به دنبال توسعه نظام فلسفی و ادبی یونان قدیم صورت گرفت که مرز دولت شهرهای آن را مشخص می‌کرد. این دوره که برای توسعه سازمان‌های بزرگ‌تر ضروری بود؛ ابتدا^۱ امپراتوری روم و سپس کل اروپا را در دوره رنسانس تحت تأثیر قرار داد.
- ۵- مرحله رسیدن به اصول جهانی حقوق و مذهب.^۲

(Universalistic principles-law and religion)

بر این اساس می‌توان گفت که طبق نظریه پارسونز، بشر در پایان تاریخ، به یک سری اصول جهانی در زمینه حقوق و مذهب می‌رسد. دیدگاه پارسونز نیز متأثر از سیر حوادث در جهان غرب است. او خط توسعه‌ای را نشان می‌دهد که مردم غرب دوست دارند بدان معتقد باشند؛ سیری از تحول جامعه و تاریخ که غرب آن را تجربه کرده است.

ب: تئوریهای ادواری

تئوریهای دورانی یا ادواری (Cyclical) معمولاً از این قضیه پیروی می‌کنند که جوامع در سیر به سوی آینده، یک مسیر دایره‌ای، موجی یا جریان تکراری دارند. بر این اساس، جوامع در دایره‌ای از تکامل، پیشرفت و انجساط زندگی می‌کنند. این سیر از نقطه‌ای شروع می‌شود و دوباره به موقعیت اولی بر می‌گردد، در واقع این گروه، تکامل خطی

1 . Ibid, p 525-530.

2 . See, Ibid

تاریخ را به شدت رد می‌نمایند. به هر روی طبق دیدگاه صاحبان این تئوریها، آینده، تکرار گذشته است و تا جهان باقی است، این سیر مراحل و سیکل مشخص، همواره مشاهده خواهد شد. برخی از مهم‌ترین متفکران جهان به این نوع تئوری معتقدند. به عنوان نمونه از عبدالرحمن ابن خلدون، توین بی (Toynbee)، و سوروکین (Sorokin) می‌توان نام برد. در ادامه به اختصار نظر آنان را طرح می‌کنیم.

ابن خلدون (۷۳۲ ق / ۱۳۳۲-۱۴۰۶ م)

عبدالرحمن ابن خلدون از جمله دانشمندان استثنایی جهان اسلام است، که در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و فلسفه تاریخ بسیار تأثیرگذار بوده است. کتاب «المقدمه» او مشهور عوام و معروف در نزد خواص است. وی از کسانی است که با تکیه بر معرفت دینی، با استفاده از آیات قرآن و روایات، نظریه ادواری خود را تدوین و تبیین کرده است. او با استفاده از آیاتی همچون: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ ثُدَّاً لَهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران: ۱۴۰) و آیه «وَلَكُلُّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْبِلُونَ» (الاعراف: ۳۴) سیری مشابه سیر حیات انسان برای جامعه و دولت‌ها قائل است. همان‌گونه که انسان از تولد، جوانی، پیری و مرگ برخوردار است، جوامع و دولت‌ها نیز چنین‌اند. این چرخه همان گونه که در گذشته تاریخ جریان داشته است، حال و آینده را نیز شامل می‌شود، بنابراین جهان فردا چون جهان گذشته و حال است.

با وجود نوآوری و تکیه ابن خلدون بر معرفت دینی، به نظر می‌رسد او از برخی آیات از جمله «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُها عِبادِيَ الْمَلِحُونَ» (الاتبیاء: ۵-۱۰) غفلت کرده است.^۱

توین بی (۱۸۸۹-۱۹۷۵ م)

آرنولد جوزف توین بی (Arnold Joseph Toynbee) فلسفه تاریخ خود را در قالب یک تئوری ادواری - تکاملی، بیان می‌کند. او «تمدن» را واحد مطالعات خود در نظر گرفته است.

۱. نک: آیت قنبری، اندیشه سیاسی ابن خلدون، بیان نامه کارشناسی ارشد، ص ۱۳۱-۱۰۸ و ص ۱۷۹، همچنین نک: به عبدالرحمن ابن خلدون، المقدمه و یاترجمه آن توسط محمد پروین گنابادی.

نظریه توین بی ترکیبی از تئوریهای تکاملی، ادواری و حتی ستیز را داراست، اما ادواری بودن نظریه او بسیار پررنگ است، عبارت زیر به خوبی گویای این مطلب است:

همچنان که روح زمین تارهاش را به دور زمان می‌تند، تاریخ دنیوی بشریت با تولد، رشد، انحطاط و سرانجام فروپاشی جوامع شکل می‌گیرد. از این حیات مغشوš... ما آهنگ موزونی می‌شنویم... آهنگ پیکار و پاسخ، پیشروی و بازگشت، ناسازگاری و نوسازگاری، جدایی و پیوستگی... گرچه حرکت چرخ‌های در حال گردش چیزی جز تکرار نیست، اما در هر جنبش از آبهای را به جلو می‌راند.^۱

می‌توان گفت که نظریه وی، ادواری - تکاملی است یعنی با وجود تکرار مراحل تاریخ و شباهت آینده به حال و گذشته، یک پایان متمکمال در انتظار بشریت است.

بنابر سیر انسان و تمدن از نظر توین بی، انسان پایان تاریخ یک انسان ملکوتی است نه لیبرال دموکرات، و آینده جهان به عصر «عدل الهی خلاق» منتهی می‌گردد نه نظام «لیبرال دموکراسی». البته او تصریح می‌کند که به نظر می‌رسد مسیحیت، هدف نهایی تاریخ بشریت و بالاترین حد خیر برای بشر روی کره زمین باشد.^۲

دیدگاه توین بی درباره ظهور کلیسای جهانی یادین جهانی، به دیدگاه اسلامی نزدیک است. اما حقیقت این است که اسلام آن دین جهانی و حضرت مهدی(عج) همان عدل مجسم خلاق الهی است. همچنین عصر عدالت مطلق، عصر حجه بن الحسن العسكري(عج) است که با کمک حضرت مسیح(ع) عمیق‌ترین آرزوهای فطری بشر را به تحقق خواهند رساند.

سوروکین (۱۸۸۹-۱۹۶۸ م)

پیتریم الکساندر رویچ سوروکین (P.A.Sorokin) دانشمند روسی تبعید شده به غرب و از متفکران برجسته جهان است. او در کتابش «فلسفه‌های تاریخی و اجتماعی جدید»،^۳

۱. سوروکین، نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ، ترجمه اسدالله (امیر) نوروزی، ص ۱۴۸.

۲. همان.

یک نظریه جریانی (Flux) را مطرح می‌کند که از تئوریهای ادواری گرفته شده است. مبنای مطالعه او، جامعه به عنوان یک آبرنظام (Super system)، شامل ساختار اجتماعی، فرهنگ و گروههای افراد است. این بزرگ نظام به طور مستمر در تحول اجتماعی است. این تحول بر اساس ارزشها موجود در درون یک سیستم در مسیرهای مختلفی سیر نموده و جوامع ممکن است از یک نوع تمدن به نوعی دیگری از آن به سمت جلو یا عقب برگردند.

برای درک نظریه جریانی سوروکین آشنایی با انواع تمدنها یا جوامعی که او مورد اشاره قرار داده، ضروری است. وی سه نوع تمدن آرمانی (Ideal types) مبتنی بر سه نوع شناخت و یک تمدن جامع را به قرار زیر طرح می‌کند:^۱

۱- تمدن حسی (Sensate): این نوع تمدن مبتنی بر شناخت حسی است.

تمدنهای حسی به دنبال تجربه گرایی (Empericism) یا مشاهده‌گری (Observability) به عنوان منبع حقیقت (Truth) هستند.

۲- تمدن اعتقادی یا شهودی (Ideational): این تمدن که بر شناخت وحیانی، شهودی، الهام و تجربه‌های عرفانی متکی است، در مقابل فرهنگ یا تمدن حسی قرار دارد.

۳- تمدن معنوی یا Idealistic: این تمدن که فرهنگ‌های حسی و اعتقادی رانیز داراست «عقل» یا Reason را به منابع حقیقت اضافه کرده است.

۴- تمدن جامع: این تمدن که مبتنی بر شناخت و نظام حقیقت جامع (Integral Cognition) است، تمدنی است مخلوط از هر سه نوع تمدن و شناخت قبلی. به هر روی سوروکین معتقد است که تمدنها مثل هر کالبد زنده‌ای، دوره‌های فراز و فرودی دارند؛ برخی از آنها ممکن است سالها و قرنها در بی‌هوشی اجتماعی فرهنگی فروروند و بعد بیدار شوند.

پیش‌گویی درباره زوال تمدن و فرهنگ غرب از یک سو و پیدایش فرهنگ و تمدنی مذهبی از سوی دیگر نکته مهم نظریه سوروکین است. با این پیش‌گویی نظر متفکران لیبرال از طرف کسی مردود شمرده می‌شود که خود، دنیای غرب را تجربه کرده است.

۱. نک: سوروکین، نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ، ترجمه دکتر اسدالله سوروزی، ص ۲۸۴-۲۸۷؛

اینکه فرهنگ حسی غرب در حال زوال و مرگ است و نظام جامع پایان تاریخ یک نظام مذهبی است با سور و کین موافقیم؛ اما این نظام جامع همان اسلام است که به سه نوع شناخت متکی است و کانون فرهنگ جدید نیز دنیای اسلام به ویژه مکه، مدینه، عراق و ایران خواهد بود.

ج: تئوریهای ستیز

این دسته از تئوریها، چنان که قبل از اشاره شد، جهان را صحنه درگیری نیروهای متضاد می‌دانند. آینده جهان در این دیدگاه، نتیجه تحولاتی است که بر اثر اقدامات تخاصم‌آمیز طبقات اجتماعی به وجود می‌آید. نظریه‌های نزاعی عمدتاً تحت تأثیر فلسفه جورج هگل، فیلسوف آلمانی است. بر این اساس در این فصل ابتدا نظریه او، سپس تئوری فوکویاما و مارکس را ذکر خواهیم کرد.

هگل (1770-1831م)

جورج هگل (Georg W.F. Hegel) فیلسوف سرشناس آلمانی، تفسیری غیر مادی از تاریخ ارائه می‌کند. فلسفه هگل بر پایه دیالکتیک (یک پروسه پویا) بنا شده است. دیالکتیک او از سه مرحله تشکیل می‌شود:

۱- تز (Thesis) یا عقیده اصلی (ولیه: Original):

۲- آنتی تز (Anti thesis) یا عقیده مخالف یا متضاد:

۳- سنتز (Synthesis) یا نتیجه نزاع و تبدیل شدن به یک واحد.^۱

جهان صحنه نبرد تز و آنتی تز و در نتیجه نزاع، سنتز که خود به منزله تز جدیدی است به وجود می‌آید و این حرکت همچنان استمرار داشته تا اینکه در دولت لیبرال با توجه به حل نزاع، پایان می‌پذیرد.

برای هگل، انقلاب‌های فرانسه و تاحدودی آمریکا، پایان تاریخ محسوب می‌شد. اما

1 . Op.cit,E.W.Stewart, J.A.Glynn.p.530.

گذشت زمان و تحولات بنیادین که در نیمه دوم قرن ۱۹ و تمامی قرن بیستم صورت گرفت، نظریه او را خدشه‌دار کرد.

به هر روی از دیدگاه هگل، فردای جهان از آن دولت لیبرال است. اما به نظر ما دولت لیبرال به دلیل بنیاد پارادوکسیکال، یعنی متناقض خود نمی‌تواند نظام ایده‌آل پایان تاریخ باشد. توضیح بیشتر این مطلب در نقد و بررسی نظریه فوکویاما خواهد آمد.

فرانسیس فوکویاما

فوکویاما (Francis Fukuyama) متفکر آمریکایی ژاپنی‌الاصل، پژوهشگر پیشین مرکز مطالعاتی «راند» و معاون مدیر سرویس برنامه‌ریزی سیاسی وزارت امور خارجه آمریکاست. او با فرضیه پایان تاریخ خود، جداول‌های قلمی فراوانی را در جهان برانگیخته است. نظر فوکویاما از آن رو جزو تبوریهای ستیز ذکر کرده‌ایم چون بر بنیاد نظریه هگل، «دموکراسی لیبرال» (Liberal democracy) را نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشر^۱، آخرین شکل حکومت بشری^۲ و به تعبیر دیگر «فرجام تاریخ»^۳ می‌داند. او نظر خود را در مقاله‌ای با عنوان «پایان تاریخ» در نشریه لیبرال «منافع ملی» در سال ۱۹۸۹ نوشت^۴ و سپس در سال ۱۹۹۲ در کتابش تحت عنوان «پایان تاریخ و آخرین انسان»^۵ بر آن تأکید کرد.

نظر فوکویاما از آن رو حائز اهمیت فراوان است چون غرب به رهبری آمریکا، تحت عنوان برتری لیبرال دموکراسی بر دیگر حکومت‌های بشری، با مشی نظامی‌گری در صدد تحمیل آن بر جهان است. حداقل می‌توان گفت این فرضیه، توجیه تئوریک لازم را برای اقدامات دولت آمریکا در جهان فراهم ساخته است.

1 . The end point of mankind's ideological evolution.

2 . The final form of human government.

3 . The end of history.

4 . Francis Fukuyama, The end of history and the lastman (1992),

<http://WWW.Marxists.org/reference/subject/philosophy/Works/us/fukuyama.htm.p.1>.

5 . The end of history and the last man.

نقد نظر فوکویاما

واقعیت این است که فرضیه فوکویاما بیش از آنکه بر استدلال علمی بنا شده باشد، متأثر از جو احساسی ناشی از شکست شوروی است. پرسش این است: فوکویاما در مقابل موفقیت‌های بزرگ و خیزش اقتصادی سیاسی چین چه پاسخی دارد؟

به باور بسیاری از کارشناسان توسعه، نظام سرمایه‌داری جهانی شرایط را به خصوص در زمینه تجارت جهانی به گونه‌ای رقم زده است تا کشورهای در حال توسعه چاره‌ای جز پیوستن به فرایند مورد نظر آنها نداشته باشند. از سوی دیگر گسترش بازار آزاد، فرایند نوسازی اقتصادی و پیوستن اجباری ملت‌های بیرون از نظام سرمایه‌داری به آن، همان بی‌آمدّه‌را در سطح جهانی باعث شده است، که چند نمونه به شرح زیر بیان می‌شود:

۱- در عرض ۳۰ سال از ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ فاصله کشورهای شمال و کشورهای جنوب از $\frac{1}{15}$ به $\frac{1}{3}$ رسیده است و این در حالی است که سیاستمداران، رسانه‌های جمعی و شیفتگان لیبرال دموکراسی از آن به عنوان دوره توسعه یاد می‌کنند.^۱

۲- تنها ده نفر از ثروتمندترین افراد جهان ۱۲۳ میلیارد دلار در اختیار دارند که ۱/۵ برابر کل درآمد تمامی کشورهای در حال توسعه [مانند ایران، مصر، پاکستان] است. این نابرابری در کشورهای ایده‌آل لیبرال دموکراسی نیز بسیار عظیم است. در سال ۱۹۹۱ تنها ۵ درصد مردم آمریکا حدود ۹۰ درصد ثروت ملی را در اختیار داشتند، در فرانسه ۵۰٪ درصد مردم ثروت ملی را و بقیه مردم نیز پنجه در صد.^۲

۳- هر سال ۳۰ میلیون نفر از گرسنگی می‌میرند و ۸۰۰ میلیون نفر دچار سوء تغذیه مزمن هستند. این آمار در گزارش ۱۹۹۰ یونیسف به ۴۵ میلیون نفر در کشورهای جنوب می‌رسد که ۱۳/۵ میلیون نفر آن را کوکان تشکیل می‌دهند. به تعبیر روزه گارودی، این بدان معناست که نظام لیبرال دموکراسی آمریکایی در هر دو روز یک هیروشیمای جدید به وجود می‌آورد.^۳

۱. نک: روزه گارودی، آمریکا ستیزی چرا، ترجمه جعفر یاوه ص ۷۶

۲. همان.

۳. همان، ص ۷۷

۴- از $\frac{4}{4}$ میلیارد جمعیت کشورهای در حال توسعه تقریباً $\frac{3}{5}$ از خدمات بهداشتی محروم‌اند.

۵- طبق گزارش روزنامه لوموند فرانسه، بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر در فقر مطلق زندگی می‌کنند و تعداد این افراد رو به افزایش است و بعضی تا ۲ میلیارد نیز تخمین زده‌اند.^۱

۶- طی یک بررسی به عمل آمده، بیش از $\frac{1}{4}$ جمعیت جهان با درآمدی کمتر از یک دلار و نیمی از جمعیت جهان با کمتر از دو دلار و نزدیک به ۷۰٪ نیز با کمتر از ۳ دلار درآمد در روز زندگی می‌کنند، اما در روی دیگر سکه ظلم اقتصادی در جهان ۱۰ درصد از ثروتمندان جهان ۸۰٪ از کل درآمد جهان را در اختیار دارند.^۲

روشن است یکی از مهم‌ترین عوامل این شکاف عظیم، استعمار ملت‌های جنوب بر اثر عملکرد اقتصاد سرمایه‌داری در سطح جهان است.

۷- پی‌آمد دیگر نظام سرمایه‌داری، گسترش بردگی پنهان افراد برای سرمایه‌داران است. به ظاهر در این نظام همه آزادند، اما در واقع مجبورند سخت کار کنند تا با توجه به تبلیغات فراوان و فرهنگ مصرفی، روزآمد شوند؛ یعنی تمام درآمد خود را دوباره به جیب سرمایه‌داران بریزنند، در شرایطی که بسیاری از کالاهای نیاز ضروری آنها نیست و تنها نیازهای کاذب ناشی از جو تبلیغات سرمایه‌داری آنان را در نظام بردگی پنهان گرفتار کرده است.

۸- افزایش نابرابری اجتماعی، قطبی شدن جامعه، فقر و بی‌نایی (زیر خطر فقر) پی‌آمد دیگر این نظام اقتصادی حتی در کشورهای پیشرفت‌هه صنعتی شمال است. مانوئل کاستلز (Manuel Castells) استاد اسپانیایی‌الاصل رشته جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی دانشگاه برکلی کالیفرنیا، در کتاب «ظهور جامعه شبکه‌ای»^۳ به افزایش چشمگیر نابرابری اجتماعی، قطبی شدن جامعه، فقر و بی‌نایی در آمریکا، اروپای غربی و بریتانیا اشاره می‌کند. بیان نظر کاستلز از آن رو دارای اهمیت است چون به عنوان یک جامعه‌شناس از متن جوامع

۱. حسن توانایان فرد، اقتصاد آینده پسر، ص ۷۴-۷۵.

۲. نک: ترجمان سیاسی (مجله)، ش ۴۱، ص ۲۸.

ایده‌آل سرمایه‌داری یعنی آمریکا و اروپا مشاهدات عینی خود را براساس آمار و ارقام بیان کرده است.^۱

۹- افزایش بی خانمان‌ها؛ کاستلز آن را از شگفت‌انگیزترین چهره‌های فقر نوین می‌داند. وی می‌نویسد: در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ تعداد بی‌خانمان‌ها در آمریکا بین ۵ تا ۹ میلیون نفر بوده و ۷ درصد از بزرگ‌سالان آمریکایی در طول زندگی بی‌خانمانی را تجربه کرده‌اند.

۱۰- محلات فقیرنشین؛ تبعیض نژادی و افزایش آمار زندانیان، پدیده منفی دیگری است که اقتصاد سرمایه‌داری به ارمغان آورده است. محلات فقیرنشین و اقلیت‌نشین در آمریکای امروز در درون شهرهای بزرگ به ویژه در محله‌های سیاه‌پوست‌نشین بدترین جلوه‌های نابرابری، تبعیض، فلاکت انسانی و بحران اجتماعی را در کنار چهره پیشرفته شهرهای بزرگ به نمایش گذاشته است.^۲

فوکویاما می‌گوید هر کودکی که در کشورهای لیبرال به دنیا می‌آید اعم از اینکه غنی یا فقیر، سیاه یا سفید باشد، از حقوق شهروندی برابر برخوردار است. فوکویاما برای مشاهدات اجتماعی ذکر شده در بالا که جامعه‌شناس معروف آمریکا، کاستلز آن را بیان کرده است، چه پاسخی دارد؟ چگونه نظام ایده‌آل بیشترین تعداد زندانیان در جهان را داراست و ایالت کالیفرنیا نیز به داشتن بیشترین تعداد زندانیان در ایالات متحده، (کشور آرمانی لیبرال دموکراتی و اقتصاد سرمایه‌داری) مفتخر است؟!^۳

۱۱- فساد و فحشاء و بھره‌کشی جنسی از کودکان؛ یکی از پر رونق‌ترین بازار فحشای کودکان در آمریکا و کاناداست.^۴ طبق گزارش وزارت کار آمریکا دلیل این امر، کسب درآمد بیشتر، به دست آوردن غذا و مانند آن است و این کودکان در معرض خطر ایدز و سایر بیماری‌های آمیزشی یا سوء استفاده‌های جسمانی سبعانه قرار دارند و از آثار سوء آن تا آخر عمر -که ممکن است کوتاه باشد،- رنج می‌برند.^۵

۱. نک: مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظہور جامعه شبکه‌ای)، ج ۳، ترجمه احمد علیقلیان، افسین خاکباز.

۲. همان، ص ۱۶۱-۱۶۹.

۳. همان، ص ۱۶۹-۱۷۰.

۴. همان، ص ۱۸۱.

۵. همان.

در متن جامعه ایده‌آل لیبرال دموکراسی (آمریکا)، پلیس فدرال (FBI) هر ۲۲ دقیقه یک فقره قتل، هر پنج دقیقه یک فقره تجاوز، هر ۴۹ ثانیه یک فقره دزدی، هر سی ثانیه یک فقره حمله مسلحانه و هر ده ثانیه یک فقره دزدی مسلحانه راگزارش می‌کند.^۱ این بنیاد ظالمانه علاوه بر نظام اقتصادی سرمایه‌داری، ریشه در نظام فلسفی لیبرال دموکراسی دارد.

لیبرال دموکراسی از دو رکن لیبراسیم یا آزادی خواهی و دموکراسی یا حکومت مردم تشکیل شده است و نه عدالت. اگر به سایر مبانی این مکتب نیز توجه کنیم، اصولی همچون اومانیسم (Humanism)، فردگرایی (Individualism)، سکولاریزم (Secularism)، ساینتیسم (Scientism) عقلگرایی (Rationalism) و مانند آن، خالی از «عدالت»‌اند.

عدالت به معنی دادگری، احراق حق و در مقابل ظلم و جور است. عدالت مورد نظر ما عدالتی است فراگیر و همه جانبه. بشر به طور فطری خواهان آن است که استحقاق‌های طبیعی و واقعی هر کس در سطح فردی، اجتماعی و حکومتی بدون تبعیض در اختیار او قرار گیرد. به تعبیر دیگر در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی همه چیز در مجرای طبیعی خود قرار گیرد، چه آنکه «العدلُ يَضْعُ الْأَمْوَالَ مَوْاضِعَهَا».^۲

عدالت‌خواهی آرمان اساسی و مشترک بشر در طول تاریخ بوده است. از ابتدای خلقت برای رسیدن به عدالت نباید آغاز شده است که منشأ تحولات گوناگونی در جهان بوده است. عدالت‌خواهی شعار جاودانه‌ای است که در همه نبردها، نهضت‌ها، قیام‌ها، انقلاب‌ها و جنگ‌های حق طلبانه از آن سخن گفته می‌شود. هرجاکه بشر احساس کرده عدالت برپا و بر جاست، درگیری خاموش شده است و هرگاه ظلم و بسی عدالتی را مشاهده نموده به انساء مختلف با ظالمان و حاکمان جور به ستیز برخاسته است.

بر این اساس مهم‌ترین نیاز فطری بشر «نیاز به عدالت» است و هر مکتب، مذهب یا دینی که بتواند آن را پاسخ بگوید، همو صاحب پایان تاریخ خواهد بود.

۱. نک: آمریکا ستیزی چرا؟، ص ۸۶-۸۷.

۲. ر.ک. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.

پرسش این است که آیا نظام لیبرال دموکراسی می‌تواند به این نیاز پاسخ بگوید؟! به نظر ما پاسخ منفی است. لیبرال دموکراسی با مشی سرمایه‌داری اساساً بر ظلم و نابرابری بنا شده است، پس چگونه می‌تواند به عدالتخواهی بشر پاسخ بگوید؟ فاقد شیء، معطی شیء نمی‌شود.

می‌توان گفت که نظر فوکویاما بیش از آنکه یک نظریه علمی باشد، از علایق و منافع او سرچشمۀ گرفته است. او و همفکرانش به دلیل منافعی که در نظام لیبرال دموکراسی آمریکا دارند، تلاش می‌کنند آن را «هدف نهایی همه جوامع» معرفی و برای آن تئوری‌سازی نمایند.

مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م)

کارل مارکس (Karl Marx) آلمانی، بنیانگذار مارکسیسم، شاگرد هگل بود و بر اساس منطق او نظریه اجتماعی خود را با عنوان ماتریالیسم دیالکتیک طرح کرد. مارکس همچون هگل به تکامل تاریخ اعتقاد داشت، با این تفاوت که جامعه پایان تاریخ او، یک جامعه کمونیستی بود و نه دولت لیبرال. بنابراین آینده جهان از دیدگاه او و طرفدارانش از آن، کمونیزم است.

بدون اینکه قصد نقد و بررسی تفصیلی دیدگاه مارکس را داشته باشیم، یادآور می‌شویم که مارکسیسم آینده را تنها در بعد مادی می‌بیند. نظریه مارکس پس از تبدیل شدن به مکتب و در مرحلۀ عمل بهویژه در اتحاد جماهیر شوروی به شکست انجامید. پیش‌گویی‌های مارکس در مورد رسیدن جوامع اروپایی به دوره کمونیزم نیز قبلاً نادرست از آب درآمده بود. مارکسیسم در شوروی با ایجاد یک نظام دولت سالار، کنترل همه جانبه حزب کمونیست را بر جامعه به حداکثر رساند و در همه امور و حوزه‌های شخصی، اجتماعی، حقیقی و حقوقی تلاش کرد تا نظریه پایان تاریخ خود را تجربه کند. آنان در نهایت نتیجه‌ای جز شکست و فروپاشی به دست نیاوردند.^۱

مارکسیسم نمی‌تواند آینده جهان را از آن خود سازد، زیرا به تعبیر امام خمینی(ره) در نامه‌اش به گورباقچف:

مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت که اساسی‌ترین درد جامعهٔ بشری در غرب و شرق است، به درآورد.^۱

پرسش

- ۱ - از دید تئوریهای خطی - تکاملی آینده جهان چگونه است؟
- ۲ - تئوریهای ادواری در بارهٔ آینده جهان چه می‌گویند؟
- ۳ - نظر تئوریهای ستیز دربارهٔ جهان فردا چیست؟
- ۴ - دیدگاه هگل، اگوست کنت و ابن خلدون به ترتیب در کدام دسته از تئوریهای تحول جای می‌گیرد؟

۱. امام خمینی، آوای توحید (نامه امام خمینی به گورباقچف با شرح آیت الله جوادی آملی)، ص. ۹.

آینده جهان در نگاه زرتشت و بودا

بشارت به آینده‌ای خوش، اصل مسلم در همه ادیان الهی است. قرآن کریم، انجیل، تورات و زیور، نویدبخش آینده‌ای درخشان، زیبا و با سعادت برای بشرند.

به نظر می‌رسد بسیاری از تئوریهای مطرح در بخش قبل، ایده اصلی خود درباره آینده جهان را از کتب آسمانی گرفته‌اند. هر چند بدان اعتراف نکرده‌اند، اما توجه به قدامت ادیان آسمانی و قرایین، این سخن را کاملاً تأیید می‌کند. البته برخی از این تئوریها، ایده اصلی را از کتابهای الهی گرفته اما به شیوه‌ای انحرافی پرورش داده‌اند و یا خواسته‌اند لباس علم بر نظر خود بپوشانند. از سوی دیگر اشتراک اکثر تئوریها و مکاتب با ادیان در پذیرش آینده‌ای درخشان، حاکی از فطری بودن ظهور منجی و نیز پتانسیل بالایی است که زمینه‌ساز تحقق حکومت جهانی عدالت در آینده خواهد بود.

اعتقاد به دوره آخر الزمان و انتظار ظهور منجی غیبی که فوتوریسم (Futurism) نامیده می‌شود، در مباحث ثولوژیکی مذاهب آسمانی، (ثولوژی کتب مقدسه که مبانی استدلالی آن، متون کتب مقدسه است)، کاملاً شرح و بسط داده شده است. بر این اساس اعتقاد به منجی عالم یک اصل مسلم دینی است.^۱

بدون شک از عوامل اصلی موقتیت یک رهبر جهانی، برای یکپارچه‌سازی دنیا داشتن شخصیتی جامع و مورد قبول همه ادیان و صاحبان فطرت‌های پاک از مکاتب بشری است.

۱. علامه محمد حسین طباطبائی، شیعه، مجموعه مذاکرات با پروفسور هائزی کربن، توضیحات از علی احمدی، سید هادی خسروشاهی، ص ۴۶۴-۴۶۵.

از بین مذاهب مختلف دنیا، تشیع به دلیل عنایت خاص به آینده تاریخ، در روایات خود به وضوح این مسأله را بیان کرده است. امام صادق(ع) می‌فرمایند:

امام زمان(ع) هنگامه ظهور، در حالی که به خانه کعبه تکیه داده است چنین می‌گوید: «ای مردم، آگاه باشید؛

کسی که می‌خواهد آدم و شیث را ببیند، من همان آدم و شیث هستم.

کسی که می‌خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، من همان نوح و سام هستم.

کسی که می‌خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، من همان ابراهیم و اسماعیل هستم.

کسی که موسی و یوشع را می‌خواهد ببیند، من همان موسی و یوشع هستم.

کسی که می‌خواهد عیسی و شمعون را ببیند من همان عیسی و شمعون هستم.

و کسی که می‌خواهد محمد(ص) و امیر المؤمنین(ع) را ببیند، من همان محمد(ص) و امیر المؤمنین(ع) هستم. کسی که می‌خواهد حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین(ع) را ببیند، من همان حسن و حسین و امامان بعدی هستم.

به دعوت پاسخ مثبت بگویید و من به آنچه که آگاه شدید و آگاه نشید، به شما خبر می‌دهم،
کسانی که از اهل کتاب و صحف هستند به من گوش کنند.»

سپس امام مهدی(ع) شروع به قرائت کتب آسمانی می‌نمایند: از آدم و شیث تا صحف نوح و ابراهیم، تورات و انجیل و زبور و قرآن کریم -که خداوند بر انبیاء(ع) نازل کرده است- به دنبال عرضه کتب الهی بر طرفداران آنان، همه آنها تصدیق و اعتراف می‌کنند که آنچه را امام(ع) از کتاب الهی قرائت می‌کند، به درستی کتاب نازل شده از طرف خداست و آنچه را نمی‌دانستند و بن آنان مخفی بود، بدون اینکه چیزی از کتاب الهی ساقط و یا تبدیل و تحریف شده باشد بر آنان عرضه می‌کند و همه تسليم می‌شوند.^۱

به هر روی همه ادیان مهم الهی در جهان امروز (یهود با همه فرقه‌هایش، مسیحیت با مذاهیش، اسلام با مذاهیش) در انتظار پایانی خوش برای تاریخ‌اند. همه آنان جهان آینده را متعلق به دین می‌دانند و در انتظار حکومت عدل الهی در آخرالزمان.

دست یابی به دیدگاه همه ادیان - الهی و غیر الهی - در این باره، تحقیق مستقلی می طلب که در پی آن نیستیم. بر این اساس با توجه به ادیان مهم و زنده دنیا - که اکثریت بشر در جهان فعلی از آنها پیروی می کنند - ابتدا دیدگاه زرتشت و بودا و سپس دین یهود، مسیحیت و اسلام را بیان می کنیم.

۱. زرتشت

دین زرتشت، دین اکثر ایرانیان تا ظهور اسلام بوده است، اکنون نیز در ایران و هند پیروانی دارد. در ایران امروز زرتشیان به عنوان یک اقلیت دینی، نماینده‌ای در مجلس شورای اسلامی دارند.

بر اساس این تعالیم؛ همواره دو نیروی «نور» و «ظلمت»، اورمزد یا یزدان و اهریمن در نزاع هستند تا زمانی که «سوشیانس» (نجات دهنده دنیا) ابتدای هزاره سوم بعد از زرتشت ظهور کند. او به طور کامل اهریمن را شکست می دهد.^۱

طبق عقاید این دین، بعد از زرتشت سه نجات دهنده به صورت پیاپی و هر کدام به فاصله یک هزار سال خواهد آمد. نخستین ایشان به نام «اوشتار» (Aushetar) درست یک هزار سال بعد از زرتشت پدیدار گشت و دومین که اوشتار ماه (Aushetarmah) نام داشت، دو هزار سال بعد از زرتشت به جهان آمد و سرانجام آخرین ایشان که «سوشیان» (Saoshyan) نام دارد، در رأس هزاره سوم که آخرالزمان است می رسد و روزگار با او پایان می پذیرد.^۲

سوشیانس (نجات دهنده بزرگ) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد. ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.^۳

طرح دین زرتشت درباره آخرالزمان به خوبی گویای مطالب زیراست:

۱. نک: علی دوانی، موعودی که جهان در انتظار است، ص ۵-۲.

۲. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۳۱۹.

۳. جاماسب نامه، ص ۱۲۱ به نقل از کامل سلیمان، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۳.

- ۱- آخر الزمان، مشتمل بر یک دوره هزار ساله شکوهمند است.
- ۲- آخر الزمان، عصر دین و دین باوری است، چون سوшиانس دین را به جهان رواج دهد.

۳- فردای جهان، عصر رفاه اقتصادی و ریشه کنی فقر و بی نوایی است.

۴- پایان تاریخ، دوره نابودی اهریمن، یعنی روح بزرگ شر در جهان است.

۵- آخر الزمان، دوره وحدت فرهنگی، وحدت پندار، گفتار و کردار است.

نکات مذکور مشخص می کند که آینده جهان از دیدگاه دین زرتشت متعلق به یک دین است و سوشیان یا منجی بزرگ با رواج دین، الحاد و سکولاریزم را نابود خواهد کرد. علاوه بر این، انسان پایان تاریخ، جهان میهنه و متدين است. البته در دید ما، دین واحد مذکور، اسلام، سوشیان یا منجی بزرگ، مهدی(ع) و فرهنگ حاکم بر آخر الزمان همان اسلام است.

دین زرتشت، تلقی دیگری نیز در مورد آخر الزمان دارد، و آن، تفسیری آن جهانی (آخری) - همانند تفسیر مسیحیت از ظهور مسیح - است.

بر این اساس چون سوشیان (آخرین نجات بخش) ظهر کند، آخر الزمان آغاز شود و آن روز نشور است، مردگان برخیزند و زمین و آسمان از باشندگان خود تهی گردند. پس انجمنی عظیم برای داوری و حساب کردار بندگان فراهم آید و درباره هر یک از ارواح گذشته، فرمان یزدانی صادر خواهد شد. در آن روز فرقه نیکان از زمرة بدان جدا شوند.^۱

نبرد نهایی اهورامزا و اهریمن یا جنگ آخر الزمان نیز در دین زرتشت آمده است. پس از این نبرد سهمگین زندگی در جهان ابدی و سرمدی شروع خواهد شد. پیکار آخرین که بین اهورامزا و سپاهش با اهریمن و لشکریانش در می گیرد، اهریمن و اتباع او هزیمت نهایی یافته به آتش فرو می افتد و برای همیشه نابود می گردد. پس آن کسان که از این آزمایش و ابتلاء به سلامت و درستی بیرون آیند، در

زمین و آسمان نوین، مردان همه به سن چهل و کودکان به سن پانزده با دوستان و خویشاوندان در کمال خوشی و خرمی زندگانی جاوید خواهند کرد و این جهان ابدی و سرمدی، ابدالآباد به جای خواهد ماند.^۱

۲. دین بودا

دین بودا که بر اصل «ترک دنیا» و «خلاصی از آلام روح» بنای شده است،^۲ در جنوب شرقی آسیا پیروان فراوانی دارد.

کلمه بودا به معنای روشن ضمیر (Enlightened) یا اشرافی است. در این آینه هر انسانی که حقیقت تحقق یافته و موقعه شده به وسیله بودا (Dhamma دھم) را درک کرده باشد، خود نیز می‌تواند یک بودا نامیده شود، یعنی از تسلسل تولدهای مجدد رهایی می‌یابد. بودایان بر این باورند که موجودات زنده پیوسته می‌میرند و از نو متولد می‌شوند تا بر حسب شایستگی‌های معنوی خود در ردیفی از ردیف‌های متعدد دنیایی با سلسله مراتب دقیق جاگیرند. طبق این آینه زندگان از بیم درد و رنج‌های ناشی از تولدهای مکرر می‌کوشند تا با رسیدن به «نیروان» پایانی برای رنج‌های خود فراهم نمایند.

در مکتب بودا، بودای واقعی در متون شریعت پالی (Palicanon) سما سمبودا (Samma Sambuddha) نامیده می‌شود که تفاوت آن با بودای «شنونده» [یعنی داوطلبان مقام بودایی] در آن است که بودای واقعی «حقیقت رهایی بخش (دھم) را خود به خود درمی‌یابد، بدون اینکه از کسی در این دنیا شنیده باشد؛ یعنی بدون کمک دیگران و علاوه بر این به نشر و موعظة آن نیز می‌پردازد.^۳

در دین بودا یک دور مکرر از انحطاط اخلاقی و باز خیزش (Resurgence) وجود

۱. همان، ص ۳۱۹-۳۲۰.

۲. همان، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۳. ریچارد گمریج، پیش‌گویی‌های بودایی: آینده تا چه حد باز است؟ در کتاب «پیش‌گویی آینده» نوشته لنوها واو-آلن وین ترجمه ناصر موقیان، ص ۲۱۶-۲۲۶.

دارد. اسطوره با فرمانروایی به نام دالهانمی (Dalhanemi) آغاز می‌گردد که بدون نیاز به زور و خشونت به درستی و عدالت بر جهان حکم می‌راند. اما در بین وارثان او در نسل سوم، جریان امور به نقص و اشتباه دچار می‌شود. فرمانروای این نسل قانون و نظم را محفوظ بگه می‌دارد، اما در مورد انتقال ثروت به مستمندان کوتاهی می‌کند. به دنبال این امر دزد و دزدی و در پی اعدام دزد، دروغگویی و نهایتاً اعدام‌ها به خشونت متقابل دامن می‌زنند و احاطه اخلاقی و کاهش طول عمر به وجود می‌آید. این احاطه تا به آنجا می‌رسد که طول عمر بشر از هشتاد هزار سال به ده سال خواهد رسید و طعم‌های لذت‌بخش هم از بین خواهد رفت و نهایتاً حضیض ذلت فراخواهد رسید.

به مدت یک هفته هر کس برای دیگری به صورت حیوانی وحشی درخواهد آمد و به کشتن همیگر دست خواهد زد. در این میان عده‌ای که به کوه‌ها و جنگل‌ها پناه برده، مخفی شده و از ریشه گیاهان تغذیه کرده‌اند، پس از یک هفته از مخفی‌گاهها بیرون می‌آیند و یکدیگر را در آغوش می‌کشند و به هم تبریک گفته، به پاس زنده ماندن نغمه‌های شادی سرخواهند داد و به یاد خواهند آورد که بر اثر شرارت و بدکاری دچار این امر شده بودند. لذا مصمم می‌شوند که از هر گونه کشtar و تبه کاری خودداری کنند. بدین ترتیب تسلیل جهنمی به جهت مخالف می‌افتد، مردم دست از بدکاری بر می‌دارند، طول عمر دوباره به ۸۰ هزار سال قبلى می‌رسد و سن بلوغ به پانصد سالگی. در این زمان بودایی به نام «متی یه» متولد و به اشراق نایل و پس از سیر و سلوک به نیروانا خواهد رسید. همچنین فرمانروای بزرگی در هند (بنارس که در آن زمان به «کتومانی» شهرت خواهد داشت)، حکومت خواهد کرد. این فرمانرووارا با همان کلمات و عبارات توصیف خواهد کرد که در آغاز، فرمانروایی دالهانمی را وصف می‌گردد.^۱

طبق این مکتب همان وقایعی که در زندگی بوداها پیشین روی داده است،

در جریان زندگی بوداهای آینده نیز پیش خواهد آمد. نتیجه این امر در هر حال این نکته است که پیش‌گویی آینده نیز در واقع نوعی توصیف گذشته است.^۱ می‌توان گفت از نظر دین بودا، تاریخ سیکلی از کمال و انحطاط را طی می‌کند، ضمن اینکه مکتب بودا نیز دوره‌های ظهور - مرگ - ظهور - مرگ خواهد داشت، آینده جهان نیز مشابه گذشته است.

شایان ذکر است که از نظر کیش بودا، آینده جهان جایگاهی (دنیای مادی) یا بهاجنه - لوكه: (bhajana-loka) روشن و قابل پیش‌گویی است، اما از دیدگاه آن فرد بودایی که به حالت اشراق رسیده، گذشته و آینده نابود شده و زمان از بین رفته است، بنابراین پیش‌گویی برای او مطلقاً مفهومی ندارد.^۲

پرسش

- ۱ - فوتوریسم به چه معناست؟
- ۲ - عقیده زرتشت درباره نجات بخش را به اختصار شرح دهید.
- ۳ - مनظور از دور انحطاط اخلاقی و باز خیزش در دین بودا چیست؟

۱. همان، ص ۲۲۶

۲. همان، ص ۲۴۹

درس سوم

آینده جهان در نگاه دین یهود

کتاب مقدس حضرت موسی، دنیابی نو با حاکمیت صالحان در آخر الزمان پیش‌بینی می‌کند که عصر ظلم و جور در آن به پایان می‌آید. در چنین دنیابی مسکینان به عدالت داوری خواهند شد، جهان از معرفت خداوند پر خواهد گشت و مسیح فرزند منتخب داود، حکومت نمونه‌ای برپا خواهد نمود. در تورات چنین می‌خوانیم:

* و نهالی از تنہ یَسَیَ [نام پدر داود] بیرون آمد، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت * و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند * و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنیبه نخواهد نمود * بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش زده، شریران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت * و کمریند کمرش عدالت خواهد بود و کمریند میانش امانت * و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیرپرواری با هم. و طفل کوچک آنها را خواهد راند * و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت * و در تمامی کوه

مقدس من ضرر و فسادی نخواهد کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند.^۱

کتاب اشعياء نبی به خوبی اشعار می‌دارد که آینده جهان متعلق به روح الله است. دو ویژگی بنديدين اين رهبر جهاني، عدالت و معرفت است. او بساط ظلم و شرارت را برخواهد چيد و چنان امنيتی در جهان برپا خواهد نمود که گرگ با باره و به تعبير ديگر دشمنان ذاتي با آرامش در کنار هم زندگي خواهد ند کرد.

تورات قبل از جهاني شدن معرفت الهی و حاكمیت توحید، سخن از جنگی خونین در اورشلیم (بيت المقدس) دارد:

اينك روز خداوند می‌آيد و غنيمت تو در ميانت تقسيم خواهد شد * و جميع امت‌ها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد و شهر را خواهند گرفت.^۲

نتيجه اين جنگ در روز معروف خداوند، حاكمیت دين و خدای واحد است:
و يهوه [خداوند] بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود، در آن روز يهوه واحد خواهد بود و
اسم او واحد.^۳

اين فراز از تورات به خوبی حاكمیت نظام‌های سکولاري چون ليبرال دموکراسی را در جهان آينده نفي می‌کند. به تعبير صريح تورات، بخش آخر تاريخ، روز خداوند يا «يوم الله» است، روز حاكمیت دين بر سراسر گيتي، نه روز حاكمیت کمونيزم يا سکولاريزم و اomanizm.

آنچه از تورات درباره آخر الزمان می‌خوانيم، مؤيد بسيازی از روایات اسلامی در اين زمينه است. همچنانکه در روایات اسلامی، از جنگ‌های وحشتناک در عصر ظهر سخن گفته

۱. كتاب مقدس يعني عهد عتيق و عهد جديد (تورات و انجيل)، صحيفه اشعياء نبی، باب يازدهم بند‌های ۱ تا ۱۰. اين كتاب از زبان‌های اصلی عبراني، كلدانی و یونانی ترجمه شد و به همت انجمن پخش كتب مقدسه به چاپ رسیده است.

۲. همان، كتاب زكريای نبی، باب چهاردهم، بند ۱ و ۲.

۳. همان، بند ۹ و ۱۰.

شده است، تصویری که تورات از دوره قبل از حاکمیت خداوند، در جنگِ روز معروف، ارائه کرده، نیز چنین است:

گوشت ایشان در حالتی که برپاهای خود ایستاده باشند کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گداخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد گشت.^۱

طبق پیش‌گویی تورات در نتیجه این جنگ و حشتناک^۲ انسان‌های کرۀ زمین از بین خواهند رفت و $\frac{1}{3}$ باقیمانده شرایط بسیار سختی را تجربه خواهند کرد:

و خداوند می‌گوید که در تمامی زمین دو حصۀ منقطع شده، خواهند مرد و حِصۀ سوم در آن باقی خواهند ماند* و حِصۀ سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتند نقره، قال خواهم گذاشت و مثل مصفی ساختن طلا ایشان را مصفی خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت نموده، خواهم گفت که ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که یهوه خدای ما می‌باشد.^۳

بر این اساس، جهان فردا متعلق به پاکان مصفاست، نه افرادی که در فساد اخلاق غوطه‌ور باشند. آخرین انسان، انسان ناب طلا‌گونه و فاقد ناخالصی هاست و البته چنین انسان‌هایی که در لسان اسلامی «متقیان» نام گرفته‌اند، تنها توسط دین ناب الهی -اسلام یعنی اصل همه ادیان الهی- قابل پرورش است. این فراز تورات مؤید همان عبارت والای قرآن است که می‌فرماید:

أَنَّ الْأُذُوضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الْأَصْلِحُونَ (نبیاء: ۱۰۵)

بنابراین مکاتبی همچون لیبرالیسم، که بر نسبیت اخلاقی تأکید داشته و اجازه اقدام به هر فساد اخلاقی را می‌دهند، نمی‌توانند مدعی حاکمیت در پایان تاریخ باشند. به هر روی آینده جهان از نظر دین یهود متعلق به دین و دینداران است. انسان پایان تاریخ نیز نه کمونیست یا لیبرال دموکرات، او مانیست یا سکولار، بلکه انسان مؤمن به یهوه (خداوند) است. پس از جنگ یاد شده، جنگی دیگر تجربه نمی‌شود. در آن عصر همه امت‌ها روبه سوی خانۀ خدا [مسجد الاقصی و یاکعبه] خواهند داشت:

۱. همان، بند ۱۲.

۲. همان، باب سیزدهم، بندۀای ۸ و ۹.

و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قله کوهها ثابت خواهد شد و فوق تل‌ها برآفراسه خواهد گردید و جمیع امت‌ها به سوی آن روان خواهند شد.^۱

و در آن ایام آخر با ظهور منجی عالم بشریت:

و او امت‌ها را داوری خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد. و ایشان شمشیرهای خود را برای گاوآهن و نیزه‌های خود را برای ازه‌ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.^۲

پایان تاریخ از نظر تورات، عصر صلح، صنعت و عدالت، عصر رستگاری و رجعت است. تورات به صراحت از قیام امیر عظیمی یاد می‌کند که ایستاده یعنی قائم است. از نظر ما این امیر عظیم همان قائم آل محمد(ص) است که جهان را پر از عدل خواهد نمود: و در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو [قائم] ایستاده است، خواهد بُرخاست.^۳ ... و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد.^۴

در موضوع «رجعت» عبارت زیر به خوبی گویای مطلب است:

و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی.^۵

نکته جالب توجه همانگی این مطلب با دیدگاه شیعه است. شیعه نیز در بحث رجعت - که در بخش مربوطه خواهد آمد - معتقد است که با ظهور امام زمان(عج)، دو دسته از انسان‌ها رجعت می‌کنند، عده‌ای از انسان‌های پاک و معصوم و دسته‌ای دیگر از انسان‌های شریر و ظالم. همه این مطالب، نشان از استحکام، حقانیت، قوت و قدرت

۱. همان، کتاب اشیاء نبی، باب دوم، بند ۱ و ۲ و ۳.

۲. همان، بند ۴ و ۵.

۳. همان، کتاب دانیال نبی، باب دوازدهم، بند ۱.

۴. همان.

۵. همان، بند ۲ و ۳.

دیدگاه اسلام و تشیع دارد. از نظر دین یهود، فرجام تاریخ، عصر حکیمان و انسان‌های عادل و عصر علم و ارتباطات سریع است:

و حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الاباد * اما توای دانیال، کلام را مخفی دار و کتاب را تازمان آخر مهر کن. بسیاری یه سرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید.^۱

آری آینده متعلق به صالحان است، در کتاب مزمایر داود می‌خوانیم:

زیرا که شریران منقطع خواهند شد. و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود *... و اما نسل شریر منقطع خواهد شد * صالحان وارث زمین خواهند بود. و در آن تابه ابد سکونت خواهند نمود.^۲

و چه زیبا قرآن کریم گواهی می‌دهد، آنجاکه می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الْزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الْذِكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الْأَصَلِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵)

و امام صالحان حجۃ ابن الحسن العسكري (ع) است که به گفته امام صادق (ع) هنگامه ظهور بر خانه کعبه تکیه داده، می‌گوید؛ من همان موسی (ع) و یوشع (ع) هستم و باقرائت کتب آسمانی و از جمله تورات و زبور، یهودیان پاک طینت را مطیع خود می‌کند.^۳

پرسش

- ۱ - کتاب تورات درباره آخرالزمان چه می‌گوید؟
- ۲ - کتاب اشعیاء نبی آینده جهان را متعلق به چه کسی می‌داند؟
- ۳ - انسان پایان تاریخ از نظر دین یهود چه ویژگیهایی دارد؟
- ۴ - درباره جنگ آخرالزمان از نظر تورات به اختصار توضیح دهید.
- ۵ - چهار ویژگی پایان تاریخ از نظر تورات را بنویسید.

۱. همان، بند ۳ و ۴ و ۵.

۲. همان، کتاب مزمایر، (زبور داود)، مزمور سی و هفتم، بند ۹ و ۱۰ و ۲۹ و ۳۰.

۳. بخار الانوار، ص ۹.

آینده جهان از منظر دین مسیح (ع)

دین مسیح (ع) نیز خوشبینانه به جهان آینده نگریسته است. ظهور دوم (Second coming) یعنی بازگشت مجدد حضرت عیسی (ع) برای نجات عالم و ایجاد یک عصر با شکوه، از اعتقادات جدی مسیحیان است.

مسیح (ع) هنگام ظهور اول، یعنی بعثت خود همچون یک انقلابی بزرگ مقابل انحرافات رهبران یهودی استاد. بر این اساس، رهبران یهود تعالیم وی را خطرناک دیده، دشمنی سختی با عیسی (ع) داشتند. سرانجام نیز او را محاکوم به مرگ کرده، ظاهراً به صلیب کشیدند. اما طبق گواهی قرآن کریم: او کشته و به صلیب کشیده نشد، بلکه امر بر آنان مشتبه گردید و خداوند او را به سوی خود بالا برد.^۱

بنابراین در پایان تاریخ دوباره باز خواهد گشت و منتظران مسیحی می‌باشد
اقدامات لازم را برای ظهور دوم «پسر انسان» به عمل آورند. در انجیل لوقا می‌خوانیم:

کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید.^۲

... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید.^۳

بندهای ۳۶ تا ۴۱ انجیل لوقا، به صراحة حاکی است که مسیحیان می‌باشد، برای زمینه‌سازی آینده خوش، از یک «انتظار مثبت» برخوردار باشند و نه «انتظار منفی»؛ یعنی آنان برای ظهور دوم مسیح (ع) با فعالیت‌های دین‌مدار و روشن نگاه داشتن ارزش‌های دینی،

۱. سوره نساء (۴)، آیات ۱۵۵-۱۵۸.

۲. انجیل لوقا، باب دوازدهم، بند ۳۵-۳۶.

۳. همان، بند ۴۱.

زمینه آمدن «آقای خود»^۱ را فراهم کنند، نه اینکه در راستای افزایش بی عدالتی و فساد گام بردارند.

ظهور دوم، همراه یک سلسله از حوادث طبیعی ارضی، سماوی، سیاسی و اجتماعی خواهد بود. به شهادت انجیل لوقا، ماقبل پایان تاریخ، عصر حیرت و مشکلات فراوان است. پسر انسان هنگامی می‌آید که بشریت در چنگال مصائب فراوانی اسیر است:

و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش * و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود، زیرا قوات آسمان متزلزل خواهد شد * و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید.^۲

برخی از مسیحیان معتقدند که پیش از بازگشت مسیح(ع) آخرین نبرد تاریخ، جنگ آخرالزمان، یا هارمجدون یا Armageddon^۳ اتفاق خواهد افتاد. مکان این جنگ، غرب رودخانه اردن است، در دشت جزرال، میان جلیله و سامریه. گفته می‌شود ناپلئون وقتی به این جایگاه رسید گفت: این، میدان بزرگ‌ترین نبرد جهان است.^۴
واژه هارمجدون یا آرمادگدون تنها یک بار در انجیل آمده است:

و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی هارمجدون می‌خوانند فراهم آوردند.^۵

طبق مباحث کتاب مکافهفة یوحنا رسول، نبرد عصر ظهر، جنگی بسیار و حشتناک است که برخی آن را «نبردی هسته‌ای» تفسیر می‌کنند.^۶ به نوشته کتاب مقدس، خداوند

۱. همان، بند ۳۶ «و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند».

۲. همان، باب بیست و یکم، بند‌های ۲۵-۲۸.

۳. آرمادگدون یا نبرد نهایی خیر و شر طبق ادبیات مسیحی، در دوران جنگ سرد بین آمریکا و شوروی به نبرد نهایی بین سرمایه‌داری و کمونیزم تفسیر می‌شد. پس از فروپاشی شوروی برخی می‌خواهند آن را به نبرد بین دنیاگیری غرب با دنیاگیری اسلام و قوع جنگ‌های صلیبی دوم تفسیر کنند.

۴. نک: گریس هال سل، تدارک جنگ بزرگ، بر اساس پیش‌گویی‌های انبیای بنی اسرائیل، ترجمه خسرو اسدی، ص ۵۰.

۵. مکافهفة یوحنا رسول، باب شانزدهم، بند ۱۷.

۶. نک: تدارک جنگ بزرگ، ص ۳۷-۴۹.

پیاله‌های غصب خود را در آن زمان، بر زمین خواهد ریخت که هر کدام، پیامدهای خاص خود را دارد:

و ششمین پیاله خود را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه پادشاهانی که از مشرق آفتاب می‌آیند، مهیا شود * و دیدم که از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نبی کاذب سه روح خبیث چون وزغها بیرون می‌آیند * زیرا که آنها ارواح دیوها هستند که معجزات ظاهر می‌سازند و بر پادشاهان تمام ربع مسکون خروج می‌کنند تا ایشان را برای جنگ آن روز عظیم خدای قادر مطلق فراهم آورند * اینک چون دزد می‌آیم خوشابه حال کسی که بیدار شده، رخت خود را نگاه دارد مبادا عربیان راه رود و رسوایی او را ببینند * و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی هار مجدون می‌خوانند فراهم آورند * و هفتین پیاله خود را بر هوا ریخت و آوازی بلند از میان قدس آسمان از تخت به در آمده گفت که تمام شد * و برقها و صدایها و رعدها حادث گردید و زلزله عظیم شد آنچنان که از حین آفرینش انسان بر زمین زلزله به این شدت و عظمت نشده بود * و شهر بزرگ به سه قسم منقسم گشت و بلدان امت‌ها خراب شد و بابل بزرگ در حضور خدا به یاد آمد تا پیاله خمر غصب آلد خشم خود را بدو دهد * و هر جزیره گریخت و کوه‌ها نایاب گشت * و تگرگ بزرگ که گویا به وزن یک من بود از آسمان بر مردم بارید و مردم به سبب صدمه تگرگ خدارا کفر گفتند، زیرا که صدمه اش بی نهایت سخت بود.^۱

به نوشته انجیل، هنگامه ظهور مسیح (ع) دجال با اقداماتش مردم را خواهد فریفت. در کتاب یوحنا - که گذشت - از نبی کاذبی سخن گفته می‌شود که با سه روح خبیث از ارواح دیوها، معجزاتی ظاهر نموده، بر تمام حاکمان روی زمین خروج می‌کنند، اما در نهایت مسیح (ع) این دجال یا ضد مسیح (Anti-christ) را نابود می‌سازد. در رساله دوم پولس رسول به تسلیونیکیان می‌خوانیم:

اما ای برادران از شما استدعا می‌کنم درباره آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما به نزد او ... آنگاه آن بی دین [دجال] ظاهر خواهد شد که عیسی خداوند او را به نَفَس دهان

خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت * که ظهور او به عمل شیطان است با هر نوع قوت و آیات و عجایب دروغ * و به هر قسم فریب ناراستی برای هالکین، از آنجا که محبت راستی را پذیرفتند تا نجات یابند.^۱

کلمه خدا برای داوری به عدل، جنگ و حکمرانی در آخر الزمان ظهور می‌کند:

و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید * و چشمانش چون شعله آتش و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی‌داند * و جامه خون آلود در بر دارد و نام او را کلمه خدا می‌خوانند * و لشکرها یی که در آسمان اند بر اسبهای سفید و به کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می‌آیند * و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزنند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود.^۲

آنچه در این باب ذکر شده، باروایات اسلامی هماهنگی دارد. به نظر ما سوار امین و حق همان مهدی(ع) است که برای انتقام خون امام حسین(ع)، جامه خون آلود آن حضرت را به همراه دارد و هموست که جهان را به عدل داوری خواهد کرد.

همچنان که در روایات اسلامی روز ظهور نامعلوم است، در انجیل متنی نیز می‌خوانیم:

اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس *....^۳

لهذا شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید *.^۴

نکته جالب دیگر در باره وقایع آینده جهان از دیدگاه مسیحیت، مسأله «رجعت» است که هماهنگی زیادی با اعتقاد شیعه دارد. در انجیل یوحنا می‌خوانیم:

و تخت‌ها دیدم و بر آنها نشستند و به ایشان حکومت داده شد و دیدم نفوس آنانی را که به

۱. رسالت دوم پولس رسول به تسالونیکیان، باب دوم، بند ۱ و ۸-۱۱.

۲. مکافحة یوحنای رسول، باب نوزدهم، بندهای ۱۱-۱۷.

۳. انجیل متنی، باب بیست و چهارم، بند ۲۶.

۴. همان، بند ۴۴-۴۵.

جهت شهادت عیسی و کلام خدا سربریده شدند و آنانی را که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند، زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند.^۱

به هر روی از منظر دین مسیح پایان تاریخ، پایانی سربلند و شکوهمند و عصر خلاصی انسان هاست.^۲ قبل از حاکمیت مسیح و سلطنت هزار ساله اش جنگ وحشتناکی - در خاور میانه امروزی - رخ خواهد داد و در این نبرد مؤمنان راستین پیروز خواهند شد. عیسی(ع) با غلبه بر دجال، او را از بین می برد و شیطان هزار سال در بنده خواهد بود^۳ تا مردم را گمراه نکند. با این توضیح انسان پایان تاریخ، انسانی مؤمن است، نه لیبرال دموکرات. نشانه های عصر ظهور در انجلیل، مشابه نشانه هایی است که در روایات اسلامی به تفصیل اشاره شده است. نزول حضرت عیسی(ع)، رجعت برخی از مردگان، ندایا صیحة آسمانی، آمدن عیسی بر فراز ابر و نظایر آن.^۴

ظهور منجی از سوی مذاهب مختلف مسیحیت، تفسیرهای متعددی برداشته است. آیت الله امامی کاشانی که در سفرهای متعددی، با اندیشمندان و روحانیان مسیحی گفتگو داشته است؛ می گوید:

همه فرقه های مسیحی اعم از کاتولیکها، ارتدوکسها و پروتستانها معتقدند که مسیح(ع) خواهد آمد. البته ارتدوکسها و پروتستانها مثل کاتولیکها قرص و محکم نیستند، آنان «دولت جهانی» را قبول دارند. مسیحیت را از نظر ایدئولوژی می توانم به سه بخش تقسیم کنم: یک بخش آن کسانی هستند که مسأله ظهور مسیح(ع) را مربوط به قیامت می دانند. یعنی حکومت جهانی را نمی پذیرند. آنان می گویند عالم آخرت که عدل خداوند ظهور نام دارد، حضرت مسیح(ع) مجرای عدل خداست و آنجاست که همه به

۱. مکافثه یوحنا رسول، باب بیستم، بند ۴-۵.

۲. انجلیل لوقا، باب بیست و یکم، بند ۲۸ (وچون ابتدای این چیزها بشود راست شده سرهای خود را بلند کنید از آن جهت که خلاصی شما نزدیک است.«

۳. مکافثه یوحنا رسول، باب بیستم، بند ۲ و ۳.

۴. نک: کامل سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ص ۵۵۷-۵۶۸.

کفر و پاداششان می‌رسند. یک بخش هم می‌گویند؛ در دنیا حکومت عدل برپا خواهد شد و یک بخش آنان می‌گویند، عدالت را برپا خواهد کرد ولی نه حکومت را.^۱ پایان سخن این است که اسلام بر ظهور دوم مسیح(ع)، صحه می‌گذارد. یعنی؛ جامعه بشری در انتظار دو نفر برای نجات و رستگاری است، اولی مهدی(ع) و دومی مسیح(ع) وزیر آن حضرت که به حجه ابن الحسن العسكري اقتدا می‌کند.^۲

پرسش

- ۱ - ظهور دوم مسیح به چه معناست؟ نظر اسلام در این باره چیست؟
- ۲ - جنگ آرماگدون را توصیف کنید.
- ۳ - منظور از ضد مسیح چه کسی است؟
- ۴ - مسئله رجعت را از نظر دین مسیح به اختصار توضیح دهید.
- ۵ - مذاهب مختلف مسیحیت (کاتولیک، پروتستان، ارتدوکس) درباره ظهور منجمی آخرالزمان چه نظری دارند؟

۱. نک: مصاحبه با آیت الله امامی کاشانی، فصلنامه انتظار، سال دوم، ش ۵ (پاییز ۱۳۸۱)، ص ۳۷-۵۶.

۲. آیت الله امامی کاشانی (سخنرانی)، مهدویت (آینده بشر) (قلم: کتابخانه تخصصی حضرت صاحب الزمان (عج) وابسته به مسجد مقدس جمکران، جزوی پیاده شده نوار شماره ۵۶) ص ۲ و ۳.

آینده جهان در نظر مسیحیت صهیونیستی

چنان که گذشت، مسیحیت به سه مذهب مختلف یعنی کاتولیک روم، ارتدوکس و پروتستان تقسیم شده است.^۱ مذهب پروتستان در درون خود فرقه‌های فراوانی دارد که به بیش از هزار می‌رسد. یکی از فرقه‌هایی که در طول یک قرن اخیر ظهر یافته و به شدت فعال شده است، مسیحیت صهیونیستی است.

مسیحیت صهیونیستی از تلفیق تعالیم مسیحیت و یهودیت به وجود آمده است. از جهتی چشم به منابع و الهیات انجیلی دارد و از سوی دیگر آموزه‌های تورات را به شدت دنبال می‌کند. این جریان با تأکید بر عهد عتیق (تورات) و مکافات یوحنای در عهد جدید (انجیل) معتقد است که ظهور حضرت مسیح^(ع) نزدیک است و برای این واقعه مهم باید بستر لازم را فراهم ساخت، موانع را از سر راه برداشت.^۲

پیروان این جریان، خود را مسیحیان دوباره تولد یافته می‌دانند و از ویژگی‌های بارز آن تعصب شدید نسبت به صهیونیسم^۳ و اسرائیل غاصب است. آنان حتی متتعصب‌تر از یهودی‌های صهیونیست مقیم اسرائیل و آمریکا هستند.^۴ از نظر این گروه خداوند

۱. کشورهای آمریکا و شمال اروپا عمدتاً پروتستان، کشورهای جنوب اروپا و آمریکای لاتین عمدتاً کاتولیک هستند و پیروان مذهب ارتدوکس در اروپای شرقی حضور دارند.

۲. نک: اسماعیل سروستانی «رسانه، مهدویت و مسیحیت صهیونیستی»، فصلنامه دانشجویی گل نرگس، تابستان و پاییز ۱۳۸۳، ص ۵۳.

۳. صهیونیسم به جنبش سیاسی - مذهبی یهودیان برای حضور در فلسطین و حق حاکمیت یهود بر کل این سرزمین اطلاق می‌شود لذا مسیحیانی که به طور جدی از بازگشت یهودیان به فلسطین به عنوان ارض موعود حمایت می‌کنند مسیحی صهیونیست شناخته می‌شوند.

۴. نک: حیدر رضا ضابط، «صهیونیسم مسیحی»، مجله معارف، (آبان ۱۳۸۳)، ش ۲۰، ص ۷.

فلسطین را به عنوان ارض موعود به یهودیان بخشیده و ساکنان اصلی آن یعنی فلسطینیان در آن حقی ندارند.

مسيحيان صهيونیست به مقابله با افکار ضد یهود می‌پردازند، در آموزش مسيحيت بر ریشه‌های یهودی دین مسيح تأکيد می‌کنند و مسيحي واقعی را دوست جدی اسرائیل غاصب می‌دانند و برای مهاجرت یهودیان به فلسطین بسیار می‌کوشند.

تاریخچه

مسيحيت صهيونیست با وجود ریشه‌های پروتستانی خود، برای نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم میلادی ظهر کرد. جان داربی (John Nilson Darby) کشیش معروف انگلیس، که در سال ۱۸۸۲ م درگذشت، مسيحيت صهيونیستی را به عنوان «عملی نمودن خواسته‌های مسيح» و تحقق پیش گوئی‌های انجیل در بین پروتستان‌ها ترویج کرد.

پس از او کشیشان پروتستان دیگری چون دی. ال. مودی، ویلیام بلاکستون و سایرس اسکوفیلد به تبلیغ مسيحيت صهيونیستی پرداختند. اسکوفیلد انجیل را مطابق افکار جان داربی انگلیسی تفسیر کرد و این تفسیر امروزه معتبرترین تفسیر و بهترین مرجع انجیل برای پروتستان‌ها محسوب می‌شود. بر این اساس پیروان این فرقه خود را مبلغان انجیل (کلیساي انجيلی) می‌دانند و تنها خود را اهل نجات محسوب می‌کنند.^۱ کشیش بلاکستون، که به عنوان پدر صهيونیسم مسيحي در آمریکا معروف است، در دهه ۱۸۸۰ م طی ملاقات‌های مکرر با رهبران سیاسی، دینی و سرمایه داران بزرگ آمریکا آنان را مقاععد کرد تا برای ایجاد کشور اسرائیل در سرزمین فلسطین تلاش کنند، در سال ۱۸۹۱ میلادی نیز نامه‌ای را با امضای ۴۱۳ نفر رهبران ارشد سیاسی، سرمایه‌دار و دینی از جمله اسقف اعظم کاتولیک‌های وقت آمریکا، کاردینال گیبن برای رئیس جمهور وقت آمریکا بنجامین هاری سون فرستاد تاریخیس جمهور آمریکا برای ایجاد اسرائیل تلاش کند.^۲

۱. همان، ص ۷-۸.

۲. همان.

با ظهور این فرقه در مسیحیت، صهیونیسم یهودی قوت گرفت و در قرن ۲۰ با کمک دولت انگلیس و آمریکا اسرائیل بنیان نهاده شد.

دولت آمریکا در سال ۱۹۱۷ م. در اثنای جنگ جهانی اول از اعلامیه بالفور^۱ حمایت کرد. در سال ۱۹۴۷ م. هری تروممن رئیس جمهور آمریکا از تقسیم فلسطین پشتیبانی کرد و در سال ۱۹۴۸ م. تأسیس دولت نامشروع اسرائیل را به رسمیت شناخت. ریشه این حمایت‌ها را باید در رسوخ افکار مسیحیت صهیونیستی در جامعه و دولتمردان آمریکا پی‌جست.^۲ رؤسای جمهور آمریکا از زمان جیمز کارتر تا جورج بوش دوم به صراحت گرایش خود را به مسیحیت صهیونیستی نشان داده‌اند. ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۷۶ شاهد رشد و گسترش مسیحیت سیاسی بنیادگرا و یا «راست مسیحی» بوده است. بین یک تا یک سوم آمریکاییان از نو غسل تعمید به جای آوردن - مسیحیانی که دوباره متولد شدند - پیروان کلیساها افراطی افزایی یافته‌اند، شبکه‌های تلویزیونی مذهبی (کلیساها تلویزیونی) تأسیس شدند و سازمان‌های «راست مسیحی» با عنوان‌های اکثریت اخلاقی، ائتلاف مسیحی، احیای بنیادگرایی، شورای مطالعات خانواده، تأکید بر خانواده و ائتلاف ارزش‌های سنتی یکی پس از دیگری ظهر کرد. این سازمان‌ها گفتمان اصول گرایانه‌ای را آغاز کردند که مهم‌ترین بخش آن توجه به آینده جهان و بازگشت یا ظهور دوم مسیح (Second Coming) است. آنان خواستار جلوگیری از سقط جنین، تحریم همجنس بازی، اجازه دادن برگزاری نماز در مدارس‌اند و مخالف اصولی از قانون اساسی آمریکا هستند که بین کلیسا و دولت (دین و سیاست) جدایی می‌افکند.^۳

مبانی اعتقادی مسیحیت صهیونیستی

مسیحیان صهیونیست کتاب مقدس (تورات) را وحی خداوند و پایه و انگیزه صهیونیست

۱. بالفور وزیر خارجه انگلیس ۱۹۱۷ م. در این اعلامیه دولت انگلستان از ایجاد موطن ملی یهود در فلسطین حمایت کرد مشروط به اینکه به حقوق جمعیت بومی (اعراب) این سرزمین لطفه وارد نماید. نک: حمید احمدی، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.

۲. نک: رضا هلال. مسیحیت صهیونیست و بنیادگرای آمریکا، ترجمه علی جنتی، ص ۱۶ - ۱۷.

۳. همان، ص ۲۲ - ۲۳.

بودن خود می دانند. مهم ترین اعتقادات این فرقه را به قرار زیر می توان بیان کرد:^۱

۱. استقرار مجدد: الهیات مسیحیت صهیونیستی بر اساس بازگشت دوباره یهود به سرزمین موعود (فلسطین) بنا شده است. آنان معتقدند که خداوند این وعده را به ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف داده است و کلیسا باید در استقرار مجدد کمک کند:

و بگوئید آنکه اسرائیل را پراکنده ساخت ایشان را جمع خواهد نمود.^۲

مسیحیان صهیونیست تشکیل اسرائیل غاصب (در ۱۹۴۸) را تحقیق پیش گویی های کتاب مقدس می دانند.

۲. برگزیدگی: پیروان این فرقه یهودیان را قوم برگزیده خداوند می دانند و ارتباط منحصر به فردی بین خداو آنان قائل اند.

۳. بخش گرایی: مسیحیان صهیونیست، به بخش گرایی و وضع احکام دینی در هر دوره و عصر معتقدند. بر پایه این عقیده، خداوند جهان را از آغاز تا پایان بر اساس جدولی تدبیر کرده که به هر دوره از آن یک بخش گفته می شود و اسرائیل نقش مهمی در آخرین دوره بازی می کند، یعنی زمانی که دوباره به کشوری مستقل تبدیل می شود.^۳

۴. تأدیب و رستگاری در سالهای آوارگی یهود: طبق این عقیده، پراکنده ساختن مردم یهود در سراسر جهان که به قرون و سالهای آوارگی معروف است، بر اساس تقدیر خداوند در طول قرون، تأدیب کننده و رستگاری بخش بوده است تا آگاهی و بصیرت خداوند اسرائیل را به گوش ملتها بر ساند.^۴

۵. ابدی بودن مالکیت اسرائیل برای یهود: در بیانیه سومین کنگره پیروان این فرقه، اسرائیل بر اساس پیمانی از سوی خداوند به عنوان ملک ابدی یهودیان به آنها اعطاء شده است.^۵

۱. پیشارا اواد (کالج مطالعات کتاب مقدس، بیت لحم)، «مسیحیت صهیونیستی» ترجمه فاطمه شفیعی سروستانی، مجله موعود، ش. ۴۰، و نیز نک: بیانیه سومین کنگره بین المللی مسیحیت صهیونیستی ترجمه نامبرده، مجله موعود شماره ۴۰.

۲. کتاب مقدس، کتاب ارمیاء نبی، باب سی و یکم، بند ۱۰.

۳. نک: پیشارا اواد.

۴. بیانیه سومین کنگره بین المللی مسیحیت صهیونیستی، بند ۵.

۵. همان، بند ۱۰.

۶. پیمان عیسی مسیح(ع) برای بازگشت به جهان: عیسی مسیح پیمان بسته که به اورشلیم، اسرائیل و جهان بازگردد. اورشلیم شهر مقدس معتقدان به کتاب مقدس است. در زمان متقرر عیسی مسیح(ع) باز خواهد گشت تا با نشستن بر تخت داود در اورشلیم با عدالت و صلح بر جهان حکمرانی کند.^۱

۷. حمایت مسیحیان از یهودیان: مسیحیان باید در مقابل اشکال مختلف تبعیض و غرض ورزی بر ضد یهودیان و کشور آنها بایستند و فعالانه راحتی و دوستی آنها را طلب کنند.^۲

۸. وجوب مشارکت فعال مسیحیان مؤمن در کمک به یهود و اسرائیل: مسیحیان مؤمن توسط کتاب مقدس دستور داده شده‌اند که ریشه‌های عبری ایمان خود را تصدیق کنند و فعالانه به کمک و شرکت در برنامه خداوند برای تجمع دوباره یهودیان و استواری مجدد اسرائیل در زمان کنونی بپردازنند.^۳

۹. وجوب توبه کلیسا: مسیحیان صهیونیست این امر که ملت یهود را در طول اعصار به نام خداوند کشته‌اند و رنج و درد کشیده‌اند سزاوار سرزنش می‌دانند. آنان کلیسara متهم و به توبه و ابراز پشمیمانی از هر گونه گناه و فرمان و غفلت که بر علیه آنها انجام داده دعوت می‌کنند.^۴

۱۰. اهل نجات بودن یهودیان مهاجر: طبق نظر مسیحیان صهیونیست، یهودیان باید از سراسر جهان به فلسطین مهاجرت کنند و کشور اسرائیل در قلمرو رودخانه نیل تا فرات به وجود آید و یهودیانی که به اسرائیل مهاجرت می‌کنند، اهل نجات‌اند.

مسیحیان صهیونیست برای اجرایی کردن عقیده خود درباره بازگشت عیسی مسیح(ع) و حاکمیت بر جهان آینده، معتقد‌اند که دو مسجد مسلمانان یعنی الاقصی و صخره در بیت المقدس باید به دست پیروان کتاب مقدس ویران شود و به جای آن معبد یا هیکل

۱. همان، بند ۳ و ۵.

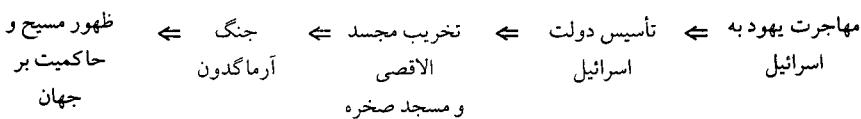
۲. همان، بند ۱۱.

۳. همان، بند ۷.

۴. بند ۴.

سلیمان را بنا کنند و روزی که یهودیان این دو مسجد را منهدم کنند، جنگ نهایی و مقدس آخرالزمان یا آرماگدون به رهبری آمریکا و انگلیس آغاز می‌شود.

چون این جنگ و حشتناک آغاز می‌شود، همه مسیحیان دوباره تولد یافته، توسط یک سفینه عظیم از دنیا به بهشت منتقل می‌شوند و همراه مسیح^(ع) شاهد نابودی جهان و عذاب سخت خواهند بود. در جنگ آرماگدون زمانی که ضد مسیح یا دجال در حال پیروزی است مسیح همراه مسیحیان^(ع) دوباره تولد یافته به جهان باز می‌گردد و با شکست دجال، حکومت جهانی خود را برابر می‌سازد.^۱ دیدگاه مسیحیان صهیونیست در باره آینده جهان را به طور خلاصه می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد:



در پایان توجه به چند نکته در نقد اعتقاد مسیحیت صهیونیستی ضروری است:

۱. مسئله استقرار مجدد یهودیان در سرزمین موعود پیشتر با رهبری یوش تحقم یافته است. بنابراین تلاش‌های فعلی یک بحث انحرافی است. اگر به فرض بپذیریم خداوند چنین وعده‌ای به یهود داده، در گذشته عملی شده است نه اینکه موقول به آخرالزمان شده باشد. کتاب مقدس خود بر این سخن گواه است:

پس یوش تمامی زمین را بر حسب آنچه خداوند به موسی گفته بود گرفت و یوش آن را به بنی اسرائیل بر حسب فرقه‌ها و اسپاط ایشان به ملکیت بخشید و زمین از جنگ آرام گرفت.^۲

تلاش امروز صهیونیستها با ایجاد یک غده سرطانی در جهان اسلام و سوء استفاده از افسانه هولوکاست^۳ نمی‌تواند اسرائیل و صهیونیست‌ها رانجات دهد؛ همان‌گونه که امام خمینی(ره)

۱. نک: صهیونیسم مسیحی مجله معارف، ش. ۲۰، ص. ۷.

۲. کتاب مقدس، یوش، باب یازدهم، بند ۲۳.

۳. یعنی اینکه هیتلر در جنگ جهانی دوم شش میلیون یهودی را در کوره‌های آدم سوزی سوزانده است. اساس این مطلب از سوی محققان ژرف اندیشه چون روزه گارودی زیر سؤال رفته و نادرستی آن بر ملا شده ادامه در صفحه بعد

فرمود: اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود.^۱

۲. برگزیدگی قوم یهود مربوط به زمانی است که آنان تحت رهبری موسی(ع)، به دستورات خداوند عمل میکردند و در مقابل فرعون بربخاستند، اما آنان قدر این نعمت را ندانستند و با انحراف و گوسلاله پرستی (بت پرستی)، کشن پیامبران و تجاوز از حدود و دستورات الهی خشم شدید خداوند علیه خود را برانگیختند تا جایی که به کینه توژترين دشمنان علیه مؤمنان تبدیل شدند. قرآن کریم می فرماید:

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابَةً لِّلَّذِينَ آتُوا أَلْيَهُوَدَ (مائدہ: ۸۲)

بنابراین آنان نه تنها قوم برگزیده خداوند نیستند، بلکه با این همه ظلم و ستم منفورترین قوم در نزد خدایند.

۳. اینکه اسرائیل در جدول تدبیر خداوند صاحب نقش است، این نقش با توجه به عملکرد صهیونیستها اعم از یهودی و مسیحی بسیار منفی است. اساساً قابل تصور نیست که خداوندی که عادل است از یک کیان غاصب، نامشروع و ظالم برای اجرای هدف مقدس خود استفاده کند.

۴. بنی اسرائیل با ظلم‌های وحشتناکی که در حق مردم خدا پرست فلسطین روا می‌دارند، نشان می‌دهند که آوارگی موجب تأذیبسان نبوده است و نه تنها رستگار نشده‌اند، بلکه بر شقاوتشان افزوده شده است.

۵. کتاب مقدس نمی‌گوید که خدا سرزمین را به یهودیان داده است، می‌گوید خداوند سرزمین را به شمره ابراهیم(ع) نوید داده است^۲ و شمره حضرت ابراهیم(ع) در حال حاضر مسلمانان ناند که آیین او را همچون حج ابراهیمی به جا آورند و نه یهودیان صهیونیست که بر نژاد پرستی و اخراج ناحق فلسطینیان از سرزمین اصلی خود و ترور انسانهای بی گناه تأکید می‌کنند و به تعبیر قرآن بدترین دشمن مؤمنانند.

ادame از صفحه قبل است و به فرض اینکه این افسانه به تعبیر رئیس محترم جمهور جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد درست باشد، اگر اروپاییان در حق یهودیان ظلم کرده‌اند، چرا مسلمانان باید تاوان آن را بدهند، خود آنان مکانی را در اروپا برای صهیونیستها در نظر بگیرند و فلسطین را به صاحبان اصلی آن واگذارند.

۱. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۴.

۲. نک: پیشارا اواد، مسیحیت صهیونیستی، موعود شماره ۴۰.

۷. آری، بازگشت عیسی مسیح(ع)، به عنوان یاور و وزیر حضرت مهدی (عج) در منابع اسلامی تأیید شده است.

۸ به دلیل ظلم و ددمنشی حاکمان اسرائیل غاصب و پشتیبانان آنها در آمریکا، انگلیس و اروپا، مؤمنان مسیحی اگر به یهودیان و دولت اسرائیل کمک کنند، در ظلم آنها شریک اند و خشم خداوند را برابر می‌انگیزند و البته باید آن بخش از کلیسا و مسیحیان که از اسرائیل حمایت کرده‌اند، توبه کنند.

پایان سخن این است که انسانهای مخلص و مؤمن راستین، اهل نجات و رستگاری اند، نه افراد شرور، ظالم و تروریست همچون آریل شارون^۱ قصاب انسانهای بی‌گناه در اردوگاههای صبرا و شتیلا و همراهان و پشتیبانان او مانند جورج بوش پسر که در افغانستان و عراق با کشتار مردم، تجاوز، اشغال و شکنجه‌های قرون وسطایی خود روی تاریخ را سیاه کرده است.

پرسش

- ۱ - آیا مسیحیت صهیونیستی ریشه در کدام مذهب مسیحی دارد؟ تاریخچه ظهور آن را به اختصار بنویسید.
- ۲ - مسیحیت صهیونیستی را تعریف کنید.
- ۳ - چهار مورد از مبانی اعتقادی مسیحیت صهیونیستی را بنویسید.
- ۴ - دو مورد از مبانی اعتقادی مسیحیت صهیونیستی را نقد کنید.

۱. نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی.

آینده جهان در نگاه دین اسلام

قرآن کریم، معجزهٔ جاوید رسول خدا(ص) متنی فرازمانی و فرامکانی است. این کتاب مقدس، اهمیت‌الایی برای تاریخ قابل است. چنان‌که شهید مطهری می‌گوید، قرآن دو گونه به تاریخ می‌نگرد:

الف: نظر به مجموع تاریخ

ب: نظر به اجزاء تاریخ

از دید اول، تاریخ ذر نهایت به سوی امنیت، نعمت، رفاه و استخلاف صالحان در زمین میل خواهد کرد. بر اساس دید دوم، دگرگونیهای اجتماعی مبتنی بر «سنن»‌هایی است که خداوند قرار داده است. رشد و سقوط ملت‌ها، قدرت و ناتوانی آنان، سلطه گروههایی خاص و صلاح و فساد جامعه، همه تابع قوانینی است در همان جامعه و در روابطش با جوامع دیگر.^۱

با توجه به این مطالب، پرسش این است که اسلام از بین تئوریهای تحول جوامع و آیندهٔ تاریخ کدام را تأیید می‌کند؟

به نظر می‌رسد؛ اسلام هیچ یک از تئوریهای خطی - تکاملی، ادواری و ستیز را به طور مطلق تأیید نمی‌کند؛ زیرا:

اول: تکامل به عنوان یک قانون کلی، دائم و ضروری که بر جریان جامعه یا تاریخ حاکم باشد، پذیرفتی نیست. اگرچه می‌توان آن را به عنوان یک «میل»، آن هم فقط در بعضی از ابعاد اندک شمار جامعه یا تاریخ قبول کرد.^۲

۱. شهید مرتضی مطهری، قرآن و تاریخ، ص ۵۱-۵۳.

۲. محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۱۶۸

دوم: هر چند، در مجموع، تاریخ به سوی تکامل است، اما سیر تکاملی تاریخ از نظر اسلام، خطی، جبری و لا یتختلف نیست. یعنی چنین نیست که هر جامعه در هر مرحله تاریخی، لزوماً نسبت به مرحله قبل از خود، کامل‌تر باشد. نظر به اینکه عامل اصلی این حرکت انسان است و انسان موجودی مختار، آزاد و انتخابگر است، تاریخ در حرکت خود نوسان دارد، گاهی جلو می‌رود و گاهی به عقب بر می‌گردد، گاه به راست منحرف می‌شود و گاه به چپ، گاهی تندر می‌رود و گاهی کند و احیاناً برای مدتی ساکن و راکد و بی حرکت می‌ماند. یک جامعه همچنان که تعالی می‌یابد، انحطاط هم پیدا می‌کند.^۱

سوم: اسلام تکرار در تاریخ را به معنای تکرار سنت‌های الهی و حیات و طول عمر معین اقوام و ملت‌ها پذیرفته است. اما بر این سیر ادواری، نوعی جبر، حاکم نیست تا جوامع لزوماً دوباره به نقطه اول برگردند، بلکه تاریخ در عین آن که با یک سلسله نوامیس قطعی و لا یتختلف اداره می‌شود، نقش انسان، آزادی و اختیار او به هیچ وجه محونمی‌گردد.^۲

چهارم: تسلسل منطقی حلقات تاریخ از نظر اسلام بی اساس است؛ به دیگر تعبیر مراحل تکاملی تاریخ به یکدیگر پیوسته نیستند، امکان جایه جا شدن دارند. هر حلقه از حلقات تاریخ (مثلًا سوسيالیسم یا فنودالیسم) جای مخصوص به خود ندارند، قابل پیش و پس شدن هستند.^۳

بنابراین، جبر در تاریخ منتفی است و اراده انسان‌ها در شکل دهی تاریخ، بسیار مهم و مؤثر است.

پنجم: اسلام مسئله ستیز یا تضاد را به عنوان محرک اصلی تاریخ نفی می‌کند. اسلام تضاد بین روابط تولیدی و ابزار تولیدی یا تضاد طبقاتی را به عنوان محرک تاریخ نمی‌پذیرد، اما تضاد بین حق و باطل را طرح می‌کند.^۴

از دید اسلام، حق و باطل در جامعه همیشه درگیرند. از سپیدهدم تاریخ، دو فرزند آدم(ع) که مظهر دو جناح انسان‌های تاریخ است، با یکدیگر در ستیزند. یکی برای ارضی

۱. قرآن و تاریخ، ص ۳۹، همچنین نک: جامعه و تاریخ (جهان بینی اسلامی ۵)، ص ۴۷۴.

۲. قرآن و تاریخ، ص ۵۱.

۳. همان، ص ۲۲ و ۳۷.

۴. همان، ص ۵۸-۵۹.

شهوات خود، جلب منافع خویش و به سبب حسادت و خودخواهی، دیگری را از پای درمی‌آورد و اولین قتل و تعدی پا می‌گیرد و سرانجام افراد و گروههای استعمارگر، خودکامه، عیاش و متجاوز به تعبیر قرآن، مترف، طاغوت و مسرف و مفسد و... در برابر مصلحان، حق خواهان و عدالت دوستان قرار می‌گیرند. این درگیری به صورت‌های مختلف در سراسر تاریخ جریان دارد، اما ریشهٔ درگیری در وجود انسان‌هاست، طغیان هوس‌ها و تمایلات درونی است که چنین موج آتش‌زایی بر می‌انگیزد. البته شرایط اجتماعی و محیطی نیز در این آتش‌افروزی یا جلوگیری از آن مؤثر است.^۱

برای اثبات نکات ذکر شده، آیات مربوط به دو نگاه کلی قرآن به تاریخ رامی‌آوریم:

الف: نظر به مجموع تاریخ

قرآن با طرح سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ، که تغییر و تحويل ناپذیرند و با پذیرش نقش اراده انسان‌ها در دگرگونی آن، پایان خوشی برای تاریخ پیش‌بینی می‌کند. کتاب خدا با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی دین اسلام، غلبة قطعی صالحان و متقیان، کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران را برای همیشه با پیروزی نهایی حق بر باطل نوید داده است.

این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت، اطمینان به آینده و طرد عنصر بدینی نسبت به پایان کار بشر است.^۲ استاد شهید مطهری به درستی این نگاه قرآن را توضیح می‌دهد:

از نظر قرآن مجید، از آغاز جهان همواره نبردی پیگیر میان گروه اهل حق و گروه اهل باطل، میان گروهی از طراز ابراهیم و موسی و عیسی و محمد(ص) و پیروان مؤمن آنها و گروهی از طراز نمرود و فرعون و جباران یهود و ابوسفیان و امثالهم برپا بوده است. هر فرعونی، موسایی در برابر خود داشته است «لکل فرعون موسی»... در این نبرد و ستیزه‌ها گاهی

۱. همان، ص ۵۹

۲. شهید مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی(ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵ و ۶

حق و گاهی باطل پیروز بوده است. ولی البته این پیروزی‌ها و شکست‌ها بستگی به یک سلسله عوامل اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی داشته است....^۱ از مجموع آیات و روایات استباط می‌شود که قیام مهدی موعود (عج) آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است، که از آغاز جهان برپا بوده است مهدی موعود تحقیق بخش ایده‌آل همه انبیاء و اولیاء و مردان مبارز راه حق است.^۲

از دیدگاه قرآن، آینده جهان از آن اسلام است و دولت آرمانی اسلام در آخر الزمان تحقق خواهد یافت. آیات زیر اثبات کننده این امر است:

۱- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْمُدْئِنِ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَوْكَرِهُ الْمُشْرِكُونَ
(توبه: ۳۳ و صفحه: ۹)

اوست خدایی که رسول خود (محمد مصطفی(ع)) را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان ناراضی و مخالف باشند.

۲- وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الْأَرْبُورِ مِنْ بَعْدِ الْذِكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الْمَسِيحِ
و ما بعد از تورات در زبور داود نوشته‌یم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.

۳- وَتَرِيدُ أَنْ نَّعْنَى عَلَى الَّذِينَ أَشْتَضَعُفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ أَغْنَى وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ
(قصص: ۵)

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فروdest شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

۴- قَالَ مُوسَى لِتَوْمِيهِ أَشْتَعِنُو بِاللَّهِ وَأَضْرِبُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلشَّفَقِينَ
(اعراف: ۱۲۸)

موسی به قوم خود گفت از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خدادست و به هر کس از بندگان خواهد واگذار و حسن عاقبت و پیروزی مخصوص اهل تقوا است.

۱. همان، ص ۵۴-۵۵.

۲. همان، ص ۶۸.

۵- وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيُشَخْلُفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أَشَخَلَتِ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَإِيَّاكُنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي أَرَتَضَى لَهُمْ وَلَيَبْدَلُنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا
يَئْبُدُونَنِي لَا يُسْرِكُونَ فِي شَيْءٍ (نور: ۵۵)

و خدا به کسانی از شما بندگان که ایمان آرد و نیکوکار گردد و عده فرموده که در زمین خلافت دهد، چنان که امم صالح پیغمبران سلف جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرابه یگانگی بی هیچ شایبه شرک و ریا پرستش کنند.

قرآن کریم در بیش از صد و بیست آیه به این معنی اشاره کرده و اعلام می کند که طبق اراده الهی حکومت ستم و حاکمیت شیاطین به پایان خواهد رسید و حتماً بندگان صالح خدا حکومت گیتی را از آن خود خواهند کرد، تا قوانین اسلام را به طور کامل و همه جانبی اجرا کنند و سعادت افراد بشر - حتی حیوانات و تمام موجودات زمین - تضمین و تأمین گردد و هدف نهایی از خلقت تحقق پذیرد.^۱

آیات مذکور در سوره های بقره، آل عمران، نساء، اعراف، انفال، توبه، هود، یوسف، ابراهیم، حجر، نحل، اسراء، مریم، طه، انبیاء، حج، مؤمنون، نور، فرقان، شعراء، نمل، قصص، روم، سجاده، سباء، صفات، ص، زمر، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، محمد، فتح، ق، ذاریات، طور، قمر، رحمن، حدید، ممتحنه، صف، ملک، معارج، جن، مدثر، تکویر، انشقاق، بروج، طارق، غاشیه، فجر، شمس، لیل، قدر، بیتنه و سوره عصر ذکر شده است.

علامه سید هاشم حسینی بحرانی در کتاب «الْحَجَةُ فِي مَا نَزَّلَ فِي الْقَانِمِ الْحُجَّةِ(ع)» آیات مذکور را با استفاده از روایات تفسیر کرده است.^۲

تعدادی از آیات یادشده را در بخش پیشین کتاب (تئوریها) ذکر کردیم، بنابراین از

۱. علامه سید هاشم حسینی بحرانی، سیمای حضرت مهدی(ع) در قرآن، ترجمه المحة فی ما نزل فی القائم الحجة، مترجم: سید مهدی حائزی قزوینی، ص ۲۳-۲۴.

۲. نک: همان، ص ۳۶-۴۵۶.

تکرار آنها پرهیز می‌کنیم. این آیات تصدیق کننده بشارت ادیان پیشین الهی به مسیحا نفس جهانی است.

بر این اساس، آینده جهان متعلق به اسلام است که در آخر الزمان تمام گیتی را فرا خواهد گرفت و در این هیچ تردیدی راه ندارد زیرا:
اولاً: باطل نابودشدنی است:

بَلْ تَقْذِفُ بِالْحُقْقِ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَذْمَعُهُ فَإِذَا هُوَ رَاهِقٌ (انبیاء: ۲۱)

بلکه حق را باشد بر باطل افکنیم؛ پس حق، باطل را درهم می‌شکند، آنگاه از میان می‌رود.

إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (اسراء: ۸۱)

به درستی که باطل نابودشدنی است.

ثانیاً: خداوند نور خود را بر خلاف خواست کافران به اتمام خواهد رساند:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُّبِينٌ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (صف: ۸)

می‌خواهند نور خدا را با دهانهایشان خاموش سازند و خدا تمام کننده نور خویش است، هر چند کافران را خوش نیاید.

ثالثاً: خداوند دین خود، دین حق یعنی اسلام را بر تمام ادیان غلبه خواهد داد.

وَدِينُ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الْدِينِ كُلِّهِ (توبه: ۳۳ و صف: ۹)

و دین حق [اسلام] تا آن را برابر همه ادیان عالم تسلط دهد.

بر اساس روایات متواتر و بشارت‌های پیامبر(ص) و موصومان(ع) این امر عظیم به دست ولی الله الاعظم، حجۃ ابن الحسن العسكري(عج) با یاری مستضعفان، مؤمنان صالح و متقيان^۱ حتی اگر از عمر جهان یک روز نیز باقی نمانده باشد، تحقق خواهد یافت. رسول گرامی اسلام در حدیثی که شیعه و سنی بر آن توافق دارند فرمود:

لَوْلَمْ يَقِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمَ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ يَمَّالُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جُورًا.

۱. نک: به آیات انبیاء: ۱۰۵؛ قصص: ۵؛ اعراف: ۱۲۸ و نور: ۵۵.

اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، خدا حتماً مردی از اهل بیت مرا بر می‌انگیزد تا زمین را از عدل پُر کند، همچنان که از ستم پر شده باشد.^۱

ب: نظر به اجزاء تاریخ

از این جهت، قرآن تحولات اجتماعی را تابع قوانین - در ادبیات قرآنی - سنت‌ها می‌داند. نظری اجمالی به قرآن کریم می‌رساند که این کتاب آسمانی قوانین تکوینی و تشریعی مشترک برای همه جامعه‌ها قائل است. از بعضی آیات بزمی‌آید که حکمت نقل داستان جامعه‌ها و اقوام پیشین این است که دیگران از اعمال و پیامدهای کارهایشان درس بگیرند و عبرت اندوزند. روشن است که درس گرفتن و عبرت آموزی تنها در صورتی ممکن است که یک واقعه تاریخی منحصر به فرد و متعلق به جامعه خاص نباشد، بلکه بتواند در هر جامعه دیگری نیز تکرار شود.^۲ دو آیه زیر کاملاً مؤید این مطلب است:

۱- لَقَدْ كَانَ فِي قَصْصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولَئِكَ الْأَذَّلِّيَّاتِ (یوسف: ۱۱۱)

به تحقیق در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است.

۲- إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعْنَةً لِّمَن يَعْمَلُ شَرًا (النازارات: ۲۶)

در آن [داستان موسی و فرعون] هر آینه برای هر که بترسد عبرتی است.

علاوه بر این قرآن بین ظلم و نابودی اقوام (یونس: ۱۳) بین تقوا و گشایش برکات آسمان‌ها و زمین (اعراف: ۹۶) بین «مقاومت در مقابل دعوت انبیاء و حیله‌گری» با بازگشت فربیکاری و حیله‌گری به مقاومت کنندگان (فاتح: ۴۱ به بعد) و مانند آنها، رابطه برقرار می‌کند و در آیات مکرری (یوسف: ۱۰۹؛ روم: ۹؛ فاطر: ۴۴؛ غافر: ۸۲ و ۲۱؛ محمد: ۱۰) با توجه به سنت‌های پیشین، دستور می‌دهد که در زمین سیر کنید تا با آنها آشنا شوید.

۱. آیة الله لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، جلد اول، ص ۳۸۰.

۲. همان، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

در سوره شعرانیز سرگذشت هفت قوم (موسى، ابراهیم، نوح، عاد، ثمود، لوط و شعیب) را نقل می‌کند و آن را نشانه (آیه‌ای) بر می‌شمرد.^۱

کتاب و سنت مؤید وجود اشتراک تکوینی همه جامعه‌ها [با وجود اختلافات تکوینی جوامع با همدیگر] وجود قوانین جامعه‌شناختی، احکام اخلاقی، حقوقی، نظام ارزشی و فرهنگ مشترک برای آنهاست.^۲

این قوانین جامعه‌شناختی در مکتب اسلام «سنت‌های الهی در تدبیر جوامع» نام دارند و آنها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

اول - سنت‌های مطلق:

این سنت‌ها در همه جوامع و افراد در سه بخش جاری است:

۱- سنت هدایت به دست انبیاء^۳- سنت آزمایش^۴- سنت امداد الهی (اعم از اهل حق یا باطل، دنیاطلبان یا آخرت طلبان). آیات ۵۰ از سوره طه «رَبُّنَا اللَّهُ أَعْطَنَا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُمْ هُنَّا»، ۱۰ بلد، ۴۷ یونس، ۳۶ نحل و ۲۴ فاطر، بیانگر سنت اول است.

آیات ۱۵۵ از سوره بقره «وَلَيَنْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْحُكْمِ وَالْجُنُوْعِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَئْتِقْسِ وَالْأَئْمَرَاتِ»، ۲۱۴ بقره، ۱۸۶ آل عمران، ۲۸ انفال و مانند آن بیانگر سنت دوم است. آیات ۲۰ سوره شوری «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرَثًا آلتَخِرَةَ تَزِدُّ لَهُ فِي حَرَثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرَثًا آلتَخِرَةَ تُوْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ تَصِيبٍ»، ۱۸ تا ۲۰ بنی اسرائیل، ۱۵ و ۱۶ هود سنت نوع سوم را بیان می‌کند.^۳

دوم - سنت‌های مقید:

این سنت را که مشروط به اختیار مردم برای گزینش راه حق یا باطل است، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست سنت‌های مربوط به اهل حق و دوم سنت‌های مربوط به اهل باطل. قوانین نخست، درباره کسانی است که دعوت انبیاء الهی را می‌پذیرند و در راه حق

۱. آیات: ۶۷، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۷۴، ۱۵۸، ۱۹۰.

۲. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۱۵۱.

۳. همان، ص ۴۲۷-۴۳۷، برای توضیح بیشتر به همین منبع مراجعه شود.

گام بر می دارند. سنت های «زیادت نعمت های معنوی و اخروی»، «تحبیب و تزیین ایمان»، «افرونی نعمت های مادی و دنیوی» و سنت «پیروزی بر دشمنان» در شمار این دسته اند. آیات قرآنی فراوانی بر این نوع از سنت دلالت می کند.^۱

سنت های اهل باطل را می توان تحت عنوان «زیادت ضلالت»، «تزیین اعمال»، «املاه و استدراج»، «امهال»، «شکست از دشمنان»، «ابتلاء به مصائب»، «سلط مجرمان و مُترفان» و «استیصال» ذکر کرد. آیاتی که به صراحة از این نوع سنت ها سخن می گوید نیز بسیار است.^۲ برای درک بهتر نظر اسلام درباره آینده جهان، علاوه بر آنچه گذشت، ضروری است به دیدگاه آیات الهی درباره خلقت انسان و سیر تحول سرنوشت بشر بر روی زمین توجه کنیم. بر اساس این نظر برای بشر دو دوره اساسی وجود دارد:

دوره بهشت و دوره زمین

عصر بهشت^۳، ابتدای خلقت انسان است که آدم و حوا در آن قرار دارند، این عصر، دوره رفاه، نعمت، خوشی و عصر حق بوده است. عصر زمین، پس از ترک اولی آدم و حوا بر اثر وسوسه شیطان و هبوط آنها به زمین آغاز می شود و خود از سه مرحله زیر تشکیل شده است:

۱- مرحله هبوط و تشکیل امت واحد: پس از گناه آدم و حوا، آنان از بهشت رانده شده و به دنبال توبه شان در زمین ساکن شدند. این هبوط یا سقوط در حالی بود که: اولاً: برخی از آنان نسبت به برخی دیگر دشمن بودند؛ «بعضکم لبعض عدو». (بقره: ۳۶) ثانیاً: دسته جمعی بود یعنی آدم و حوا و شیطان همه به زمین هبوط کردند؛ «قُلْنَا أَهْبِطُوا مِنْهَا جَيْعاً» (بقره: ۳۸)

ثالثاً: مدت دار و وقت بود؛ «وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَحْيَرٌ وَمَتَاعٌ إِلَى جِين» (بقره: ۳۶)

۱. همان، ص ۴۴۷-۴۴۸.

۲. همان، ص ۴۴۷-۴۵۸.

۳. برای اطلاع بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به کتاب «قصدهای قرآن برگرفته از تفسر نمونه اثر آیت الله مکارم شیرازی، تدوین سید حسین حسینی، ص ۱۷-۲۷. ضمناً بهشت مذکور بهشت موعود نیست.

رابعاً: هدایت الهی بر آنان نازل شد؛ «فَإِنَّمَا يَأْتِي رَبِّكُمْ مِنْيٌ هُدًى فَقُنْ تَبِعَ هُدًى أَيْ قَلَّا حَوْنٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَجْزُئُون» (بقره: ۳۸) و به کسانی که کفر بورزنده شدار داده شد که در جهنم جاواده خواهند بود (بقره: ۳۹).

خامساً: آنان به تشکیل امت واحده^۱ پرداختند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (بقره: ۲۱۳) در این مرحله خداوند انبیاء خود را با کتاب الهی برای هدایت مردم فرستاد (بقره: ۲۱۳).

۲- مرحله اختلاف، درگیری حق و باطل و تعاقب صلاح و فساد: این مرحله از زمانی آغاز می‌شود که انسان‌ها به سرکشی و طغیان در بین خود پرداختند: «بِغَيَا بِنِيهِمْ» (بقره: ۲۱۳). در چنین شرایطی انبیاء و رسولان الهی به هدایت و داوری در اختلافات اقدام نمودند؛ «إِلَيْهِمْ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا أَخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره: ۲۱۳) و مؤمنان، هدایت یافته و به راه راست رهنمون شدند؛ «فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا أَخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ أَحْقَقِ يِإِذْنِهِ» (بقره: ۲۱۳).

در همین دوره است که از یک سو تضاد و درگیری بین حق و باطل استمرار دارد و از سوی دیگر چرخه وحدت یا صلاح ← بغی و اختلاف یا فساد ← وحدت یا صلاح استمرار می‌یابد.

در این مرحله انسان‌ها و جوامع بشری با توجه به سنت‌های مطلق و مقید -که قبلًا بر شمرده شد - و اراده خود، دوره‌های متناوبی از تشکیل جامعه صلاح و یا طاغوتی و فاسد را تجربه می‌کنند و چرخه درگیری حق و باطل یا تعاقب صلاح و فساد «تِلْكَ الْيَامُ تُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» - (آل عمران: ۱۴۰ - ۱۴۱) همچنان استمرار می‌یابد.

این درگیری‌ها، گاه به پیروزی موقت باطل، ایجاد حکومت طاغوتی، تحریف دین، جامعه دوقطبی مستضعف و مستکبر و نامن می‌انجامد^۲ و گاه پیروزی موقت حق، حکومت صالحان مستضعف، بازگشت به دین ناب، از بین رفتن جامعه دوقطبی و برقراری امنیت اجتماعی را شاهدیم.^۳

۱. برای اطلاع بیشتر به تفاسیر قرآن مراجعه شود.

۲. نک: آیات نور: ۵۵؛ قصص: ۵ و انبیاء: ۱۰۵.

۳. نک: همان آیات، این آیات را صرفاً نمی‌توان به دوره آخر الزمان اختصاص داد چون اولاً افعال مضارع ادامه در صفحه بعد

با تشکیل دولت حق در هر مرحله، مردم در معرض انواع سنت‌های الهی نظریه سنت هدایت، آزمایش، امداد و ابتلاء قرار داشته‌اند. در صورت سربلندی از امتحان الهی، حکومت مؤمنان صالح تداوم یافته است، اما با شکست خوردن در آزمایش الهی و سهل‌انگاری در اجرای قوانین، طاغوتیان روی کار آمده‌اند. چون سنت‌های خداوند هرگز تغییر نمی‌یابد. «فَلَنْ تَحِدُّ لِسْتَنَتِ اللَّهِ تَبَدِّلَاً وَلَنْ تَحِدُّ لِسْتَنَتِ اللَّهِ تَخْوِيلَاً» (فاتح: ۴۳). بر این اساس جوامع گاه پیشرفت داشته‌اند و گاه زوال و انحطاط. با توجه به اختیار انسان‌ها و سنت‌های الهی این پیشرفت و پسرفت تا پیروزی نهایی حق همچنان تداوم دارد.

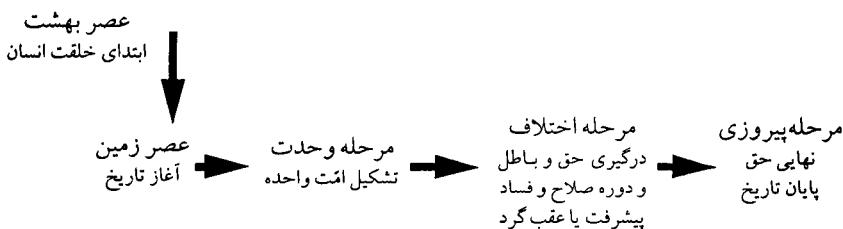
۳- مرحله آخر الزمان، پایان تاریخ و پیروزی نهایی حق:

این مرحله از زمانی آغاز می‌شود که با یک انقلاب انسانی، مردم به طور بینیادین خواستار نابودی باطل و تداوم حکومت حق گردند؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) و طالب آن شوند که خداوند، از جانب خود ولی و نصیری برای آنان بفرستد «... وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵). در چنین شرایطی خداوند بر اساس سنت هدایت و با توجه به اینکه مردم در آزمایش الهی موفق شده‌اند، طبق سنت امداد به یاری آنان برخاسته، چون باطل نابود شدنی است، «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ رَهْوًا» (اسراء: ۸۱) دین حق یعنی اسلام را بر سراسر گیتی حاکم خواهد کرد؛ «وَدِينُ الْحَقِّ لِيُظَهَرَ عَلَى الْدِينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳ و صفحه: ۹)

در این مرحله با ظهور ولی خدا حضرت حجۃ ابن الحسن العسكري ارواحنا له الفداء، بندگان صالح خدا وارث زمین شده «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الْأَصْلَحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)، امامت و وراثت مستضعفان زمین تحقق یافته «وَتُرِيدُ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَى الَّذِينَ أَسْتَعْفَفْتُمُ فِي الْأَرْضِ وَنَجَّبْتُهُمْ أَيْمَنَةً وَنَجَّبْتُهُمْ أَلْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)، عصر قسط و عدالت بر اساس آیه «لَقَدْ أَزَّسْنَا رُشْلَنَا بِالْيَتَامَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَأَلْيَازَانِ لَيَتُؤْمِنُ الْأَنَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)، محقق و پایان تاریخ و آینده جهان از آن متین خواهد بود. «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْأَعْاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸).

ادمه از صحفه قبل دال بر تداوم است و ثانیاً با س یا سوف به آینده موکول شده است. البته روشن است که یکی از مصاديق اساسی آن عصر آخر الزمان و دوره ظهور حضرت مهدی (عج) است.

سیر تحول تاریخ در دید اسلام با توجه به آیات قرآن کریم چنین است:



خلاصه سخن این است که از نظر اسلام، حرکت جبری و خطی تاریخ مردود است. تضاد حق و باطل و درگیری دائمی آن، گرددش صلاح و فساد به میزان متفاوت، تا فرجام تاریخ تداوم دارد. مقارن پایان تاریخ حاکمیت ظلم و جور همه جا را فرامی‌گیرد. با ظهور منجی بشریت، مهدی موعود (عج) که همکاری عیسی مسیح (ع) را در کنار خود دارد، عدالت در سراسر جهان حاکمیت یافته، فردای جهان - برخلاف دیدگاههایی که آن را متعلق به لیبرال دموکراسی و یا کمونیزم می‌داند - از آن اسلام خواهد بود. بدینسان پایان تاریخ، عصر پیروزی نهایی حق، دولت دینی، عدالت جهانی، حاکمیت وحی و شکوفایی تمدن الهی است و نه عصر سکولاریزم، اومنیزم و تمدن مادی.

شایان ذکر است که ویژگی‌های این دوره کاملاً روشن و روایات اسلامی آن را به خوبی توضیح داده‌اند. درسهای آینده کتاب به این مهم اختصاص دارد و به همین دلیل از ذکر روایات در این قسمت خودداری کردیم.

پرسش

- ۱ - تئوریهای خطی - تکاملی، ادواری و ستیز را از دیدگاه اسلام نقد کنید.
- ۲ - با ذکر یک آیه از قرآن کریم، ثابت کنید آینده جهان متعلق به دین اسلام است.
- ۳ - انواع سنت‌های الهی را با ذکر دو مصداق بنویسید.
- ۴ - بر پایه آیات قرآن کریم، مراحل تحول سرنوشت بشر را نام ببرید.
- ۵ - درباره ویژگیهای آخرالزمان از دیدگاه قرآن کریم به اختصار توضیح دهید.

آینده جهان در نگاه شیعه (۱)

امتیازهای دیدگاه شیعه

در دو بخش گذشته، تئوریها و دیدگاه‌های ادیان درباره آینده جهان بیان شد. بسیاری از آنها به حاکمیت دین و حکومت سعادت و رفاه در پایان تاریخ بشارت داده‌اند؛ اما ابعاد گوناگون و قایع آن را به وضوح روشن نکرده‌اند.

در بین مفسران آینده، تنها اسلام و به ویژه مذهب شیعه است که به کلی گویی، ابهام و رمزگویی اکتفا نکرده، جزئیات را به طور دقیق و حیرت‌آوری بر می‌شمرد. بر این اساس شاید این شبهه در برخی اذهان خطور کند که منشأ اعتقاد به مهدویت عصر امامت است، اما چنین تصوری نادرست است. قبل از اثبات رسید که آیات زیادی از قرآن کریم و صدھا روایت نبوی شهادت می‌دهند که، مبدأ و منشأ اعتقاد به مهدویت عصر رسالت است، بنابراین همه مذاهب اسلامی به ظهور مهدی موعود(ع) معتقدند. او از دو دمان رسالت، فرزند علی(ع) و فاطمه(س)، هم نام و کنیه پیامبر(ص) است.^۱

منشأ اعتقاد شیعه به امام غایب عصر رسالت است. بیان صریح و اخبار قطعی پیامبر(ص) درباره مهدی موعود(ع) پیش از ولادت آن حضرت دلیل حقانیت نظر شیعه است.^۲ از دلایل صحت یک خبر، تواتر آن است، به گونه‌ای که احتمال کذب آن را از بین می‌برد. بر این اساس، با توجه به متواتر بودن اخبار مهدی(ع)، عقل در پذیرش آن شکی ندارد.

۱. آیت الله صافی گلپایگانی، گفتمان مهدویت، ص ۱۳۶-۱۳۷.

۲. شیعه، ص ۸۴.

علامه طباطبائی می‌نویسد:

در نتیجهٔ تبع غیر استقصایی، متجاوز از ۳۰۰۰ روایت از پیغمبر اکرم و ائمه هدی(ع) دربارهٔ امام زمان به دست می‌آید.^۱

علمای شیعه همگی دعویٰ تواتر دارند و از «شافعی» نیز قول به تواتر نقل شده است. همچنین اکابر علمای اهل سنت احادیث مربوط به امام زمان را در کتب خود نقل کرده‌اند: احمد، ابن داود، ابن ماجه، ترمذی، بخاری، مسلم، نسایی، بیهقی، ماوردی، طبرانی، سمعانی، ابن سری، ابن عساکر، کسایی، ابن اثیر، حاکم، ابن جوزی، ابن ابی الحدید معتزی، ابن صباغ مالکی، ابن مغازلی شافعی، محب الدین طبری، شبستانی و... در واقع ظهور قائم آل محمد(ص) متفقٰ علیه و معروف بین تمام فرق اسلام است.^۲

حدیث «المهدی من ولدی» از کلمات جامع نبی اکرم(ص) و یکی از روایات قطعی الصدور می‌باشد که همهٔ طوایف و طبقات مسلمانان آن را روایت کرده و پذیرفته‌اند و در روایات زیادی از طرق فریقین، تصریح به اسم و اسم پدر نیز شده و بیان شده است که آن حضرت، پسر امام یازدهم شیعه اثنی عشری است.^۳

از کتب ذی قیمت در این رابطه، «مسند احمد بن حنبل» پیشوای فرقهٔ حنبی اهل سنت متوفی به سال ۲۴۱ هـ، هم عصر امام نهم و دهم شیعه است که احادیث مهدی را ثبت و ضبط کرده است. این احادیث را می‌توان در جلد یکم، دوم، سوم و جلد پنجم دید.^۴ سرآمدان محدثان اهل سنت یعنی احمد حنبل، بخاری، مسلم، ابن ماجه، ابو داود و ترمذی، روایات مهدی(ع) را از عمر بن خطاب، عبدالله مسعود، عبدالله عباس، ثوبان غلام عمر، جابر بن عبدالله انصاری، جابر بن سمرة، عبدالله عمر، عبدالله بن عمرو عاص، انس بن مالک، ابوسعید خدری، اسلامه همسر پیغمبر(ص) و دیگران نقل کرده‌اند.^۵

۱. همان، ص ۴۶۵-۴۶۶. البته تعداد روایات به دو برابر این عدد می‌رسد.

۲. همان و نک: «الامام المهدی(ع) عند اهل السنة، مهدی فقیه ایمانی.

۳. همان، ص ۸۴.

۴. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۸۴-۹۹ و ۳۷۶. جلد ۲، ص ۳۳۶، ۲۸، ۲۶، ۱۷، ۹۸، ۳۶، ۲۸۴ و جلد پنجم.

۵. نک: علی دوانی، داشمندان عame و مهدی موعود، ص ۱۳-۱۵. در این کتاب اسامی ۱۲۰ نفر از علمای

به هر روی مسئله آینده جهان، از مباحث کلیدی دین اسلام است که گفته می‌شود، بعد از توحید، نبوت و معاد، هیچ بحثی در اسلام در حد آن حدیث ندارد^۱، حتی علمای اهل سنت در حجاز، اعتقاد به ظهور مهدی در آخر الزمان را از اصول دین می‌دانند و نه از فروع آن.^۲

بنابراین مهدویت و توجه به آینده بشر به صورت یکی از ضروریات دین مقدس اسلام درآمده است که منکران آن طبق حدیثی که اهل سنت از پیامبر(ص) نقل کردند، از آینه اسلام بیرون خواهند بود:

من كَذَبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ
هر کس مهدی را انکار کند، به راستی کافر است!^۳

علاوه بر محدثان، مسئله مهدویت از نظر دانشمندان اهل سنت نیز پژیرفته شده است. ابن ابی الحدید شارح معتزلی نهج البلاغه،^۴ ابن خلدون و مهمتر از همه ابن عربی در این زمینه قابل توجهاند. هرچند ابن خلدون با بیان ۲۸ حدیث در مورد مهدی اکثر آنها را ضعیف می‌شمرد، اما بر اصل آن اعتراف دارد:

«بدان که در طول تاریخ بین تمامی اهل اسلام مشهور است و چنین اعتقاد الزامی وجود دارد که حتماً در آخر الزمان مردی از اهل بیت پیامبر ظهور خواهد کرد که دین را تازه و عدل را آشکار خواهد نمود. او بر ممالک اسلامی مستولی شده و «مهدی» نامیده می‌شود و خروج «دجال» آن زمان خواهد بود و سپس علائم قیامت آشکار خواهد شد. حضرت عیسی(ع) نیز نازل می‌شود و دجال کشته خواهد شد.»^۵

محی الدین عربی، عارف نامی دنیای اسلام نیز در کتاب فتوحات مکیه می‌نویسد:

۱. ادامه از صفحه قبل اهل سنت که به مهدویت پرداخته‌اند به ترتیب قرون ذکر شده است. نک: ص ۲۹ الی ۱۶۱.

۲. آیت الله امامی کاشانی، مهدویت (آینده بشر)، نوار پیاده شده شماره ۵۶، ص ۵.

۳. همان.

۴. یوسف بن یحيی المقدس الشافعی، عقد الدرر، ص ۱۵۷ به نقل از روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۵.

۵. نک: نهج البلاغه، شرح ابن ابی الحدید، ج ۷ و ۸، پایان شرح خطبه ۹۲، ص ۵۹.

۶. عبدالرحمن بن خلدون، المقدمه، فصل ۵۲، ص ۳۱۱.

«بدان که برای خداوند خلیفه‌ای است که در آینده خروج می‌کند، در حالی که زمین پر از ظلم و جور شده است. او آن را پر از عدل و برابری خواهد کرد. حتی اگر یک روز از عمر جهان باقی مانده باشد، خداوند آن یک روز را آنقدر طولانی می‌کند تا این خلیفه ظهر نماید. او از عترت و خاتواده رسول الله (ص) می‌باشد. او از فرزندان فاطمه (س) و هم‌نام پیامبر اکرم است... او در اسلام روح تازه‌ای می‌دمد و آن را زنده می‌کند بعد از آن که مرده بود. ادیان ناخالص را از روی زمین جمع می‌کند و جز دین حقیقی بر زمین نمی‌ماند. خداشناسان واقعی با او بیعت می‌کند. مسیح از آسمان نازل می‌شود.»^۱

خلاصه سخن این است که: از نظر اسلام (شیعه و سنی) موضوع مهدی موعود، بسیار مسلم و قطعی است.^۲ با این تفاوت که اهل سنت معتقدند؛ حضرت مهدی (ع) هنوز متولد نشده است^۳ ولی در دیدگاه شیعه، او امام دوازدهم، حی و حاضر و همانند حضرت خضر است. بنابراین برادران اهل سنت به استثنای تعدادی، در اصل اعتقاد به ظهور مهدی (ع) و برپایی دولت حقه پایان تاریخ با شیعیان هم عقیده‌اند.

شیعیان با وجود تمسخر روشنفکران سکولار، مادیگرایان و دنیاپرستان (جاهلان و مغربان)، به دلیل حقانیت دیدگاه خود، معتقد بودند که گذشت زمان و پیشرفت تاریخ، نظریه آنان را برای همه اثبات خواهد کرد.

مطالعه روایات شیعه درباره جهان فردا، انسان را به حیرت و امیدارد که چگونه پیامبر (ص) و امامان معصوم، فرهنگ و تمدن امروز و آینده را با وجود فاصله زمانی بسیار طولانی، به دقت توصیف کرده‌اند!

آن ذوات مقدسه به گونه‌ای درباره آینده جهان سخن گفته‌اند که گویی سیر حرکت تاریخ را تجربه کرده و از ابتدای خلقت تا پایان آن یک دور زیسته‌اند.

بسیاری از تعابیر اعجاز گونه آنان امروز به دلیل گذشت زمان و پیشرفت فناوری، یکی پس از دیگری معنی، تفسیر و مصدق صحیح خود را باز یافته است.

۱. محي الدين عربى، فتوحات مكية، ج ۳، ص ۲۲۷.

۲. شهید مرتضی مأمری، سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، ص ۲۸۹ - ۲۹۰.

۳. نک: سید محمد سدر، تاریخ غیبت کبری، ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده، ص ۳۰۶ - ۳۰۷.

در احادیث شیعه که ریشه در غیب و عالم وحی دارد، اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و قضایی جهان آینده به خوبی توصیف شده است. از پیشرفت‌های علمی، افزایش و سرعت اطلاعات و ارتباطات، وضعیت رسانه‌ها و نظایر آنها، تازندگی جنسی، آرایش و رفتار ظاهری و مانند آن.

شیعه در باره منجی آخر الزمان، بر خلاف سایر دیدگاهها، هویت و علائم جسمی و روحی او را به طور دقیق مشخص کرده است. از حسب و نسب و کیفیت تولد گرفته تا وقت ظهور، علائم و شرایط آن، نوع حکومت، وزراء و وسعت و قلمرو حکومت و در یک کلام همه آنچه قبل، هنگام ظهور و بعد از آن، واقع خواهد شد.

به هر روی دوله المهدی (عج) و مباحثت مربوط به آن، جایگاه ممتازی در اندیشه سیاسی تشیع دارد. گفتمان مهدویت در واقع فرا روایت شیعه از تاریخ و نظریه پایان تاریخ او به حساب می‌آید که در مرکز ثقل آن، این نظر وجود دارد که آینده جهان متعلق به اسلام و شیعیان است و دولت کریمه و فاضله آخرالزمان بر خلاف نظر صاحبان تئوریهای مادیگرا و لیبرال، تئوکراسی مهدوی است.

با بررسی دیدگاههای مطرح درباره فردای جهان به جرأت و بدون تعصب می‌توان گفت که دیدگاه شیعه از امتیازهای فراوانی برخوردار بوده و این مکتب عالی‌ترین نظر درباره آینده جهان را ارائه کرده است.

بر خلاف بعضی نظرها دیدگاه شیعه نه امری رازآلود و غیر منطقی بلکه به دلایل زیر کاملاً منطقی است:

۱. تکرار پذیری

اگر معیار منطقی بودن، مشابه داشتن و تکرار پذیری است، نظریه قیام مهدی (عج) در گذشته بسیار تکرار شده است: حرکت نجات‌بخش حضرت مهدی (ع) همچون حرکت‌های نجات‌بخش انبیاء الهی است. بنابراین اقدام او نیز جزئی از پروژه کلی خداوند، سنت الهی و سیره تاریخ است. امام زمان (ع) مشابه همان کاری را صورت خواهد داد که

موسى(ع)، عيسى(ع) و حضرت محمد(ص) به انجام رسانند. آیا جای تعجب است که یک بار دیگر پروردگار جهان، با ندای خود موسای پایان تاریخ را به اردوگاه ظالمان مأمور کند تا با کمک هارون به معراج رفته اش - حضرت مسیح(ع) - انسان های مستضعف و در بند را از دست فرعون های برده ساز جهانیان و دجال مسحور کننده بشریت نجات دهد؟ آیا جای تعجب خواهد بود که یک بار دیگر خداوند، منجی آخر الزمان را همچون محمد مصطفی(ص) مأمور فلاح و رستگاری جهانیان قرار دهد و ندای ۹۰۰ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تُفْلِحُوا را بشریت از دین برگشته ماقبل ظهور از زبان مبارک او بشنوید؟ بنابراین حرکت منجیانه مهدی(ع) و تأکید شیعه بر این نظریه، بارها در آزمایشگاه تاریخ تکرار شده است. با این تفاوت که اقدام امام زمان(ع) در مقایسه با حرکت انبیاء و سیع ترین و عالی ترین انقلاب در کل تاریخ خواهد بود و به طور قطع به پیروزی می رسد.

۲. کمال آفرینی

نظریه شیعه از این امتیاز والا نیز برخوردار است. اعتقاد شیعه نسبت به دنیای آینده، موتور محرك تاریخ و به منزله آب حیاتی در مقاطع مختلف زندگی بشر برای نجات از دست ظالمان بوده است جنبش ها و قیام های دینی ضد ظلم و استعمار از آن الهام گرفته اند. هر چند برداشت منفی نیز از آن صورت گرفته، اما به تعبیر هانری کربن در مصاحبه با علامه طباطبائی، این نظریه یک غذای جدید روحی و مبدآنیرویی برای زندگی معنوی و اخلاقی و تکامل بشر است.^۱

۳. هماهنگی درون سیستمی

نظریه شیعه در باره آینده جهان با ساختار مذهب اسلام و تشیع یعنی اسلام ناب هماهنگی کامل (هماهنگی درون سیستمی) دارد. اگر مهدویت، طرحی برای آینده جهان است، اسلام و تشیع نیز پتانسیل جهانی شدن را دارا هستند. اسلام، یک آینین جهانی است، به جماعتی، گروهی، قومی معین و زمان معین (یک قرن -

۱. نک: شیعه، ص ۸۹ - ۹۰

ده قرن و...)، مکان معین (دنیای غرب، شرق...) و شرایط محدود اختصاص ندارد، بلکه مربوط به همه اقوام و گروهها، در همه زمان‌ها (گذشته، حال، آینده) و همه مکان‌ها با ژئوپلیتیک مختلف و در همه شرایط است. طبیعی است اگر اسلام یا تشیع یک آیین قومی (Ethnic) یا عربی (Arabic) یا منطقه‌ای (Regional) و مانند آن بود، نمی‌توانست با مهدویت هماهنگ و سازگار باشد. بنابراین دیدگاه شیعه نسبت به آینده جهان با اسلام و تشیع هماهنگی کامل درونی داشته و بدون این نظر اسلام و تشیع ناقص است.

۴. هماهنگی با فطرت انسان

آنچه شیعه درباره جهان آینده می‌گوید، خواست فطری همه بشر است. افراد بشر، هر کجا و هر که و در هر زمانی، از جهت ساختمان وجودی، یک نواخت و همه از خاک آفریده شده‌اند. انسان‌ها نیاز‌های مادی و معنوی مشابهی دارند. خلقت مشترک، به خواست‌های فطری مشترک می‌طلبد. نظریه شیعه نیز بر همین اصل بنا شده است و بر همین اساس مورد پذیرش همگان واقع خواهد شد، چون اسلام و به تبع آن مهدویت، مطابق دستگاه آفرینش و سنت زندگی است و هر که به دستگاه آفرینش و سنت خلقت و زندگی ایمان بیاورد، اسلام خواهد آورد.^۱

۵. نقض ناپذیری

مهدویت تشیع تاکنون از سوی نظریه‌های رقیب نقض نشده است. این دیدگاه با گذشت زمان و قرنها از پیشرفت علمی بشر و تحولات زندگی، پاسخگوی مسائل خود بوده با پیشرفت بشر، پررنگ‌تر و قوی‌تر در صحنه حاضر شده است.

۶. شفافیت

هر اندازه یک نظریه در جزئیات روشن‌تر باشد و از ابهام برخوردار نباشد، علمی‌تر است.

نظر شیعه درباره فردای جهان از این منظر کاملاً برتر است، چون جزئیات طرح مربوط

به آینده و ظهور مهدی(ع) در حدود ۶ هزار حدیث بیان شده که اهل سنت نیز راوی بسیاری از آنها بوده‌اند، بنابراین نقطه ابهامی ندارد. البته درک برخی از روایات مشکل و برخی نیز به رمز است، اما این رمز گونگی جزئی از طرح است و چه بسانکات امنیتی رالحاظ کرده است، بنابراین نقص محسوب نمی‌شود. شیعه تاکنون به همه شباهتی که درباره این نظریه وارد شده به خوبی پاسخ داده و عقاید کیسانیه، ناؤوسیه، واقفیه را که افراد دیگری را مهدی موعود پنداشته‌اند، با استدلال رد کرده است.

بسیاری از نظریه‌های مربوط به آینده جهان، جامعه ایده‌آل و مدینه فاضلۀ پایان تاریخ را از نظر نوع حکومت، قانون، آزادی، ثروت، مالکیت، اصول و نظام قضایی، اصول اخلاقی، نظام فرهنگی و دین بی پاسخ یا مبهم گذاشته‌اند، اما شیعه درباره همه آنها چنانکه در صفحات آینده می‌بینیم، جواب صریح و روشن دارد.

۷. زنده بودن

نظریه شیعه درباره جهان فردا، موکول به آینده نشده است، بلکه امروز نیز الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های سیاسی است که در زمینه‌سازی تحقق آن نقش دارند. همچنین شیعه تنها تمدنی است که منجی و موعودش زنده و عینی است و بر خلاف تمدن‌های دیگر، مانند بودایی، هندی، زرتشتی، مسیحی، یهودی و نیز صاحبان مکاتب الحادی و سکولار به آینده نامعلوم موکول نشده است. منجی تمدن‌های دیگر یک موجود ذهنی و اعتقادی است، اما عینی نیست، یعنی زنده نبوده و در زندگی تجلی ندارد. در نظریه شیعه، امام زمان(ع) گرچه از دیده‌ها غایب است، اما به طور فعال در زندگی بشر حضور دارد، زنده است و در ابعاد مختلف زندگی اعم از سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی نقش دارد.^۱ او واسطه فیض الهی است و امتیاز والای شیعه بر همه ادیان و مذاهب این است که رابطه فیض و هدایت الهی میان خدا و مردم را پس از ختم نبوت، نه منقطع بلکه مستمر و پویا می‌داند. نتیجه اینکه دیدگاه شیعه از همه برتر است چون، یک معرفت سازمان یافته است، ابعاد و جزئیات آن روشن بوده، از انسجام، استحکام، انتظام و هماهنگی برخوردار است.

۱. نک: دکتر حسن بلخاری، سینمای هالیوود و مهدویت، منبع اینترنت www.jmammahdi.net

نظریه شیعه را یک کمربند محافظ از روایات گسترده و آیات قرآنی حفظ می‌کند و جامعه علمی در دنیای اسلام آن را با اختلافات جزئی، می‌پذیرد.

تاکنون رقیبی که بتواند نظریه شیعه را با بحران مواجه کند، بطلان آن را ثابت کند یا کنار بزند وجود نداشته است.

این نظریه، کار ویژه‌های عملی خود را در اعتراض علیه ظلم موجود و یا احیاء‌گری دین و جنبش‌های رهایی‌بخشنش نشان داده است و بر خلاف تصویر تاریکی که از آینده با افزایش زرادخانه‌های هسته‌ای در جهان به وجود آمده، با قاطعیت از فردای روشن سخن می‌گوید.

پرسش

- ۱ - دیدگاه اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) را به اختصار شرح دهید.
- ۲ - محسی الدین عربی درباره منجی آخرالزمان چه می‌گوید؟
- ۳ - امتیاز‌های دیدگاه شیعه درباره آینده جهان را بنویسید.
- ۴ - درباره هماهنگی نظریه شیعه با فطرت انسان توضیح دهید.

درس هشتم

آینده جهان در نگاه شیعه (۲)

عصر غیبت

شیعه بر اساس ادوار سرنوشت انسان پس از عصر بهشت، تقسیم‌بندی خاص خود را از تاریخ ارائه کرده است.

در این نگاه تاریخ بشر در مرحله اختلاف و پس از گذشت عصر انبیاء(ع) و یازده امام معصوم، حول محور رهبر آینده جهان، به دو دوره زیر تقسیم می‌شود:

۱- عصر غیبت، که دوره درگیری مستمر حق و باطل و غیبت رهبر آینده جهان است.

۲- عصر ظهور، یعنی دوره پیروزی کامل حق بر باطل و ظهور رهبر آینده جهان.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که شیعه در تقسیم تاریخ، آینده را معیار قرار داده است و این خود نشانگر آن است که، شیعه یعنی اسلام ناب، مکتب آینده تاریخ است.

عصر غیبت

از دید شیعه، خداوند پس از رانده شدن بشر از بهشت، انبیاء را برای هدایت آنان فرستاد که آخرین آنها، محمد بن عبدالله(ص) بود.

البته ختم انبیاء به معنی ختم ارتباط خدا با بشر و پایان هدایت به شمار نمی‌رفت.

یعنی طبق مبانی معرفت‌شناسی شیعه، همان دلایلی که ضرورت ارسال پیامبران الهی را برای بشر ایجاد می‌کرد، تداوم این امر را پس از خاتم الانبیاء(ص) نیز موجب می‌شد. یعنی برای

استمرار هدایت الهی، اکمال دین و اتمام نعمت^۱، پس از پیامبر(ص) شخصیت‌های مخصوصی می‌بایست نقش او را ایفا کنند.

بنابراین از نظر شیعه، امامت همانند نبوت، لطفی است از جانب خدا و منصبی الهی است لذا انتخاب امام مخصوص از استطاعت بشری خارج است.^۲

شیعه هر گونه قطع ارتباط بین انسان و خدا پس از پیامبر(ص) را نفی می‌کند و با تأکید بر رابطه عالم و حیانی با عالم دنیوی، امامان مخصوص(ع) را ایفا‌گر این نقش مهم می‌داند. بر این اساس امامت طبق دستور الهی، به امام علی(ع) و یازده برگریده از اعقاب حضرت فاطمه(س) و آن حضرت محدود می‌شود که ایفا‌گر نقش جانشینی پیامبر(ص)، در سه مأموریت بنیادین زیر می‌باشند:

۱- برقراری حکومت الهی^۳- مرجعيت علمی و دینی^۴- ولایت معنوی، یعنی اتصال معنوی با عالم غیب و حجت زمان بودن یعنی انسان کامل بودن.^۵

از دید شیعه، زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست، او جانشین خدا در زمین بوده، به صورت ظاهر یا غایب، دعوت‌کننده مردم به دین خداست. نخستین امام شیعیان می‌فرماید:

اللَّهُمَّ بْلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا مَسْهُورًا وَ إِمَّا خَائِفًا (حافیاً)
مَغْمُورًا^۶

آری، خداوندا، زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا، با برهان روشن و شناخته شده و یا بینا ک و پنهان قیام کند.

شیعیان معتقدند که پس از دولت دینی پیامبر(ص) و حضرت علی(ع)، دولتهای غاصب، حق الهی امامان مخصوص(ع) را در حکومت و جانشینی پیامبر غصب نموده، نسبت به آنان ستم زیادی روا داشتند و همه را به شهادت رساندند. چون نوبت به دوازدهمین امام

۱. الْيَوْمَ أَكْلَمْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَنْتَمْتُ عَائِنَكُمْ نِعْمَتِي وَرَضَيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيَنًا. (مائده: ۳) این آیه مربوط به شروع عصر امامت و تداوم نبوت در حادثه غدیر است.

۲. شهید مرتضی مطهری، امامت و رهبری، ص ۹۲ - ۹۴.

۳. همان، ص ۵۵ - ۸۳ همچنین نک: شهید مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۱۷۰ - ۱۷۵.

۴. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۶۶ - ۶۶۱.

رسید، خدای او را از دسترس جباران و گزند دشمنان نجات داد و تا وقتی که افکار عمومی جهان برای پذیرش او مساعد نباشد، در غیبت به سر برده، ظهور نخواهد کرد.^۱ **مفهوم غیبت:** شیعه معتقد است که رهبر آینده جهان، متولد شده، زنده و حاضر است اما به دلیل فقدان شرایط در پرده حجاب و استئار قرار دارد. او همچون خورشیدی در پشت ابرها، واسطه فیض الهی است و با ظهورش روز هجران و پریشانی شب‌های دراز به سر می‌رسد.

بنابراین مفهوم غیبت به معنای عدم حضور امام زمان(ع) در جهان نیست. همچنین استئار امام، مطلق نبوده، بلکه برای عارفان به حق، طبق اسناد و مدارک فراوان، هر زمان مصلحت اقتضاء کند، ظاهر است.

غیبت امام آخر الزمان، خود بر دو بخش است: غیبت صغیری و غیبت کبری.

۱. غیبت صغیری

این دوره پس از شهادت پدر امام زمان(ع)، امام حسن عسکری در سال ۲۶۰ هجری شروع می‌شود. به دلیل خفقان و استبداد شدیدی که شیعیان در عصر خلیفة عباسی (معتمد) با آن رویرو بودند، به ضرورت، آغاز امامت رهبر پایان تاریخ با غیبت از از انتظار عوام و نه خواص شروع می‌شود و تا سال ۳۲۹ هجری یعنی به مدت ۷۰ سال ادامه می‌یابد.

در این دوره چهار نفر از شخصیت‌های ممتاز به ترتیب زیر نایب خاص یا رابط بین امام(ع) و مردم بودند:

۱- عثمان بن سعید عمری

۲- محمد بن عثمان (فرزند رابط اول)

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

۴- علی بن محمد سمری

غیبت صغیری با مرگ چهارمین نایب امام و طبق دستور آن حضرت به پایان می‌رسد.

امام زمان(ع) در پیام یا توقيع مبارک خود به وی می‌نویسد:

بسم الله الرحمن الرحيم

يا على بن محمد السمرى اعظم الله اجر اخوانك فيك، فانك ميت ما بينك وبين ستة ايام،

فاجمع أمرك ولا توص الى احد فيقوم مقامك بعد وفاتك، فقد وقعت الغيبة التامة...^۱

بنام خداوند بخشندۀ مهریان

ای علی بن محمد سمری، خداوند اجر و پاداش برادرانت را در مصیبت مرگ تو زیاد گرداند. تو تا شش روز دیگر از این جهان خواهی رفت، پس به کارهایت رسیدگی کن و بعد از خود به کسی وصیت نکن که جانشین تو باشد. زمان غیبت تامه فرا رسیده است و ظهوری برای من نیست مگر به اذن خداوندی که نام او بزرگ است؛ آن هم بعد از مدتی طولانی و قساوت قلب‌های جهانیان و پر شدن ظلم و ستم در کره زمین. و به زودی از شیعه من کسی می‌آید که مدعی است مرا مشاهده کرده است. آگاه باش که هر کس ادعای مشاهده من قبل از خروج سفیانی و صیحه را طرح کند، او دروغگوی افرازنده است.^۲ نیرو و قوّتی جز برای خدای عظیم نیست.

۲. غیبت کبری

این دوره از پایان غیبت صغیری یعنی سال ۳۲۹ هجری شروع شده و تا عصر ظهور ادامه دارد.

در روایات شیعه دو مفهوم از غیبت کبری وجود دارد.^۳ طبق یکی از آنها حضرت مهدی(ع) از دیده‌ها پنهان است. البته او مردم را می‌بیند، اما مردم او را نمی‌بینند. مگر اینکه مصلحت و خواست حضرت مقتضی آن باشد.

مفهوم دیگر آن است که رهبر آینده جهان از لحاظ شخصیت و عنوان از نظر مردم غایب

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱، همچنین نک: محمد تقی خلجی، تشیع و انتظار، ص ۷۰ - ۷۱.

۲. از قرایین مشخص است که منظور از ادعای مشاهده در خطاب به نایب چهارم، کسی است که مدعی شود آن حضرت را دیده و او وی را نایب پنجم قرار داده است و یا اینکه به هر روی ادعای نیابت و بایت نماید، بنابراین صرف ملاقات و دیدار منظور نیست چون انسان‌های مقدسی که از انجام مکروهات ابا داشتند و مردم به صداقت آنان در زندگی کاملاً واقف بوده‌اند، ادعای ملاقات کرده‌اند و این در حد تواتر است، لذا نمی‌توان به چنین شخصیت‌های پاکی نظیر مقدس اردبیلی نسبت دروغ داد.

۳. نک: محمد صدر، تاریخ غیبت کبری، ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده، ص ۴۸ - ۶۱.

است، یعنی مردم نیز حضرت مهدی(ع) را می‌بینند، اما او را نمی‌شناسند و متوجه نمی‌شوند که او را دیده‌اند.

حدیثی از امام رضا(ع) بر مفهوم اول دلالت دارد. ریان ابن صلت روایت می‌کند:

از حضرت رضا(ع) درباره قائم(عج) سؤال شد، حضرت فرمود: جسمش دیده نمی‌شود و به اسم خویش نامیده نمی‌شود.^۱

در روایت دیگری، نایب دوم حضرت شیخ محمد بن عثمان عمری نقل کرده است که:

به خدا سوگند، صاحب این امر هر ساله در موسوم [حج] حضور می‌یابد، مردم را می‌بیند و می‌شناسد و آنان وی را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.^۲

ویرگی‌های دوره غیبت کبری:

۱. رابطه بین امام(ع) و مردم از طریق نواب خاص قطع می‌شود. در این دوره طبق دستور آن حضرت ناییان عام امام(ع) یعنی فقهاء، حجت بر مردم و مردم موظفاند در حوادث و مسائل دینی و حکومتی به آنان رجوع کنند. در این دوره تنها افراد خالص و عارف به حق به طور استثنایی به دیدار آن حضرت نایل می‌شوند.^۳

۱. شیخ صدق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۷۰.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیة، ص ۲۲۱.

۳. در برخی منابع مطلب غیر معتبری نقل شده که طی آن امام زمان(ع) در طول غیبت کبری در برخی از جزایر دریای مدیترانه (ایپیش میانه) یا کناره دریاها سکونت گزیده، دارای همسر و فرزند بوده و در آنجا یک جامعه نمونه اسلامی از فرزندان، باران و پیروان نیکوکار، بنیان نهاده است. در آن جامعه به طور پنهانی زندگی می‌کند و زمامداری آنجا را فرزندان آن حضرت زیر نظر امام زمان (عج) به قرار زیر بر عهده دارند:

۱- طاهر بن محمد بن الحسن؛ فرمانروای جزیره زاهر.

۲- قاسم بن محمد بن الحسن؛ فرمانروای جزیره رائقه.

۳- ابراهیم بن صاحب الامر؛ حاکم شهری به نام صافیه.

۴- عبدالرحمن ابن صاحب الامر؛ حاکم شهر طلوم.

۵- هاشم بن صاحب الامر؛ حاکم شهر عناطیس.

این مطالب به نقل از کمال الدین ابیاری در ص ۲۱۷ و زین الدین مازندرانی در صفحه ۲۸۴ کتاب نجم الشاقب

ادامه در صفحه بعد

۲. این دوره، زمان امتحان مؤمنان است که بر اساس سنت‌های الهی، یاران مخلص امام زمان(ع)، پرورش می‌باشدند. افراد مدعی دیانت در دوران طولانی غیبت با عواملی همچون خواسته‌ها و تمایلات طبیعی، انواع سختی‌ها، فشارها و گرفتاری‌ها، انواع شباهات و تشکیکات آزمایش می‌شوند، تا یاران مخلص و غربال شده، برای اجرای پروژه عدالت الهی در سراسر زمین مشخص شوند.

۳. عصر غیبت کبری، از یک سو، دوره پیشرفت فناوری صنعتی، اطلاعاتی و ارتباطات در سطح جهانی است و از سوی دیگر حاکمیت ظلم و جور در زمین گستردگی و در نهایت جهان پر از ستم و بی عدالتی می‌شود.^۱ همچنین بر اساس برجستگی انتظار، می‌توان این دوره را «عصر انتظار» نامید.

مفهوم انتظار و ویژگی‌های انسان متظر:

انتظار در اصل مفهومی فرامذبه‌ی، فراسلامی و حتی فرادینی است و همهٔ بشر از هر قشر و طایفه و مذهبی با توجه به نیاز فطری خود در پی آن هستند.

انتظار در اینجا یعنی انسان پیوسته چشم به راه روزی باشد که هدف و مقصد نهایی خداوند از خلقت بشر در روی زمین، یعنی استقرار یک نظام و زندگی عادلانه تحقق پذیرد. بنابراین اعتقاد به پیشوایی جهانی که برپا دارندهٔ عدل و محو کنندهٔ ظلم و جور است و التزام به ظهر خود آگاه و یا ناخودآگاه، میراث مشترک همهٔ بشریت متدین است.

در دید شیعه انتظار با مفهومی مثبت -نه منفی- به معنای چشم به راه بودن و آمادگی برای استقبال از منجی عالم بشریت، حجه ابن الحسن العسكري است تا با ظهر خود حاکمیت ظلم و جور را نابود کرده، قسط و عدل را با کمک مردم در جهان برپا دارد.

انسان متظر لازم است از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

ادامه از صفحه قبل و در کتاب «جنة المأوى» نوشته حاج میرزا حسین نوری که ضمیمه جلد ۵۳ بحار الانوار است و نیز از دیگران آمده است. شایان ذکر است که دلایل کافی برای اثبات این موضوع وجود ندارد. (نک: تاریخ غیبت کبری، ص ۸۴-۱۱۴ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۱۳-۲۲۱).
۱. نک: تاریخ غیبت کبری، ص ۲۴-۳۷.

الف: از نظر اعتقادی، به رهبر الهی پایان تاریخ، یعنی حجۃ ابن الحسن العسكري (عج) معتقد باشد.

ب: از نظر روحی و نفسانی، آمادگی برای تحقق عدالت کامل داشته باشد و لاقل اگر جزو ایثارگران و انصار مهدی (ع) نبود، از افراد شایسته برای پذیرش قیام آن حضرت باشد. همچنین هر لحظه و ساعتی در انتظار ظهور باشد.

ج: از جنبه رفتاری و عملی، خود را پیوسته پای بند احکام الهی نموده، دستورات خداوند را بر دیگر چیزها ترجیح دهد، از گناهان و محرمات اجتناب نموده، واجبات الهی را به جای آورد.^۱

بنابراین انتظار این نیست که پیوسته اصلاح امور را به تأخیر بیندازیم و آن را به ظهور مهدی (ع) حواله دهیم یا خود نیز به جرگه فاسدان و ظالمان بپیوندیم تا جهان پر از ظلم شود. چون لازمه این امر زیر پاگذاشت احکام خداوند و تعطیل دستورات الهی است که قرآن کریم و روایات معصومان (ع) به صراحت و شدت آن را نفی کرده‌اند. ساكت‌نشستن در برابر ستم و حتی راضی بودن به آن، به هیچ وجه مورد رضایت خداوند نیست. نگرش منفی به مفهوم انتظار با آیات قرآن کریم به هیچ وجه سازگار نیست. قرآن کریم آشکارا دستور می‌دهد:

وَلَا تُئْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا (اعراف: ۵۶)

در آیات بسیاری، کسانی که به «ما انزل الله» حکم نمی‌کنند، به شدت سرزنش و جزء فاسقان و کافران و مانند آنها شمرده شده‌اند.^۲

بنابراین شیعه، مفهوم منفی انتظار را به شدت نفی می‌کند. امام زمان (ع) در نامه‌اش به شیخ مفید در رَّؤْنَةٍ نظریَّةٍ مذکور می‌فرماید:

هر یک از شما باید کاری انجام دهد که او را به ما نزدیک و مورد محبت و دوستی ما قرار دهد و از کاری که ناخوشایند ماست و خشم ما را بر می‌انگیزد، دوری کند، زیرا امر ما به صورت ناگهانی خواهد رسید.^۳

۱. نک: تاریخ غیبت کبری، ص ۳۵۶ - ۳۵۹.

۲. نک: مائدہ: آیات ۴۴ و ۴۵.

۳. نک: طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴ و تاریخ غیبت کبری، ص ۴۴۶.

شایان ذکر است که شیعه غیبت امام زمان(ع) را مشابه غیبت انبیاء پیشین می‌داند. شیخ صدق در کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» در ضمنن ۷ باب، غیبت پیامبرانی چون ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی و اوصیاء آنها را بیان می‌کند.^۱

قرآن کریم نیز در مواردی به غیبت انبیاء پیشین شهادت داده است. در این میان غیبت امام زمان (عج) بیش از همه به غیبت ولی خدا، حضرت خضر شباهت دارد؛ غیبیتی که به دلیل اعجاز قرآن هیچ کس نمی‌تواند منکر آن شود.

در سوره کهف^۲ داستان حضرت موسی(ع) و خضر(ع) ذکر شده است که برخی از نکات مهم‌تر آن چنین‌اند:

۱- پنهان و ناشناس بودن آن ولی خدا (حضر)؛ با آنکه در میان مردم می‌زیست، اگر خداوند او را معرفی نمی‌کرد کسی او را نمی‌شناخت، وجود حضرت مهدی (عج) نیز در حال حاضر چنین است.

۲- آگاه بودن آن ولی غایب (حضر) از مسائل جامعه و جهان؛ به نحوی که می‌دانست فرمانروکشی‌های سالم را غصب می‌کند، لذا برای مصلحت بینوایان، کشتی را که مایه زندگی آنان بود، معیوب ساخت تا غصب نشود. امام زمان(ع) نیز به اوضاع و احوال جهان، حتی جزئیات آنها آگاه است و محرومان و مستضعفان را یاور است.

۳- حضرت خضر هم خود غایب بود و هم تصرفات او از دیده‌ها پنهان؛ اگر مردم و صاحب کشتی می‌دیدند که او کشتی را سوراخ می‌کند، مانع می‌شدند، چون از هدف او آگاه نبودند. امام مهدی(ع) نیز، چه بسیار تصرفاتی دارند که از دیده‌ها پنهان است.

۴- هدایت حضرت موسی(ع) توسط خضر؛ یعنی فردسازی و انجام وظيفة الهی، امام زمان(ع) نیز چه بسیار کار فردسازی در غیبت مشغول‌اند.^۳

بنابراین امام (ع) در پرده غیبت، ضمن حفظ مکتب از انحرافات، پاسدار آیین خدا و صندوق سرّ الهی است، به تربیت انسان‌های مخلص و آگاه می‌پردازند و در غیبت خود زمینه ساز تحقق آرمان خداوند در زمین‌اند.

۱. نک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ترجمه منصور پهلوان، ص ۲۵۴-۳۰۳.

۲. آیات ۶۵-۶۸.

۳. نک: آیت الله جعفر سبحانی، « نقش انتظار در بازسازی جامعه اسلامی » در کتاب «بقیة الله»، ص ۷۰-۷۶.

برخی از اقدامات امام زمان(ع) بر اساس اخبار فاش شده، در عصر غیبت کبری به قرار زیر است:

- ۱- نجات توده‌های مسلمان، از دست حکام منحرف و کژاندیش.
- ۲- نجات مسلمانان از دست راهزنان و دزدان کاروان‌ها و مسافران.
- ۳- هشدار به مردم که هنوز شرایط ظهور فراهم نیست و آنان آماده پذیرش این مسئولیت سنگین نیستند.
- ۴- برگرداندن حجرالاسود به جای خود در کعبه در سال ۳۳۹ یا ۳۳۷ ق به دنبال حمله قرامطه به مکه در سال ۳۱۷ هـ بردن حجرالاسود.
- ۵- خبر دادن از برخی رویدادهای مهم سیاسی و اجتماعی، پیش از آنکه مردم از آن اطلاع داشته باشند.
- ۶- نصیحت و خیرخواهی دیگران و بالا بردن سطح معنویات آنان پس از سپری کردن دوره‌ای دشوار.
- ۷- کمک مالی به دیگران.
- ۸- شفای دادن بیماری‌های مزمنی که پزشکان از معالجه آن ناتوان بوده، هزینه‌های هنگفتی صرف آن شده است.
- ۹- راهنمایی گمشدگان صحرا و به مقصد رسانیدن عقب افتاده‌های کاروان‌ها.
- ۱۰- آموختن دعا و اذکار دارای مضامین عالیه و مطالب صحیح به برخی از مردم.
- ۱۱- اصرار حضرت برخواندن دعاها یکی که از اجداد پاکش رسیده است و در آنها مضامین بلند و حقایقی ژرف وجود دارد. نمونه‌های یادشده بسیار زیادند.^۱

۱. نک: تاریخ غیبت کبری، ص ۱۴۳-۱۵۸ و سایر کتاب‌های دیگر که در این زمینه.

پرسش

- ۱ - مفهوم غیبت را از دیدگاه شیعه توضیح دهید.
- ۲ - نواب خاص امام زمان (عج) را نام ببرید.
- ۳ - ویژگیهای دوره غیبت کبری را به اختصار بنویسید.
- ۴ - انسان منتظر چه او صافی باید داشته باشد؟
- ۵ - چهار نمونه از اقدامات امام مهدی (عج) را در عصر غیبت کبری بنویسید.

آینده جهان در نگاه شیعه (۳)

عصر ظهور

در اعتقاد شیعه، ظهور امام زمان(ع)، حتمی الوقوع است. حتی اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد کرد تا حکومت حق و عدل با ظهور امام(ع) تحقق یابد.

از این دیدگاه مهدی (عج) تجلی توحید در پایان تاریخ است و با ظهور آن حضرت، اسماء حسنی الهی مثل: الولی، العادل، الحاکم، السلطان، المتنقم، المیر، القاهر و الظاهر به طور بی سابقه‌ای متجلی خواهد شد و مقام خلیفة الله‌ی او در این ابعاد ظهور عملی خواهد یافت.^۱

مفهوم ظهور:

منظور شیعه دوازده امامی از ظهور دو معنای زیر است:

- ۱- آشکار شدن و بیرون آمدن از حجاب و استمار.
- ۲- اعلام انقلاب. (بر اساس ادبیات سیاسی جدید) و یا «قیام به شمشیر» طبق ادبیات سیاسی قدیم، به گونه‌ای که آن حضرت بزرگترین انقلابی جهان بر ضد ظلم و جور خواهد بود. هر دو معنای ظهور درباره حضرت بقیة الله صادق است؛ به این معنی که رهبر آینده جهان پس از خروج از پرده غیبت، انقلاب جهانی ضد ظلم را علنی خواهد کرد.^۲

۱. آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی «تجلی توحید در نظام امامت» در کتاب «بقیة الله»، جمعی از نویسندهای، ص ۴۴.

۲. نک: سید محمد الصدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۲۷۰ – ۲۷۱.

درباره اوضاع جهان قبل از ظهرور، روایات شیعه رامی توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف: روایات حاکی از امور منفی، زوال و انحطاط بشر: این بخش، حکایت از مشکلات، تبه کاری‌ها و انحطاط اخلاق بشر دارد به گونه‌ای که از حیوانات نیز پست‌تر می‌شوند. فساد و ظلم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، قساوت و درنده‌خوبی یا گرگ صفتی بشر در این هنگام به نهایت می‌رسد و یأس از اصلاح و بهبودی وضع جهان پدیدار می‌گردد.

این اخبار رامی توان به چند دسته تقسیم کرد:

- ۱- روایاتی که از پرشدن زمین از ظلم و جور به طور مطلق سخن می‌گویند و حادثه‌ای معین و مشخص را متذکر نمی‌شوند. مانند روایت «پَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» که «مستفیض» بلکه «متواتر» بین شیعه و سنی است.^۱
 - ۲- روایاتی که بر کثرت آشفتگی‌ها و زیادی درگیری‌ها و نابسامانی دلالت دارد.
 - ۳- روایاتی که بر فریاد و اندوه مردم از سختی‌های زمانه و دلگیری شدید از اوضاع و احوال دلالت دارند.
 - ۴- روایاتی که بر حیرت و سرگردانی درباره عقاید دینی و وجود حضرت مهدی(ع) با توجه به طولانی شدن غیبت - و مانند آن حکایت دارد.
 - ۵- اخباری که دال بر گسترش جهل در جامعه اسلامی است.
 - ۶- روایات دال بر اختلاف آراء و انگیزه‌ها، خواسته‌ها و افزایش مکاتب باطل و انحرافی.
 - ۷- اخبار دال بر انحراف حکام و فرمانروایان ممالک اسلامی و فسق و فجور و انحرافشان از اسلام؛
 - ۸- اخبار دال بر مصادیق انحراف و گناه در جامعه اسلامی - و جامعه بشری - مانند زنا، لهو و لعب، هم جنس بازی و مانند آن.
- ب: روایات حاکی از امور مثبت: این بخش، حاکی از پیشرفت‌های عظیم علمی، صنعتی،

۱. خبر متواتر آن است که راویان زیادی آن را از طرق مختلف نقل کرده باشند به گونه‌ای که تبانی بر کذب محال بوده باشد و این خبر مفید یقین است. خبر مستفیض خبری است که راویان آن بیش از سه نفراند. ر.ک. دکتر سید جعفر سجادی فرهنگ معارف اسلامی، ذیل واژه‌های مذکور.

اقتصادی به ویژه در موضوع اطلاعات و ارتباطات و به طور کلی گویای بهتر شدن وضع مردم قبل از ظهور است.^۱

در کنار روایات مذکور، دسته‌ای از آنها نیز مربوط به آزمایش مردم، جهت تمایز نیکان از بذان است.

بر این اساس، عصر قبل از ظهور منجی، از یک سو، دوره پسرفت‌ها و انحطاط و از سوی دیگر دوره پیشرفت‌ها، رشد و توسعه است.

در زمینه وقوع یا عدم وقوع روایات پیشگویی، می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:
 ۱- پیشگویی‌هایی که در گذشته واقع شده است. مانند روایات پیشگویی تبدیل خلافت به سلطنت، پیدایش حکومت بنی امیه و بنی عباس و یا وقوع جنگ‌های صلیبی.
 ۲- پیشگویی‌هایی که امروزه شاهد وقوع آن هستیم، مانند اخبار مربوط به فساد و فحشاء، انحرافات و یا پیشرفت‌های علمی، ارتباطاتی و اطلاعاتی.

۳- پیشگویی‌هایی که هنوز محقق نشده است؛ مانند خروج سفیانی، خروج یمانی، مسئله دجال، صیحة آسمانی و مانند آن و ظهور حضرت مهدی (ع).^۲

شایان ذکر است که در دیدگاه شیعه، تاریخ ظهور رهبر آینده جهان «سری» نگه داشته شده است و این مخفی ماندن خود جزئی از طرح خداوند برای موفقیت رهبر آینده جهان، در مقابل دشمنان اوست. بنابراین زمان ظهور به طور دقیق و تفصیلی یعنی ذکر سال و ماه و روز ارائه نشده و کسانی که چنین پیشگویی‌هایی می‌کنند مورد تکذیب و لعن قرار گرفته‌اند. اما به اجمال، زمان ظهور با ذکر علائم و اشارات بیان شده است. یعنی مثلاً گفته شده که ظهور در سال فرد خواهد بود و نه زوج و یا اینکه ظهور در روز عاشورا، روز شنبه خواهد بود و یا در روز جمعه و نوروز واقع خواهد شد. اما اینکه در عاشورای کدام سال تحقیق خواهد یافت، بیان نشده است. البته روایات دال بر ظهور در سال فرد (وتر من السنین) یا روز شنبه، کم است، اما اینکه ظهور در روز عاشورا است، روایات فراوان و قابل اثبات‌اند.^۳

۱. نک: تاریخ غیبت کبری، ص ۲۸۹-۳۴۷.

۲. نک: همان، ص ۲۲۹-۲۳۲.

۳. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۲۸۷-۲۹۶.

به هر روی زمان دقیق ظهور را تنها خدا می دارد و هنگامی که خداوند اراده کند، این امر عظیم محقق خواهد شد. اما به اجمال درباره شرایط نزدیک به ظهور - با توجه به قرآن و روایات - می توان گفت:

ظهور در زمانی نزدیک است که:

- ۱- بشریت از اوضاع نابسامان فردی، اجتماعی، منطقه‌ای و بین‌المللی بشدت مأیوس است.
- ۲- مکاتب مدعی نجات بشر همگی در تحقیق شعارهای خود ناکام مانده‌اند. به عنوان مثال نه لیبرالیزم توانسته است آزادی واقعی را برای بشر به ارمغان بیاورد، نیازهای بنیادین او را پاسخ‌گوید و نه سوسیالیسم، عدالت اجتماعی را، و نه مکاتب اومانیستی دیگری که تا هنگام ظهور پا به عرصه وجود خواهند گذاشت.
- ۳- ارزش‌های الهی در جوامع تحقیر می‌شوند. مانند: تظاهر به انعام منکرات و معروف دانستن آنها، برقراری روابط جنسی علنی مانند حیوانات، ربا و مال مردم‌خوری، حلال شمردن شراب و مسکراتِ زایل کننده عقل، درنده‌خوبی و گرگ‌منشی انسان‌ها، افزایش آمار طلاق، تضاد شدید قول و عمل، خوار بودن آمر به معروف و ناهی از منکر، تقرب و احترام فاجران و دلچک‌ها و خواری انسان‌های منصف، پذیرفته شدن شهادت دروغ و رد شهادت عادل، رواج زنا، خون‌ریزی، میراندن و ضایع کردن عبادات، جایز شمرده شدن دروغ، رشوه‌خواری، فخرروشی، قطع رحم، رواج تهمت و بهتان، بدعت‌گذاری روزافزون، همکاری برای فساد، حاکمیت انسان‌های نادان و گرگ‌صفت، نفی و طرد انسان‌های شایسته. حلال شمردن غنا و لهو و لعب، برپایی مجالس موسیقی در مساجد، احتکار کالا توسط دولتمردان، ذلیل و خوار شمرده شدن فقیر، مؤمن، عالم و در مقابل، احترام و اکرام نسبت به فاسق و ظالم، باطل شمردن احکام الهی، تقدیم نظریات و آراء فردی بر نصوص دینی و معتبر شمردن قرائت‌های مختلف و به طور خلاصه جایز شمردن همهٔ محترمات الهی و زیر پاگذاشتن و اجبات خداوند.^۱

۱. نک: روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۰۱-۷۲۲ و آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۲۴-۴۳۸-

۴- دین و دین داران در جوامع غریب می شوند و نوعی دین گریزی وجود دارد. بر طبق برخی روایات همان گونه که در ابتدای اسلام مردم دسته، دسته وارد دین خدا می شدند (یدخلونَ فِي دِينِ اللّٰهِ أَفْواجًا نَصْرٌ: ۲) گروه، گروه از آن خارج می شوند:

دَخَلَ النَّاسُ فِي دِينِ اللّٰهِ أَفْواجًا وَسَيَخْرُجُونَ مِنْهُ أَفْواجًا

۵- یک سری از حوادث ارضی و سماوی به وقوع خواهد پیوست از جمله:^۲

- بارش باران چهل روزه، فراوان شدن آبها و سیلاب از یک سو و خشک شدن برخی از دریاچه‌ها.

- وقوع فتنه‌ها و آشوب جهانی، جنگ‌ها و ویران شدن برخی از مناطق شهرها و کشورها کشتار سه میلیونی، نامنی فراوان، وحشت و حیرت.

- درگیری و کشتار در عراق و بغداد، اشغال آنجا و حوادث زیادی درباره عراق و کوفه و بغداد و بصره.

- قحطی و گرسنگی.

- آمدن ۸۰ (هشتاد) پرچم به جنگ اعراب [شاید کنایه از ۸۰ کشور].
- کشته شدن برخی از شاهان.

- وقوع برخی از قیام‌های حق طلب مانند قیام یمانی و قیام سید خراسانی و سید هاشمی از گیلان.

- شیوع برخی از بیماری‌های مهلک شبیه طاعون.

- وقوع برخی از تحولات در آسمان، جو و فضا مانند سرخ شدن آسمان، فشرده شدن آن و نشانه‌هایی در خورشید و ماه، از جمله ظاهر شدن قیافه حضرت مسیح(ع) در خورشید و وقوع بادهای سرخ و سیاه.

- شعله ور شدن آتش‌ها در برخی از کشورها [شاید حاکی از جنگ یا شعله ور شدن چاههای نفت و گاز].

۱. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۲۱، احادیث ۱۰۳۲ و ۱۰۳۳ و منتخب الائچی، ص ۴۲۴-۴۳۸.

۲. به کتاب‌های مذکور و سایر کتاب‌هایی که در رابطه با امام زمان(ع) به نگارش درآمده، مراجعه شود.

- فاسد شدن میوه‌ها بر روی درختان [شاید به دلیل فساد زیست محیطی و آلودگی محیط زیست].
- ظهور مدعیان نبوت (۶۰ مدعی).
- انقلاب بر دگان علیه ارباب‌ها یا انقلاب مستضعفان علیه مستکبران.
- ظهورِ دجال.
- ۶- وقوع ۵ نشانهٔ حتمی، که ظرف چند ماه پشت سر هم واقع می‌شوند:^۱
 - خروج سفیانی
 - خسف (فرو رفتن) سرزمین بیدا
 - قتل نفس زکیه
 - ندای آسمانی که ظهور مهدی (ع) را بشارت می‌دهد و خواستار بیعت با اوست.
 - خروجِ یمانی
- ۷- نکتهٔ حایز اهمیت در این میان، حاکمیت گفتمن (Discourse) ظلم و جور بر جهان پیش از ظهور است. این گفتمن همهٔ زوایای زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده و نتیجهٔ عملی آن هژمونی ظلم و ستم در جهان و پیدایش دولت‌های ظلم (Unjustice-state) در اکثر نقاط جهان خواهد بود. در چنین شرایطی «عدالت» غیر ممکن و افسانهٔ تلقی می‌شود و اکثریت بشر تسلیم این فضا خواهد بود.
- ۸- در شرایطی که مردم در سطح جهانی از ظلم و ستم به تنگ آمده و امیدی برای نجات خود نمی‌یابند، خواستار پیدایش فردی آسمانی می‌شوند که از طرف خداوند آنان رانجات دهد. این امر البته نیازمند یک انقلاب انفسی است، چون:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ (رعد: ۱۱)

خداوند تنها در صورت وقوع آن انقلاب انفسی و نصرت الهی، با توجه به مصلحت، اجازه ظهور می‌دهد. بنابراین، یکی از علامت‌های ظهور درخواست و دعای واقعی فرج از سوی مردم است، نه دعای لفظی و سطحی.

۹- پیدایش گفتمان عدالت خواهی در سطح جهان.

در شرایطی که گفتمان ظلم و جور، مسلط بر جهان قبل از ظهر است، بر اساس نیاز شدید مردم «گفتمان عدالت» (Justice-discourse) به مثابه گفتمان جایگزین و انقلابی طرح خواهد شد. حاکمیت این گفتمان، انقلابی بنیادین در سطح جهان و منوط به ظهر ابرمرد عدالت یعنی امام زمان(عج) است.

۱۰- وجود انسان‌های مخلص و فداکار، انقلابیونی که در اجرای عدالت سر از پا نشناستند، از امتحان‌های گوناگون الهی سربلند بیرون آمده، جان بر کف در رکاب رهبر پایان تاریخ بجنگند.

به اذن خداوند ظهور محقق می‌شود و عصر انقلاب و پیروزی عدالت فرامی‌رسد.

پرسش

۱ - منظور از ظهور در مکتب شیعه دوازده امامی چیست؟

۲ - روایات شیعه را درباره اوضاع جهان قبل از ظهور به چند دسته می‌توان تقسیم کرد؟
به اختصار توضیح دهید.

۳ - ظهور به چه زمانی نزدیک است؟ چهار ویژگی را ذکر کنید.

آینده جهان در نگاه شیعه (۴)

انقلاب عدالتخواهانه حضرت مهدی (عج)

یک - زمینه‌های فکری و عینی انقلاب عدالت:

بی‌گمان وقوع هر انقلابی نیازمند شرایط ذهنی و عینی لازم است. نارضایتی عمیق و گستردۀ در سطح جهانی از حاکمیت دولت‌های ظالمانه و جهانی‌سازی ظلم به گونه‌ای که همه عالم پر از ستم می‌شود از یک سو و تقاضای جهانی برای برقراری عدالت از سوی دیگر، شرایط عینی و ذهنی لازم برای انقلاب جهانی مهدی (عج) را فراهم می‌سازد.

گفتمان ظلم در عصر قبل از ظهور، پارادایم مسلط در سطح جهانی است. نتیجه این گفتمان، سلطه ظلم و ستم در تمامی زوایای زندگی بشر و نارضایتی وسیعی در سطح عالم است که پی‌آمدۀایی همچون اعتراضات، تظاهرات، درگیری‌ها، شورش‌ها و اعتصابات در سطح جهانی را به دنبال خواهد داشت. با وجود این عکس العمل‌ها، ساختار ظالمانه حاکم بر جهان به گونه‌ای است که بسیاری از افراد را نسبت به بهبود اوضاع دچار یأس کامل، سرخوردگی و افسردگی می‌کند. برخی گمان می‌کنند نجات بخش یا مهدی وجود ندارد^۱ و «عدالت» افسانه‌ای بیش نبوده، تحقق آن در جهان غیر ممکن است. در این هنگام اوضاع جهانی برای بشر غیر قابل تحمل است. تنها امید، ظهور نجات‌بخش از طرف خداوند است تا انسانها را از جهان ظلم که در اثر گسترش ارتباطات به «دهکده ظلم جهانی» تبدیل شده، خارج و به جهان نوراللهی وارد کند. وقتی مردم با وجود اعتراضات، تظاهرات، اعتصابات، شورش‌ها و قیام‌ها به نتیجه نرسیدند و اقدامات رفرمیستی دولت‌ها را نیز جز فریب و نیرنگ

۱. نک: روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۲۲ - ۷۲۶ احادیث ۱۰۳۴ الی ۱۰۴۷

نمی‌بینند، زمینه برای انقلاب فراهم می‌شود و عصر انقلاب جهانی عدالت خواهی شروع می‌گردد.

روشن است که فراهم بودن زمینه‌های عینی انقلاب، نمی‌تواند تنها عامل حرکت مردم باشد. در این میان وجود شرایط ذهنی و فکری انقلاب یعنی دین، مکتب یا اندیشه‌ای که آینده سعادتمند و عدالت بخش را برای آنان ترسیم و تصویر کند، نیز ضروری است.

در شرایطی که بشریت دریأس و حیرت به سر می‌برد، اندیشه عدالتخواهی یعنی گفتمان جایگزین و انقلابی در مقابل پارادایم ظلم و جور قد علم می‌کند. گفتمان عدالت (Justice-discourse) به عنوان اساس اندیشه سیاسی پایان تاریخ، ذهن افراد را به خود مشغول داشته، با توجه به تشنجی توده‌ها به عدالت رفتار آنان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. گفتمان عدالت به تدریج اجماع حاصل بر گفتمان ظلم را می‌شکند. مبانی پارادایم ظلم و جور به تدریج در اذهان بسیاری متزلزل خواهد شد و در مجتمع علمی و غیر علمی بر طرفداران گفتمان عدالت افزوده خواهد شد.

در چنین شرایطی قبل از وقوع انقلاب اجتماعی در سطح جهانی، انقلابی علمی رخ خواهد داد که نتیجه آن کنار رفتن گفتمان ظلم و جور است. گفتمانی که با جدایی دین و اخلاق از سیاست بزرگ‌ترین ضربه را بر پیکر انسانیت وارد کرده است.

اندیشه عدالتخواهی در سطح جهانی، به تدریج جایگاه خود را باز می‌یابد و انسان‌های پاک فطرت به دنبال انقلابی افسی خواستار تحقق عدالت در همه ابعاد زندگی بشر خواهند شد.

این خواست با موجی از حرکت‌ها و جنبش‌های عدالتخواهانه در سطح بین‌الملل و به ویژه در خاورمیانه همراه خواهد بود و در شرایطی که روحیه انقلابی‌گری در سطح جهانی روز به روز افزایش می‌یابد و بشریت به طور جدی خواهان، اجرای عدالت در سطح جهانی است، با ظهور بزرگ‌ترین انقلابی تاریخ به اذن خداوند، مکتب عدالت به لطف آن عزیز اجرا خواهد شد.

تئورسین، فرمانده و معمار عدالت در سطح جهانی به دلیل احاطه بر همه ادبیان الهی و عصمت، مورد پذیرش همگان قرار خواهد گرفت و با ارائه اسلام به عنوان اصل همه ادبیان

فطرت‌های پاک را به پیروی از رهبری خود فراخواهد خواند. در چنین شرایطی زمینه‌های فکری انقلاب جهانی نیز فراهم می‌شود و در مقابل جبهه جهانی ظلم، «جبهه جهانی عدل» به رهبری امام عصر، بشریت را به سوی قسط فرامی‌خواند. کاروان بشریت به رهبری امام حجۃ ابن‌الحسن‌العسکری برای تحقق وعده الهی در قرآن یعنی برپایی عدالت و قسط، انقلاب جهانی خود را پی‌خواهد گرفت و آنان که در مقابل این جریان عظیم ایستادگی می‌کنند باشد سرکوب می‌شوند:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا إِلَيْتُمْ وَأَنَّزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَأَنْذَلْنَا لِيَقُومُ أَنْشَاسٍ بِالْقِسْطِ وَأَنَّزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَيَقِلُّمُ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرَسُلَةٌ بِالْغَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ
عزیز (حدید: ۲۵)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی آنکه او را بینند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

انقلاب مهدی (ع)، انقلابی تک‌بعدی نیست، چنین نیست که آن حضرت صرفاً برای تغییر استبداد سیاسی حاکم بر جهان قیام کند و یا برای بهبود اوضاع اقتصادی و رفع فقر و استثمار دست به عمل بزند یا تنها خواستار امنیت در سطح جهانی باشد و یا صرفاً معضلات اجتماعی را حل کند. انقلاب مهدی، انقلابی همه جانبه است. انقلابی عدالت‌خواهانه و پایدار در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و مانند آن.

مهدی (ع) عدالت را در همه زوایای آشکار و پنهان زندگی بشر وارد خواهد کرد و همچون خورشیدی فروزان با طلوع خود همه ظلمت را -که تمام نقاط زمین را فراگرفته است- از بین برده، جهان را به نور خداوند روشن خواهد نمود.

طبق آیات قرآنی و روایات شیعه، اسلام یعنی تشیع، مکتب فردای تاریخ است و این مکتب همه ارکان یک انقلاب جهانی را به شرح زیر تدارک دیده است:

۱. مکتب یادین عدالت، (اسلام و قرآن کریم).

۲. رهبر معمصوم یا مصلح کل بشریت، (ثورسین، فرمانده و معمار انقلاب جهانی).
۳. کادر رهبری انقلاب جهانی (اصحاب ۳۱۳ نفره آن حضرت).
۴. توده‌های طرفدار عدالت، (مستضعفان عالم و موحدان پاک طینت).

دو- رهبر انقلاب عدالت:

پس از فراهم آمدن علائم و شرایط انقلاب جهانی آخرالزمان، به دستور خداوند حجه ابن الحسن العسكري (ع) رهبری انقلاب را به دست خواهد گرفت.

او طبق تعریف قرآن، بقیة الله و بر اساس سنت اصطفاء واجتباء، برگزیده الهی است.^۱ رهبری قاطع و استثنایی امام زمان(ع) بالاترین نقش را در پیشبرد انقلاب جهانی عدالت خواهد داشت. آن حضرت با تفسیر و تأویل قرآن، تئورسین عدالتخواهی، فرمانده و معمار اجرای نقشه کلی الهی در پایان تاریخ است.

نکته اساسی در دیدگاه شیعه - برخلاف سایر تئوریها و دیدگاهها - این است که رهبر انقلاب آخر الزمان، شخصیتی مبهم و موكول به پایان تاریخ نیست. بلکه او هم اکنون زنده و با عمر طولانی اش، عصاره تاریخ و تربیت یافته مستقیم خداوند است.

مجموعه احادیثی که درباره این رهبر الهی و حوادث مربوط به آخر الزمان در اسلام (شیعه و سنی) وجود دارد به شش هزار حدیث می‌رسد. در کتب اهل سنت حدود چهارصد حدیث از پیامبر اکرم(ص)، درباره مهدی(ع) وجود دارد. در مورد هیچ یک از قضایای مسلم و غیر قابل تردید اسلام، به این میزان حدیث و روایت وارد نشده است.^۲

شایان ذکر است که بسیاری از احادیث و روایات مقدم بر ظهور شیعه دوازده امامی و تولد امام زمان(ع) است. این حقیقت، ساختگی بودن آنها را به شدت نفی می‌کند. از سوی دیگر هیچ امامی از یازده امام شیعه نیز این مسئله را مسکوت نگذاشته است، آنان

۱. بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (هود: ۸۶)، در رابطه با سنت اصطفی نیز نگاه کنید آیات تمل: ۵۹؛ فاطم: ۳۲؛ مریم: ۵۸؛ حج: ۷۵؛ آل عمران: ۴۲ و ۳۳.

۲. آیت الله شهید سید محمد باقر صدر، انقلاب مهدی (ع) و پندرها، ترجمه سید احمد علم الهدی، ص ۱۵۲-۱۶۳.

سخنان فراوانی درباره رهبر انقلاب پایان تاریخ بیان کرده‌اند.^۱ شیعه معتقد است که رهبر معمصوم آخر الزمان، هم اکنون زنده و در جهان فعلی، کارگردانی امور را برای زمینه‌سازی انقلاب جهانی عدالتخواهی از طرف خداوند بر عهده دارد. مشکلات بسیار زیادی از مردم را رفع نموده، عارفان به حق در صورت صلاح‌حديد با او ملاقات دارند. وجود آن حضرت به تجربه تاریخی برای بسیاری از انسان‌ها ثابت شده است، تعداد زیادی او را رؤیت کرده‌اند. معجزات و کرامات زیادی از آن حضرت نقل نموده‌اند که در کتب پیرامون آن حضرت به صراحت بیان شده است.

علاوه بر نواب خاص و عام آن حضرت، که واسطه او با مردم بوده و هستند. رهبر انقلاب جهانی عدالت، در بسیاری از موارد به راهنمایی در مورد احکام درست شرعی، به صورت ناشناس پرداخته است، علاوه بر این به استفتائات زیادی پاسخ داده‌اند. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار، بابی تحت عنوان «ماخرج من توقيعاته(ع)» دارد که طی آن در چهل و هشت صفحه توقيعات آن حضرت اعم از پاسخ به پرسش‌های فقهی، مسائل اعتقادی و مانند آن را ذکر کرده است.^۲ همچنین ۱۱۸ صفحه تحت عنوان «باب ذکر من رآه(ع)» و نظیر آن دارد،^۳ علاوه بر آن علامه حاج میرزا حسین نوری در کتاب جنة المأوى که ضمیمه کتاب بحار الانوار است، طی ۱۱۷ صفحه ۵۹ مورد تشریف به دیدار رهبر آخرالزمان را با ذکر جزئیات آورده است.^۴

این امور حاکی از آن است که بنیانگذار انقلاب جهانی پایان تاریخ زنده و حاضر بوده، به صورت ناشناس زمینه‌های لازم برای ایجاد انقلاب جهانی خود را فراهم می‌کند.^۵

گفتنی است که چنین دیدگاهی، گاه، باعث سوء استفاده‌هایی نیز شده است، بدین معنی که مدعیان دروغین مهدویت یا متمهدیان با سوء استفاده از اصل اعتقاد به امام زمان(ع)،

۱. نک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵-۱۶۲.

۲. نک: همان، ج ۵۲.

۳. همان، ص ۱۱۰ و ۱۵۱-۱۸۰.

۴. همان، ص ۲۰۰-۳۱۷.

۵. از این رو شیعه به مهدویت نوعی و منجی نوعی برای ایجاد انقلاب پایان تاریخ اعتقادی ندارد، بلکه او فردی مشخص و معین یعنی فرزند امام یازدهم شیعیان امام حسن عسکری(ع) است.

ادعاهای کاذبی را در طول تاریخ پی افکنده‌اند که نمونه‌ای از آن را در ادعای سید علی محمد باب شیرازی می‌بینیم.

رهبر انقلاب و دولت پایان تاریخ از نظر شیعه، معصوم و تنها رهبر مشروع تمام بشریت است، در ارتباط با انسان‌ها قرار دارد، در نقاط مختلف زمین حاضر می‌شود، بر تمام حوادث جهانی از نظر علل، نتایج و ویژگی‌های آن آگاه است و وجود او برای حفظ و بقای زمین و ساکنان آن در عصر غیبت و ظهور ضروری است و گرنه زمین اهلش را فرو برد و یا همچون دریا مزاج، و طوفانی خواهد شد.^۱

او هدایت یافته الهی، هادی متقيان، مستضعفان و همه بشریت است. آن حضرت پرچم هدایت، نجات، سعادت و رهایی را در سراسر جهان به اهتزاز درخواهد آورد و با رهبری الهی او، هر پرچم دیگری که بلند شود، ساقط می‌شود.

بزرگ‌ترین اصلاح طلب تاریخ در نگاه شیعه، هم نام و کیهان جدش محمد بن عبدالله(ص)، خاتم الاوصیاء، خلیفة الله فی الارض، مصلح کل، بقیة الله، صاحب الزمان و قائم آل محمد(ص) است. شیعه تمامی مشخصات آن حضرت را به صراحت بیان کرده است. طبق روایات شیعه، برخی از ویژگی‌های رهبر انقلاب جهانی عدالت یعنی مهدی فاطمه(س) به قرار زیر است:

۱. شبیه‌ترین فرد به رسول الله(ص) از نظر خلق و خوی است؛

۲. چهره‌اش سفید درخشان، آمیخته با سرخی و گندمگون است؛

۳. پیشانی فراخ، سفید و درخشان دارد؛

۴. ابرو انش به هم پیوسته است؛

۵. بینی اش باریک کشیده و بالا آمده است که مختصری برآمدگی در وسط دارد؛

۶. بر گونه راستش خالی است، همچون ستاره‌ای درخشان؛

۷. چشمانی درخشندۀ و نافذ دارد.^۲

۱. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۴۸-۵۷.

۲. نک: به منابعی که در رابطه با امام زمان(ع) نگاشته شده است. از جمله نک: الفتوحات المکیّة، ج ۳، ص ۳۲۷.

شایان ذکر است که هنگام ظهور، منجی عالم بشریت، از لحاظ سن در حدود چهل سالگی به نظر می‌رسد و همین امر بر بعضی گران خواهد بود.

سه - آغاز انقلاب:

روایات شیعه (و اهل سنت)^۱ حاکی از آن است که انقلاب مهدی(ع) پس از فراهم شدن مقدمات و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی از مکه آغاز می‌شود. بشارت به ظهور آن حضرت توسط صیحه (بانگ آسمانی) است که طبق روایات در صبح صورت می‌گیرد و بانگ دومی بعد از غروب آفتاب و یاروز بعد اهل باطل را به اجتماع می‌خواند.^۲
امام پنجم شیعیان در زمینه آغاز انقلاب چنین می‌فرماید:

به خدا سوگند گویی او را می‌بینم که به حجرالاسود تکیه داده می‌گوید: ای مردم، ما از همه مردمان علیه کسانی که به ما ستم کردند و حق ما را غصب نمودند یاری می‌خواهیم... من بازمانده آدم، ذخیره نوح، برگزیده ابراهیم و فشرده از تبار محمد(ص) هستم... شما را به خدا سوگند می‌دهم که هر کس امروز گفتار مرا می‌شنود به آنان که امروز حضور ندارند، برساند. شما را سوگند می‌دهم به حق خدا و حق رسول خدا و حق من که حق ذوی القربی بر گردن شما دارم، ما را یاری کنید و از ما در برابر ستمگران حمایت کنید، ما مورد تحقیر و ظلم قرار گرفتیم، از دیار و فرزندان خود دور افتادیم، به ما ستم کردند و ما را از حقوق خود محروم ساختند و اهل باطل به ما افتقاء بستند. از خدا بترسید در حق ما، و ما را خوار نسازید. ما را یاری کنید که خداوند شما را یاری کند، ما امروز از هر مسلمانی یاری می‌طلبیم.^۳

امام(ع) در ابتدای ظهور واعلام انقلاب جهانی اش، بین رکن حجرالاسود و مقام ابراهیم(ع) خطبه تاریخی خود را بیان می‌کند.^۴ نخستین کسی که با او بیعت می‌کند جبرئیل و بعد از آن اصحاب ۳۱۳ نفره هستند، امام باقر(ع) فرمود:

۱. نک: سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۳ و السیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۱۰۲، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۲۹ و ۲۷۴ و ۳۴۱.

۲. نک: روزگار رهایی، ج ۲، ص ۸۶۵-۸۷۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۸۲-۴۸۴.

۴. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۳۰۷-۳۱۷.

اَوْلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ الْأَنْصَارُ.^۱

البته برخی از روایات، ظهور آن حضرت را از روستایی به نام «کُرْعَه» در یمن ذکر کردند، این مطلب را الکنجی در کتاب «البيان» صفحه ۹۱، السیوطی در الحاوی ج ۲، صفحه ۱۳۷، الاربلی در کشف الغمة ج ۳، صفحه ۲۵۹ و ابن طاووس در الملاحم و الفتن صفحه ۱۱۴ نقل کرده‌اند.^۲

روایات دیگری نیز آغاز انقلاب آن حضرت را از شهر مقدس قم بیان کرده‌اند: امیر المؤمنین(ع) می‌فرماید:

اَى پَسْرِيَّانِي، دَرْ اَوْلَ ظَهُورٍ، قَائِمَ آلَ مُحَمَّدٍ(ص) اَزْ شَهْرِي خَرُوجَ نَمَايِدَ كَهْ آن راقم می‌گویند و مردم را دعوت کند به حق و همه خلایق از شرق و غرب به آن شهر قصد کنند و اسلام تازه گردد...^۳

به دنبال اعلام انقلاب، علاوه بر ۳۱۳ نفر اصحاب، یاران انقلابی آن حضرت به ده هزار نفر می‌رسد و آن حضرت با عزت تمام از مکه به سوی مدینه و سپس کوفه حرکت می‌کند:

ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ حِينَ تَكُونُ فِي مِثْلِ الْحَلَقَةِ: عَشَرَةُ آلَافِ رَجُلٍ، جَبْرائِيلُ عَنْ يَمِّينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شَمَائِيلِهِ. ثُمَّ يَهُزُّ زَائِدَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَعَائِدَهُ دِرْعَهُ وَبِيَدِهِ سَيِّفُهُ ذُو الْفِقارِ.^۴

سپس از مکه خارج می‌شود در حالی که ده هزار نفر، چون نگین انگشت او را در میان گرفته‌اند. جبرائیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ او حرکت می‌کنند. پرچم رسول الله(ص) را به اهتزاز در می‌آورد، زره پیامبر(ص) را به تن، شمشیر ذوالفقار آن حضرت را در دست می‌گیرد.

کوفه مرکز عملیات انقلابی و قرارگاه حضرت مهدی(ع) برای پیشبرد انقلاب جهانی عدالت است. منظور از کوفه منطقه‌ای است که شامل نجف اشرف نیز می‌شود، چون در اخبار تعبیری همچون «نجف»، «نجف الكوفه» کوفه، الغری «الذکوات البيض بين الغریین» آمده است که همه حاکی از منطقه واحدی است که شهر نجف و کوفه در آن قرار دارند.

۱. همان، ص ۴۸۴.

۲. نک: همان، ص ۳۳۵-۳۳۹.

۳. نک: شیخ محمد بن علی بن حسین نائینی، انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۵۳.

۴. همان، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۸۵.

استقرار امام و یاران انقلابی اش در کوفه در شرایطی است که عراق تحت حاکمیت سفیانی [از خاندان ابی سفیان] است. او ابتدا به شیوه مسالمت‌آمیز با امام و یارانش برخورد می‌کند. مردم نجف و کوفه رهبری امام(ع) را می‌پذیرند و خواستار برگزاری نماز جمعه پشت سر آن حضرت که یادآور نماز جمعه پیامبر(ص) است می‌شوند. پس آنگاه حرکت رهایی‌بخش جهانی تداوم یافته، انقلاب روز به روز فروزانتر می‌شود.^۱

پرسش

- ۱ - درباره زمینه‌های فکری و عینی انقلاب عدالتخواهانه مهدی (عج) به اختصار توضیح دهید.
- ۲ - به چه دلیل اسلام ناب محمدی(ص)، یعنی تشیع، مكتب فردای تاریخ است؟
- ۳ - نظر شیعه درباره متمهدی و مهدویت نوعی چیست؟
- ۴ - انقلاب حضرت مهدی (عج) از کجا آغاز می‌شود؟ توضیح دهید.

۱. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۴۴۳ - ۴۵۰. این مطلب که کوفه و نجف قرارگاه رهایی جهان خواهد بود را، القندوزی در ینابیع المودة، ص ۵۳۱؛ شیخ مفید در الارشاد، ص ۳۴۱؛ طبرسی در اعلام الوری، ص ۴۳۰؛ علامه مجلسی در بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۷ و دیگران نیز نقل کرده‌اند. به نقل از همان.



آینده جهان در نگاه شیعه (۵)

استراتژی انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج)

معمولًا در اذهان این نکته برجسته است که راهبرد امام زمان(ع)، در انقلاب جهانی اش، صرفاً راهبردی نظامی است. اما آنچه که از روایات برمری آید مقدم بودن راهبرد فرهنگی بر استراتژی نظامی است. بنابراین، رهبر آخر الزمان حداقل از دو نوع استراتژی برای پیروزی بهره می‌گیرد و تاکتیک‌های خود را در قالب این دو طراحی می‌نماید.

الف - استراتژی فرهنگی: در رأس راهبرد فرهنگی امام زمان(ع) گسترش دین اسلام در سراسر کره زمین و احیاء قرآن و سنت الهی و بازگرداندن مردم به سوی آنهاست.^۱ امام علی(ع) در بخشی از خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه که در آن از شخصیت امام زمان(ع) سخن می‌گوید، عبارتی دارد که حاکی از استراتژی فرهنگی آن حضرت است، آن‌جا که می‌فرماید:

قد لِيَسْ لِلْحِكْمَةِ جُنَاحٌ... بَقِيهَةٌ مِنْ يَقْيَايَا حُجَّتَتِهِ، خَلِيقَةٌ مِنْ خَلَافَتِ آنَّبِائِهِ.^۲

[امام زمان(ع)] زره حکمت (دانش) بر تن دارد و با تمامی آداب و با توجه و معرفت کامل آن را فراگرفته است؛ حکمت گمشده اوست که همواره در جستجوی آن می‌باشد و نیاز اوست که در به دست آوردنش می‌پرسد. در آن هنگام که اسلام غروب می‌کند و چونان شتری در راه مانده دم خود را به حرکت درآورده، گردن به زمین می‌چسباند، او پنهان خواهد شد (دوران غیبت صغیری و کبری). او با قیمانده حجت‌های الهی و آخرين جانشين از جانشينان پیامبران است.

۱. نک: منتخب الاثر، ص ۲۹۶-۲۹۲، احادیث ۱ الی ۱۶ و ص ۲۹۷، حدیث ۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲، ترجمه محمد دشتی، ص ۳۴۸ - ۳۵۰.

تعبیر به اینکه امام زمان(ع) زره حکمت بر تن دارد و در پی حکمت است، می‌تواند حاکی از آن باشد که رهبر انقلابی تاریخ ابتدا در چهره یک حکیم و دانشمند بزرگ ظاهر می‌شود. او بر اساس حکمت که به تعبیر خداوند در قرآن خیر کثیر^۱ است، مبارزه‌ای علمی را در کنار مبارزه انقلابی اش پی می‌افکند و چون مسلح به دانش و حکمت حقیقی است، بر همه مدعیان پیروز خواهد شد.

در خطبه ۱۳۸ نیز نخستین امام شیعیان بر اتخاذ راهبرد فرهنگی توسط آن حضرت سخن می‌گوید آنجاکه می‌فرماید:

يَعْظِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى... وَيُحِبُّ مَيِّتَ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ.^۲

[حضرت مهدی(ع)] خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. در حالی که به نام تفسیر نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند. او نظریه‌ها و اندیشه‌های را تابع قرآن می‌سازد... و بخش مرده قرآن و سنت را احیا می‌کند.

بر اساس خطبه یادشده، امام زمان(ع) در حرکت انقلابی خود، ابتدا مشی اخلاقی و فرهنگی را بر می‌گزیند. در بعد اخلاقی، برای ایجاد یک انقلاب اخلاقی در نفوس مردم، هواهای نفسانی آنان را به سوی هدایت الهی منعطف می‌کند و در بُعد دیگر استراتژی فرهنگی، به تفسیر و تأویل صحیح قرآن می‌پردازد. او که کارگزار تأویل است، قرائت‌های مختلفی که خود را بر قرآن تحمیل کرده‌اند، کنار زده، نظر قرآن را اصل قرار می‌دهد. به جای اینکه نظریه‌ها و خواسته‌ها در تفسیر اصل باشد، قرآن اصالت یافته، نظریه‌ها، اندیشه‌ها و خواسته‌ها را تابع قرآن می‌سازد و آنچه از قرآن و سنت فراموش شده و مرده است، زنده می‌نماید.

در ادامه همین خطبه امام علی(ع)، از وقوع جنگی و حشتگ در عصر آن حضرت سخن می‌گوید.^۳ طرح این مطلب پس از بیان راهبرد فرهنگی امام زمان(ع)، شاید حاکی از آن

۱. وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا (بقره: ۲۶۹).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۲۵۶-۲۵۷.

۳. نک: همان.

است که علی رغم تلاش‌های رهبر آخر الزمان، برخی در مقابل او صفات‌آرایی کرده و امام پس از آن به استراتژی نظامی روی می‌آورد.

دلیل دیگری که اثبات کننده تقدم استراتژی فرهنگی بر استراتژی نظامی در انقلاب جهانی مهدی(ع) است، شیوه برخورد امام زمان(ع) در ابتدای انقلاب با مردم مکه است. امام صادق(ع) در روایتی که مفضل بن عمر از آن حضرت نقل می‌کند به صراحة بر این نکته تأکید دارند:

**قال المُفْضَلُ: يَا سَيِّدِي: فَمَا يَصْنَعُ بِأَهْلِ مَكَّةَ؟ قَالَ: يَدْعُوهُمْ بِالْجِنْكَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.
فَيَطِيعُونَهُ وَيَسْتَخِلِّفُ فِيهِمْ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَيَخْرُجُ يُرِيدُ الْمَدِينَةَ.**^۱

مفضل می‌پرسد: مولایم، امام مهدی(ع) با اهل مکه چگونه رفتار می‌کند؟ امام می‌فرمایند: آنان را بر اساس حکمت و موعظة نیکو دعوت می‌کند و آنان نیز مطیع آن حضرت شده، امام زمان(ع) مردی از خانواده خود را به عنوان جانشین خود در مکه قرار داده، خود به سوی مدینه حرکت می‌کند.

بر این اساس اولین حرکت و شیوه امام(ع) شیوه‌ای فرهنگی است ونه نظامی. اما پس از رفتن امام از مکه، مردم مکه جانشین او را به قتل می‌رسانند. امام زمان(ع) دوباره به مکه باز می‌گردد و مردم مکه با توبه و زاری و سرافکنندگی، از امام می‌خواهند که آنان را ببخشد. با این وجود امام از مشی نظامی در مقابل آنان استفاده نمی‌کند بلکه:

فَيَعِظُهُمْ وَيُنَذِّرُهُمْ وَيَسْتَخِلِّفُ عَلَيْهِمْ مِنْهُمْ خَلِيفَةً.^۲

پس آنگاه آنان را موعظه می‌کند، می‌ترساند و از کارهای خلاف بر حذر می‌دارد و مجدد اخليفه‌ای از مردم مکه برای آنان نصب می‌کند. اما پس از حرکت امام به سوی مدینه، مردم مکه، حاکم جدید را نیز می‌کشنند. در اینجاست که گفته می‌شود، امام(ع)، از مشی نظامی برای انتقام‌گیری استفاده می‌کند و به اصحاب خود می‌فرماید:

۱. بخار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. همان.

از جُوْا فَلَا تَقُوا مِنْهُمْ بَسْرًا إِلَّا مَنْ آمَنَ.^۱

(به مکه) بازگردید و همه را بکشید، مگر آنان را که ایمان آورده‌اند.

ب - استراتژی نظامی: راهبرد دیگر امام زمان (ع) برای پیشبرد انقلاب جهانی مستضعفان، راهبرد نظامی است. امام (ع)، در مواردی که شیوه مسالمت‌آمیز مبارزه، کارگر نیست از شیوه نظامی استفاده می‌کند و این راهبرد برای پیروزی بسیار تعیین‌کننده است. البته مانه از جزئیات راهبرد نظامی آن حضرت اطلاع داریم و نه از تاکتیک‌هایی که استفاده خواهد نمود؛ با وجود این، برخی از رئوس کلی استراتژی نظامی آن حضرت را - بر طبق روایات شیعه - می‌توان در موارد زیر بر شمرد:

۱- قتل دشمنان الله؛

۲- پاک کردن زمین از شرک و کفر و نفاق؛

۳- پاک کردن زمین از هر نوع ظلم و ستم؛

۴- به زیر کشیدن پادشاهان و حاکمان ظالم در جهان؛

۵- جنگ بر سر تأویل قرآن، چنان که رسول الله (ص) بر سر تنزیل آن جنگید.^۲

بر اساس روایات به نظر می‌رسد، اولین جنگی که ارتش مهدی (ع) در آن درگیر می‌شود، جنگ با سفیانی است. عزم سفیانی برای قتل امام زمان (ع) به این دلیل است که امام را یک شخص متمرد و انقلابی ضد نظام خود می‌شمارد. وی رانه به عنوان مهدی (ع) بلکه با عنوان ثانوی (شخصیت ثانوی) اشن که در آن زمان معروف است، می‌شناسد.^۳

در این جنگ، سفیانی به قتل رسیده، حاکمیت امام زمان (ع) بر عراق و شاید کل منطقه حاکمیت سفیانی یعنی سوریه و عراق، ثبت می‌گردد.^۴

نکته دیگری که در اینجا ذکر آن لازم است، ظهور «دجال» است. دجال به معنای دروغگو، حقه‌باز، افسونگر، متقلب و تزویرکار یکی از پدیده‌های هنگام ظهور است. البته

۱. همان.

۲. نک: منتخب الاثر، ص ۲۹۰-۲۹۱، احادیث ۱ الی ۴.

۳. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۴۲۸-۴۳۹.

۴. همان، ص ۵۵۸-۶۰۲ و همچنین نک: روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۱۳۵.

برخی آن را به معنای تمدن فریبکار غرب گرفته‌اند و معتقدند: دجال شخص معینی نیست، بلکه کنایه از تمدن مادی در اوج رشد، قدرت و فریبکاری اش می‌باشد.^۱

بر این اساس نابودی دجال باز بین رفتن یک شخص ممکن نمی‌شود، بلکه احتیاج به کاری فکری، گسترده و همچنین نظامی برای نابودی [مظاهر فریبندگی و کاذب] این تمدن مادی دارد تا جهان به سوی عدالت برگرد و این وظیفه به رهبر پایان تاریخ واگذار شده است.^۲

به نظر می‌رسد دجال عنوان یک ستمگر از رهبران گمراه و خونخوار است که با لشکریان تا دندان مسلح اش - که به روایتی به هفتاد هزار یهودی می‌رسد - ادعای الوهیت می‌کند. طبق ظواهر روایات وی هنگامی خروج می‌کند که حضرت مهدی(ع) بر سپاه سفیانی پیروز شده، استانبول را فتح نموده، عازم فلسطین است و برای نابودی آن جرثومه فساد از قلب خاور میانه به سوی عکا عزیمت می‌کند، تا از این طریق مصر و دیگر کشورهای آفریقا یی رافح نماید.^۳

شایان ذکر است که طبق روایات، پس از یک سلسله حوادث و درگیری، حضرت مسیح(ع) از آسمان به شهر قدس (بیت المقدس) فرود می‌آید و هماهنگ با حضرت مهدی(ع)، پشت سر وی در قدس نماز می‌گزارد. نهایت این تحولات و نتیجه راهبرد فرهنگی و به ویژه نظامی امام زمان(ع) فتح اروپا، غرب و کل جهان است.^۴

چنانکه روایات می‌گویند، بسیاری از نقاط جهان، بدون جنگ و کشتار تسليم امام زمان(ع) می‌شوند و زمان جنگ برای فتح جهان، هشت ماه (شمانیه شهر)، طول می‌کشد.^۵ بدین سان آیه شریفه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَّيَكُونَ الَّذِينَ كُلُّهُمْ لِلَّهِ» (انفال: ۳۹) و سایر

۱. تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۶۱

۲. همان.

۳. نک: روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۱۴۳ - ۱۱۵۶. توضیح اینکه در برخی روایات نیز آمده است که دجال از یکی از دهکده‌های اصفهان [ایران] به نام یهودا خروج می‌کند و خروج آن از خراسان نیز روایت شده است. نک: همان، ص ۱۱۵۶.

۴. نک: علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ص ۲۴ - ۲۰.

۵. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۵۵۸ - ۵۰۲.

آیات بشارت دهندهٔ پیروزی نهایی دین و نابودی ظلم و باطل، تحقیق کامل می‌یابد، همان گونه که امام زمان(ع) خود فرموده است:

... وَإِذَا أَذِنَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ، ظَهَرَ الْحَقُّ وَاضْسَحَلَ الْبَاطِلُ وَانْخَسَرَ عَنْكُمْ....^۱

... و هرگاه خداوند به ما اجازه ظهور دهد، حق ظاهر خواهد شد و باطل از میان خواهد رفت و خفغان از سر شما بر طرف خواهد شد.

ممکن است این پرسش در برخی اذهان خطور نماید که چگونه یک فرد، در مقابل پیشرفت‌های تکنولوژیک تسليحاتی و نظامی دشمنان اسلام، موفق به چنین دگرگونی عظیمی در تاریخ می‌شود و اصولاً آیا امکان دارد یک فرد بتواند تاریخ را دگرگون کند؟ تاریخ به این پرسش پاسخ مثبت داده، حتی مصادیقی را برمی‌شمارد، انسان‌های برجسته و رهبران انقلابی اعم از صالح و یا غیر صالح، موفق به دگرگونی تاریخ شده‌اند؛ انبیاء مانند: ابراهیم، موسی و محمد(ص)، نمونه صالحان اند و رهبرانی چون ناپلئون، هیتلر نمونه افراد ناصالح، که مسیر تاریخ را عوض کرده‌اند؛ حتی عالمانی چون امام خمینی(ره) موفق به جهشی ارزشمند در این مسیر شده‌اند.

البته باید گفت رهبران انقلابی با تکیه بر مردم، تحول لازم را انجام داده‌اند. در حرکت انقلابی امام زمان(ع) نیز، آن حضرت کادر انقلابی ۳۱۳ نفره در آغاز انقلاب و هواداران بی‌شمار و مستضعفان صالح و مؤمن در سراسر جهان را در مراحل بعدی داراست که با کمک آنان به دگرگونی عظیم در تاریخ موفق می‌شود. و بدین سان تحولی عظیم تراز تحولی که انبیاء(ع) و به ویژه رسول خدا(ص) انجام دادند، به دست فرزند برومندش امام زمان(ع) صورت می‌گیرد.^۲

علاوه بر این با توجه به عمر طولانی حجۃ ابن‌الحسن(ع)، خداوند، بصیرت، تجربه و توانایی لازم را نیز برای این تحول در اختیار او گذاشته است.^۳ بر این اساس او از مهم‌ترین

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۶.

۲. نک: انقلاب مهدی(ع) و پندرها، ص ۱۷۹ - ۱۸۱.

۳. همان، ص ۱۲۲ - ۱۲۳.

قوانین تحول تاریخ و استراتژی و تاکتیک‌های موفق در این زمینه به خوبی آگاه است. فراتر از همه اینها، مهم‌ترین ضمانت پیروزی آن حضرت، «ارادة الهی» است. خداوند آن حضرت را علاوه بر یاری انسانها، با الهام کردن و ملائکه و جن یاری و پیروز می‌گرداند. نمونه این کار یعنی پشتیبانی ملائکه در یاری رسول خدا^(ص)، در آیات ۱۲۵-۱۲۶ سوره آل عمران و آیات ۹-۱۰ انفال به خوبی روشن است. از سوی دیگر چون قیام آن حضرت برای نصرت الهی است، طبق وعده خداوند بر اساس آیه «إِنَّنَصْرُوا اللَّهَ بِنَصْرِكُمْ» (محمد: ۷) و آیه «وَمَا أَنَّصَرْ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْغَرِيزُ الْكَيْمٌ» (آل عمران: ۱۲۶)، پیروزی آن حضرت حتمی است.

در باره کمک ملائکه و جن به آن حضرت، امام صادق(ع) طبق روایت مفضل بن عمر می‌فرماید:

فیکون أَوْلُ مَنْ يَقْبَلُ يَدَهُ جَبَرِيلُ(ع)، ثُمَّ يُبَايعُهُ وَتَبَاعِهُ الْمَلَائِكَةُ وَنَجَابَهُ الْجِنُّ، ثُمَّ النَّبَاءُ.^۱

اولین کسی که دست آن حضرت را می‌بوسد، جبرئیل است، سپس با او بیعت می‌کند و پس از آن ملائکه و نجایه از جن با آن حضرت بیعت می‌کنند و پس از آن نباء.

در ادامه حدیث نیز امام صادق(ع) اشاره می‌کند که آنان می‌گویند، شنیدیم و اطاعت کردیم. آنان به ندای مخالفان امام زمان(ع) پاسخ منفی می‌دهند. در ادامه مفضل از امام صادق(ع) می‌پرسد آیا ملائکه و جن برای مردم ظاهر می‌شوند، امام پاسخ مثبت داده، اعلام می‌کند که آنها را مثل اینکه فردی با اطرافیان و خانواده خود سخن بگوید، مورد خطاب قرار می‌دهند. امام صادق(ع) ادامه می‌دهد که آنان با قائم (عج) حرکت می‌کنند و وارد ارض الهجره بین کوفه و نجف می‌شوند. تعداد اصحاب آن حضرت از بین ملائکه در این هنگام چهل و شش هزار (ستة واربعون ألفاً من الملائكة) و از جنیان شش هزار (وستة آلاف من الجن) نفر است. البته در روایت دیگری، تعداد جنیان به اندازه ملائکه است. به هر حال خداوند به وسیله آنان پیروزی را نصیب امام زمان(ع) نموده، فتح را به دست او ظاهر می‌سازد.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸.

۲. همان.

عامل دیگر در پیروزی آن حضرت، «ایجاد رعب» در دل دشمنان توسط خداوند است.

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمة، از محمد بن مسلم الثقفی نقل می‌کند:

سمعت ابا جعفر محمد بن علی الباقر(ع) يقول: القائم منّا منصوّر بالرعب، مؤيد بالنصر.^۱

امام باقر(ع) فرمود: قائم ما با سلاح رعب پیروز می‌شود و با نصر الهی تأیید می‌گردد.

نعمانی نیز در کتاب الغيبة می‌نویسد:

عن ابی بصیر قال: قال ابو عبدالله (ع)، فی حدیث یذکر رایة القائم المهدی (ع)... الی
ان قال: فاذا هو قام نشرها... وقال: ویسیر الرعب قدامها شهرأ و وراءها شهرأ وعن
یینها شهرأ وعن یسارها شهرأ. ثم قال: يا ابا محمد، ائمہ یخرج متوراً غضبان اسفأ،
لغضب الله على هذا الخلق....^۲

از ابو بصیر نقل شده است که امام صادق(ع) هنگام سخن گفتن از پرچم حضرت مهدی(ع) ...
فرمود: هنگامی که آن حضرت قیام کند پرچم را بر می‌افرازد... و فرمود: ترس پیش‌پیش او
یک ماه و پشت سر او یک ماه و از طرف راست و چپ او یک ماه حرکت می‌کند [به اندازه
یک ماه فاصله زمانی از چهار جانب ترس نفوذ می‌کند] سپس فرمود: ای ابو محمد؛ او قیام
می‌کند در حالی که انتقام گیرنده خشمگین و ناراحت به جهت خشم خدا بر این مردم است.

بنابراین باید گفت، هر چند دشمنان مهدی (ع) ممکن است از سلاح‌های پیشرفته‌ای
برخوردار باشند، اما سلاح مادی تنها عامل پیروزی در جنگ نیست.

امام(ع)، علاوه بر جنگ‌افزار مادی، از سلاح‌های معنوی پیشرفت‌هایی برخوردار است
که دشمنان آن حضرت فاقد آن هستند. هر چند پیشرفت تسلیحاتی عامل مهمی در
پیروزی به شمار می‌رود، اما تنها عامل نیست. در تاریخ مشاهده کرده‌ایم که ملت‌های
زیادی در مقابل دشمنان استعمارگر و تا دندان مسلح خود، پیروز شده‌اند. آنان در یک
جنگ نامتقارن، با وجود پیشرفت‌های محیر العقول دشمن، پیروزی نهایی را به خود

۱. اكمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۶۰۳ و تاریخ ما بعد الظهور، ص ۳۶۴.

۲. نعمانی، کتاب الغيبة، ص ۱۶۵ و تاریخ ما بعد الظهور، ص ۵۳۶-۵۳۷.

اختصاص داده‌اند. یک نمونه از آن پیروزی ملت ویتنام در مقابل آمریکاست. در حالی که آمریکائیان از سیستم‌های الکترونیک پیشرفت، توپ‌های بسیار قوی، هواپیماهای ماوراء صوت، بم‌ها و نیروهای مسلح زیادی برخوردار بودند، مبارزان ویتنامی با جنگاوری، استراتژی و تاکتیک‌های خود، فناوری پیشرفته آمریکایی را درمانده کردند و پیروز شدند.

نمونه دیگر پیروزی ملت الجزایر بر استعمار فرانسه است و نمونه مهم‌تر دگرگونی تاریخ توسط امام خمینی(ره)، رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران است. دشمن امام خمینی از پیشرفت‌های ترین سلاح‌ها برخوردار بود و پشتیبانی کامل همه قدرت‌های جهانی نظیر آمریکا، انگلیس و حتی شوروی را داشت. اما امام خمینی(ره) با سلاح‌های معنوی خود و پشتیبانی مردم، دشمن را خلع سلاح کرده، پیروزی کامل را به دست آورد. انقلاب امام خمینی با توجه به ماهیت دینی اش، در واقع نمونه‌کوچکی از انقلاب جهانی امام زمان(ع) و زمینه‌ساز آن به شمار می‌آید که پاسخ بسیاری از پرسش‌ها درباره چگونگی پیروزی حضرت مهدی(عج)، را روشن کرده است.

به هر روی پیروزی حضرت مهدی(ع)، طبق روایاتی که از معمصومان رسیده، حتمی است، و شباهی درباره آن وجود ندارد.

پرسش

- ۱ - درباره راهبرد نظامی امام مهدی(ع) در انقلاب جهانی اش، به اختصار شرح دهید.
- ۲ - آیا امام(عج) تنها از استراتژی نظامی استفاده می‌کند؟ توضیح دهید.

آینده جهان در نگاه شیعه(۶)

مکتب و کادر انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج)

الف: مکتب

بی‌گمان، هیچ انقلابی بدون داشتن ایدئولوژی یا مکتبی انقلابی نمی‌تواند به پیروزی برسد. ایدئولوژی یا مکتب انقلاب جهانی صاحب‌الزمان(ع)، اسلام است. این مکتب با ارائه معیارهای جامعه مطلوب و آرمانی، انگیزه‌های لازم را برای تخریب پایه‌های نظام ظالمانه جهانی فراهم می‌کند تصویرگر جامعه مطلوبی است که بشر بر اساس نیازهای عمیق فطری خود از ابتدای تاریخ به دنبال آن بوده است.

از آنجاکه اسلام ناب مهدوی، اشباع‌کننده عمیق‌ترین نیازهای فروخته بشریت در طول تاریخ است، انگیزه و محرك لازم را برای مبارزه، جانبازی و فداکاری، قیام، جنگ و جهاد بر علیه دنیا ستم، در اختیار محروم‌مان و مستضعفان عالم قرار خواهد داد.

بنیادی‌ترین عنصر مکتب فردای جهان، «عدالت» است که در اکثر روایات شیعه و اهل سنت بر آن تأکید شده است. عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری فلسفه مهدویت و انقلاب آخرالزمان از نظر شیعه است. عنصر عدالت ظرفیت انقلابی گسترده‌ای، ایجاد می‌کند که بر هر نوع استبداد و ستم در ابعاد گوناگون خط بطلان خواهد کشید.

مرجعیت قرآن و سنت به عنوان دو منبع با اقتدار در متن ایدئولوژی اسلام، با تأویل صحیح و تفسیر واقعی امام زمان(ع)، همه ایدئولوژی‌های انحرافی را به موزه تاریخ خواهد سپرد.

در این ایدئولوژی آسمان‌ها و زمین بر اساس عدل بنا شده‌اند «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ». ^۱ برقراری عدالت در زندگی اجتماعی هدفی بنیادین برای خداوند است. طبق تعالیم قرآن مجید، وظيفة انبیاء الهی، اجرای قسط و عدل در جامعه با کمک مردم است. ^۲

البته عدالت توسط انبیاء پیشین در نقاط محدودی تحقق یافته است، اما هیچ‌گاه تا عصر ظهور گسترش جهانی نداشته است.

مکتب انقلاب پایان تاریخ، عصر طلایی برقراری قسط و عدل را به همگان نوید می‌دهد و شور و شوقی الهی در دل مستضعفان و محروم‌مان برای فدایکاری در راه برقراری عدالت ایجاد خواهد کرد.

روشن است که انقلاب مهدی(ع)، یک انقلاب دینی است. نقش دین و مذهب در این انقلاب، ضمن ترسیم جامعه آرمانی، افزایش پتانسیل انقلابی‌گری و خشونت مقدس برای فتح سنگرهای ظالمان و مستکبران جهانی است.

در انقلاب مهدی(ع)، هر نوع تفکر سکولار یا لائیک به شدت نفی می‌شود و دین، نه تنها امری شخصی محسوب نمی‌گردد، بلکه به شدت در حوزه عمومی و اجتماعی فعال است. همان‌گونه که انقلاب جهانی مهدی(ع) با هیچ یک از انقلاب‌های بشری مانند انقلاب فرانسه، روسیه، و چین قابل مقایسه نیست، از لحاظ ایدئولوژی نیز همین نکته صادق است. انقلاب‌های لبرال و کمونیستی با جداسازی دین از سیاست و مبارزه جهت ریشه کنی آن، به دنبال اعطای آزادی و برابری بودند که به هیچ یک دست نیافتدند. علت اصلی این ناکامی مبارزه آنان با دین بود، اما ایدئولوژی انقلاب مهدی(ع)، بر پایه دین، آزادی واقعی و عدالت را برای همه به ارمغان خواهد آورد.

طبیعی است که مکتب یک انقلاب جهانی، خود باید جهانی (global) باشد. بر اساس یک دین یا مذهب محلی (local) و یا منطقه‌ای (Regional) نمی‌توان یک انقلاب جهانی را رهبری کرد.

۱. شیخ عباس قمی، سفينة البحار، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲. نک: حدید(۵۷)، آیه ۲۵.

چنان که گذشت این مکتب، از نظر شیعه همان اسلام است. اسلام یک دین جهانی (global religion) قدر مشترک، اصل و عصارة همه ادیان الهی است و در آن تحریف راه نیافته است. تحدی قرآن و مبارزه طلبی آن تاکنون توسط هیچ فرد یا مکتبی پاسخ داده نشده است و در نزد خداوند دین ناب همان اسلام است:

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ أَلْيَاشَلَامُ (آل عمران: ۱۹)

و هر کس غیر از دین اسلام را که کامل ترین و آخرین شریعت الهی است، قبول کند، به هیچ وجه در نزد خداوند از او پذیرفته نیست:

وَمَنْ يَتَبَعْ غَيْرَ أَلْيَاشَلَامِ دِينًا فَلَنْ يَقْبَلَ مِنْهُ (آل عمران: ۸۵)

آیات قرآن و روایات اسلامی، فرامرزی، فراقومی و فرامنطقه‌ای بوده، جهانی بودن در آنها کاملاً هویداست. از سوی دیگر دین اسلام بر مهم‌ترین عنصر ایدئولوژی انقلاب جهانی یعنی عدالت تأکید فراوانی دارد. خداوند در قرآن به عدل و احسان امر می‌کند:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (نحل: ۹۰)

و به انسان‌ها دستور می‌دهد تا هنگام سخن گفتن به عدالت سخن بگویند.

وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا (انعام: ۱۵۲)

و عدالت نزدیک‌ترین چیز به معیار تقواست که در نزد خدا بالاترین معیارهای است.

إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (مانده: ۸)

همچنین، قبل‌آنیز گذشت که یکی از مهم‌ترین فلسفه بعثت انبیاء الهی برقراری قسط و عدل است.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا إِلَيْكُمْ إِنَّمَا مَعَهُمُ الْكِتَابُ وَالْمُيْرَاثُ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ الظَّنَنُ (حدید: ۲۵)

نکته دیگر این است که از نظر اسلام، انسان‌ها در هر کجا زندگی کنند و در هر قاره‌ای

که باشند و به هر زبانی که سخن بگویند، هر نژاد، جنس و رنگی که داشته باشند، عضو یک خانواده و از یک اصل و یک پدر و مادر می‌باشند و در کرامت انسانی برابرند.^۱

تکلیف الهی و مسؤولیت، متوجه نوع انسان است و در خطاباتی مثل «ایا ایها الناس» و «ایا بنی آدم»، در قرآن مجید، انسان‌ها به طور مساوی مخاطب گردیده‌اند.

قرآن مجید افتخار و امتیاز نژادی، فامیلی، قبیله‌ای و اینگونه مشخصات ظاهری مثل رنگ و زبان را صریحاً نفی کرده است. از جمله می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِيلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنَّفَاكُمْ (حرات: ۱۳)

ای مردم، ما شما را از نر و ماده آفریدیم و شما را گروهها و قبیله‌ها قرار دادیم برای اینکه یکدیگر را بشناسید. به درستی که گرامی ترین شما نزد خدا پرهیز کارترین شما است.

از سول خدا(ص) روایت است که در حجه الوداع فرمود:

إِيَّاهَا النَّاسُ أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ إِبَاكُمْ وَاحِدٌ أَلَا لَأَقْضَلَ لِعَرْبَى عَلَى عِجْمَى وَلَا لِعِجْمَى
عَلَى عَرْبَى وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ وَلَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ إِلَّا يَالْتَقَوْى. ۲

ای مردم آگاه باشید که همانا پروردگار شما یکی است و آگاه باشید که عرب بر غیر عرب، فضلی ندارد و برای غیر عرب بر عرب برتری نیست و سرخپوست را برعیاه پوست و سیاهپوست را بسرخپوست فضلی جز به تقوانیست.

بر این مبنای اسلام و مذهب تشیع، همه ویژگی‌های لازم برای ایفای نقش مکتب انقلاب جهانی را داراست. اسلام پرچم‌دار عدالت، کرامت و برابری در سطح جهانی است. به فرموده رسول اکرم(ص):

أَبْشِرُكُمْ بِالْمُهْدِيِّ، يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَّلِ، فَيَمْلأُ الْأَرْضَ قِسْطَةً

۱. نک: امامت و مهدویت، جلد ۲، ص ۶۹

۲. همان، ص ۷۰

وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَزُورًا وَ ظُلْمًا، يَرْضى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الارضِ، يُقْسِمُ
الْمَالَ صَحَاحًا.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: مَا صِحَّاً؟ قَالَ: بِالسُّوَيْهَةِ بَيْنَ النَّاسِ قَالَ: وَمَنْ لِلَّهِ قُلُوبُ أُمَّةٍ
مُحَمَّد(ص) غَنِيٌّ وَ يَسْعَهُمْ عَدْلُهُ.^۱

مژده می‌دهم شما را به مهدی، که او در امت من، به هنگام اختلاف و سختی‌ها برانگیخته
می‌شود، پس زمین را از قسط و عدل پر می‌کند، همانگونه که از جور و ظلم پرشده باشد. از
او ساکنان آسمان و زمین راضی می‌گرددند. مال را در بین مردم به طور مساوی و برابر تقسیم
می‌کند و خدا دلهای امت مُحَمَّد(ص) را از بی‌نیازی پر می‌کند و ایشان را عدل او فرامی‌گیرد.

شایان ذکر است که مكتب یا ایدئولوژی انقلاب جهانی مهدی(ع)، در عین تعلق به گذشته
یعنی اسلام و قرآن، جدید است و بر این نکته در روایات شیعه تأکید شده است. امام
صادق(ع) می‌فرماید:

عَنْ أَبِي بُصِيرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّهُ قَالَ:... لَكَافِي أَنْظُرْ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يَبَايِعُ النَّاسَ
عَلَى كِتَابِ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ.^۲

هر آینه گویا می‌بینم که در بین رکن و مقام با مردم بر اساس کتاب [پیمان] جدید که بر عرب
پذیرش آن سخت است، بیعت می‌کند.

امام باقر(ع) نیز می‌فرماید:

فَوَاللَّهِ لَكَافِي أَنْظُرْ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، يَبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ (شَدِيدٍ) وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ
وَ سُلْطَانٍ جَدِيدٍ مِنَ السَّمَاءِ.^۳

سوگند به خدا گویا می‌بینم که (امام زمان(ع)) بین رکن و مقام با مردم بر سر امر جدید
(شدید)، کتاب جدید و قدرت جدیدی از آسمان بیعت می‌کند.

۱. منتخب الائمه، باب ۱، فصل ۲، ص ۱۴۷، حدیث ۱۴.

۲. النعمانی، الغيبة، ص ۱۰۲.

۳. همان، ص ۱۳۹ و تاریخ ما بعد الظهور، ص ۶۳۷-۶۳۹.

تعداد روایات مربوط به این نکته به اندازه‌ای است که برای اثبات تاریخی کفایت می‌کند و جای شک و شبیه باقی نمی‌گذارد. در این گونه روایات بر ۵ موضوع جدید تأکید شده است:

- ۱-امر جدید
- ۲-سنّت جدید
- ۳-قضاء جدید
- ۴-سلطان جدید
- ۵-دعا جدید (فراخوان جدید)

اماً دعوت به دین جدید چنانکه در بعضی السنّه مشهور است، وجود ندارد.^۱

در اینجا در صدد نیستیم که موضوعات یاد شده را بررسی کنیم، تنها بر این نکته تأکید می‌کنیم که مکتب و انقلاب جهانی مهدی(ع) برای مردم آن روزگار، تازه است. این مکتب روزگار نویی را بشارت می‌دهد.

تصور اینکه حضرت مهدی(ع) قرآن جدیدی ارائه نماید که در مقابل قرآن محمد(ص) باشد، باطل است. چون مهدی(ع) معتقد به اسلام و سنت رسول الله(ص) است و در این معنا هیچ یک از مذاهب اسلامی تردید ندارند.^۲

آن حضرت چنانکه امام علی(ع) می‌فرماید، احیاگر قرآن و سنت است:

فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السِّيَرَةِ وَ يُعْلِمُنِي مَيْتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ.

پس به شما سیره و روش عدل را نشان خواهد داد و آنچه از کتاب قرآن و سنت مرده باشد، زنده می‌کند.

به نظر می‌رسد کتاب جدید را می‌بایست به احیاء بخش‌های فراموش شده قرآن و تفسیر صحیح بر اساس «ما انزل اللّه» و تأویل درست آیات یعنی آشکار کردن بطون قرآن کریم تعبیر نمود که با توجه به پیشرفت عقلی بشر در عصر ظهور کاملاً تازه است. نکته دیگر

۱. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۶۳۷-۶۳۹.

۲. همان، ص ۶۴۹-۶۵۵.

۳. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، خطبة ۱۳۸، ص ۴۲۵.

این است که بگوییم منظور از «کتاب جدید» قانونگذاری جدید بر اساس مقتضیات زمان و مکان در آخر الزمان است و بهتر است آن را به پیمان جدید تفسیر کنیم که مبتنی بر قرآن و سنت است.

به هر روی کتاب جدید تفسیر و تأویل حقيقی قرآن کریم و اساس مكتب پایان تاریخ برای حاکمیت الله، و اجرای قسط و عدل در سراسر گشته است.

ب - کادر انقلاب مهدی(ع):

افراد مخلص و آبدیده، از ضرورت‌های اولیه پیشبرد هر انقلابی است. طبعاً برای یک انقلاب جهانی، لازم است کادر اصلی آن، خود نیز جهانی فکر کنند و از مناطق مختلف جهان گرد آمده باشند، نه اینکه اختصاص به یک کشور خاص داشته باشند.

با توجه به اهمیت انقلاب مهدی(ع) کادر رهبری آن می‌بایست از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار باشند. امام زمان(ع)، در کنار سایر وظایف الهی اش، به تربیت انسان‌های مخلص می‌پردازد. انسان‌های والای که از آزمایش‌ها و گردونه امتحان‌های سخت، موفق بیرون آمده، چون فولاد آبدیده شده‌اند.

احادیث زیادی در نظریه شیعه، به اصحاب و یاران آن حضرت اختصاص دارد.

در روایات مشهور، کادر اصلی و اولیه انقلاب جهانی مهدی(ع) ۳۱۳ نفرند.^۱

کادر رهبری انقلاب جهانی، از کشورهای مختلف برگزیده شده‌اند. اکثر آنان از خاورمیانه هستند: از مصر و عراق و سوریه، لبنان، اردن، فلسطین، عربستان، مکه و مدینه، ایران، افغانستان، پاکستان، جمهوری‌های آسیای میانه و....

بر این اساس می‌توان گفت: کانون انقلاب جهانی حضرت مهدی(ع) خاورمیانه است. در مرحله بعد، مناطقی از شمال آفریقا، یمن، قبرس و حتی اروپا و خاور دور، از مناطقی هستند که در حمایت از انقلاب جهانی مهدی(ع) به آن حضرت می‌پیوندند.^۲

۱. گفته می‌شود در بین این افراد پنجاه زن وجود دارد، «فیهم خمسون امرأة». نک: بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۲۳.

۲. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۴۰۴-۴۱۶.

در روایات مذکور، یا اندکی اختلاف، تعداد اصحاب و سرزمین آنها، به صوح بیان شده است. همچنین در مورد برخی از شهرها روایات اتفاق نظر دارند که عبارتند از: طالقان، عسکر مکرم، عمان، بصره، سیراف، شیراز، اصفهان، کرج، قم، قزوین، ارمینیه، الزوراء، آبادان، موصل، نصیبین، بالس، حلب، حمص، دمشق، بیت المقدس، غزه، فسطاط، اسکندریه، الافرنج، عدن، مدینه، مکه، طایف، مرو، هجر، عرفات (عرفه): رمله (رملیه)، عکا، انطاکیه، یمامه.

در روایات دیگری، اسمی برخی از شهرهای دیگر نیز آمده است و حائز اهمیت است، که بیشترین افراد اصحاب از طالقان هستند و مضمون حدیث طالقان یعنی ۲۴ نفر به عنوان «کنوز لاذهب و لافضة» گنج‌هایی که از طلا و نقره نیستند، به روایت شیعه و سنی به نقل از پیامبر (ص)، ذکر گردیده است.^۱

روایات یاد شده، ثنای فراوانی در حق کادر رهبری انقلاب جهانی مهدی (ع) دارند؛ آنان را در درجه اول اخلاص و سرفراز از امتحان‌های الهی بر شمرده‌اند، کسانی که اکثر آن جوان بوده، پیران در بین آنها بسیار کم‌اند (به اندازه سرمه در چشم و نمک در غذا)، در حق آنان گفته‌اند:

- رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته؛

مردان مؤمنی که خدای را آنچنان که شایسته است، شناخته‌اند

- رهبان بالليل، ليوث بالنهار؛

Zahedan شب، دلير مردان روزاند.

- خير فوارس على ظهر الارض او من خير فوارس على ظهر الارض؛

بهترین جنگاوران روی زمین، یا از جمله بهترین جنگاوران روی زمین‌اند.

^۲ - جيش الغضب؛

ارتش خشم خداوند بر جامعه فاسداند.

۱. همان.

۲. همان، ص ۴۱۷ – ۴۲۰.

- رجال لا ينامون الليل هم دوى في صلاتهم كدوى النحل يبيتون قياماً على اطرافهم
رهبان بالليل أشدُ بالنهار.^۱

مردانی که سبک خوابند و در نمازشان همانند زنبور عسل، زمزمه کنان‌اند، راه‌دان شب و
شیران روزند.

امام باقر(ع) می‌فرماید:

گویا آنان را می‌نگرم؛ سیصد و اندي مرد، بر بلندای نجف ايستاده‌اند، دل‌هایي چون پولاد
دارند، در هر سو، تا مسافت يك ماه راه (از هيپتشان) ترسی بر دل‌های دشمنان سایه
مي‌افکند.^۲

روایات حاکی از آن است که قبل از قیام، کادر رهبری انقلاب جهانی حضرت مهدی(ع) در
دنيا پراکنده‌اند و در آستانه ظهور، به شیوه گوناگون، به صورت زمینی، هوایی و غیره
حتی اگر در رختخواب باشند، نهایتاً در مکه تجمع می‌کنند و در ساعتی معین حول رهبر
عظیم الشأن انقلاب جهانی گرد می‌آیند. حتی گفته می‌شود که حضور غیرعادی آن ۳۱۳
نفر در مکه موجب شگفتی می‌گردد، چون مردم مکه مشاهده می‌کنند که تعدادی از
افراد عجم و غریب به طور غیر معمول در شهرشان حضور دارند.^۳

پرسش

- ۱ - مکتب انقلاب پایان تاریخ کدام است؟ به اختصار بیان کنید.
- ۲ - منظور از کتاب جدید چیست؟
- ۳ - درباره کادر انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) (تعداد، ملیت و ویژگیهای آنها) به
اختصار شرح دهید.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۲. همان، ص ۳۴۳.

۳. تاریخ ما بعد الظهور، ۴۰۴-۴۱۶.

آینده جهان در نگاه شیعه (۷)

مواضع موافقان، مخالفان و پیروزی انقلاب مهدی (عج)

الف: مواضع

نسبت به هر انقلابی، گرایش‌ها و مواضع مثبت و منفی وجود دارد، در رابطه با انقلاب جهانی مهدی (ع) نیز چنین خواهد بود.

اول - گرایش‌ها و مواضع مثبت (موافقان و هواداران انقلاب): با آغاز ظهرور و انقلاب جهانی، مؤمنان صالح و مستضعفان پاک نهاد اعم از مسلمان و یا غیر مسلمان به دلیل اینکه گمشده خود را در انقلاب مهدی (ع) می‌یابند، به آن گرایش مثبت پیدا می‌کنند و در مواضع خود از آن هواداری نموده، با بقیة الله الاعظم بیعت می‌کنند.
طبق روایات، پس از بیان خطبه در کعبه، افراد زیر با منجی عالم بشریت برای خدا و ایجاد حکومت عدالت جهانی و اطاعت و یاری آن حضرت بیعت می‌کنند.

۱- جبرئیل امین.

۲- اصحاب خاص آن حضرت که در عصر غیبت کبری با او در ارتباط بودند.

۳- سایر یاران مخلص و امتحان داده که پس از اعلام انقلاب به مکه آمدند.

۴- افراد دیگری که از نظر اخلاق و ایمان در درجات بعدی قرار دارند.^۱

بیعت مذکور چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید، دو طرفه است، امام زمان نیز خود به آن

۱. پیشین، تاریخ‌نما بعد الظهور، ص ۳۳۹-۳۵۰

متعهد می‌شود. این بیعت از دو بخش سلبی و ایجابی تشکیل شده است.
در بخش سلبی امام بیعت می‌گیرد که منکرات را انجام ندهند:

ان لا یسرقوا و لا یزنو او لا یستبوا مسلماً ...

و در بخش ایجابی از آنان بیعت می‌گیرد که به کم راضی باشند و به معروف بپردازنند:
و یرضون بالقليل و یشتمون علی الطیب و ...

و خود آن حضرت نیز متعهد می‌شود که در سطح اصحاب زندگی کند:

... و یشرط علی نفسه هم ان یمشی یمیشون و یلیس کما یلیسون.^۱

همچنانکه گذشت اساس این بیعت برای خدادست. روی پرچم مهدی(ع) نوشته شده است: «آلیعۃ لِلّه». در برخی از روایات عبارت زیر آمده است: «الرَّفْعَةُ لِلّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ اسْعِوا وَ اطِّيعُوا».^۲

همچنین تعصّب و گرایشی جهانی در سطح توده‌های مردم نسبت به انقلاب مهدی(ع) پیدا می‌شود. قبلاً گذشت که به دلیل هژمونی گفتمان ظلم و به تنگ آمدن مردم جهان به ویژه اشار پایین اجتماع، از دهکده جهانی ظلم، توده‌ها خواستار اصلاح جهان شده و در پی مصلح عدالت گسترند.

این خواست توده‌ها که ناشی از تحول درونی است و بر اساس سنت الهی سرنوشت آنان را دادگرگون خواهد کرد،^۳ مردم را در سطح جهانی به هواداری از انقلاب مهدی(ع) سوق می‌دهد.

مردم به مهدی(ع) عشق می‌ورزند. آنان از همه طبقات و اشار اجتماعی، سیاه سفید یا رنگین پوست و از هر موقعیت مکانی و جغرافیایی، برای پیروزی انقلاب جهانی عدالت، نقش گسترده خود را ایفا خواهند نمود.

۱. منتخب الاثر، ص ۴۶۹

۲. همان، ص ۳۱۹

۳. نک: آیات رعد: ۱۱ و اتفاق: ۵۳ و ۵۴

شایان ذکر است که در مراحل اولیه انقلاب، بر اثر تبلیغات سوء مخالفان و القائات دشمنان، آن حضرت دچار مشکل می شود. اما پس از آشکار شدن حقانیت قیام امام زمان(ع)، همه مردم پاک طینت اعم از مسلمان و غیر مسلمان به سوی او گرایش پیدا می کنند.

دوم - گرایش‌ها و مواضع منفی (مخالفان انقلاب): همچون موافقان انقلاب مهدی(ع)، مخالفان او نیز به دو دسته مسلمان و غیر مسلمان تقسیم می شوند. مخالفان غیر مسلمان آن حضرت را کافران، مشرکان و معاندان تشکیل می دهند: که به دلایل اعتقادی و یا منافع شخصی، ستمگری و هوای نفس به مخالفت آن حضرت برمی خیزند. سرمایه‌داری که قیام آن حضرت را ضد منافع خود می بیند، حاکمان ستمگری که از قدرت خلع سلاح می شوند و مجرمان و مفسدانی که دیگر زمینه فساد برای آنان وجود نخواهد داشت، از جمله مخالفان انقلاب جهانی مهدی(ع) بوده، تحت پرچم سفیانی و دجال و رهبران کفر به مقابله با آن حضرت برمی خیزند.

مخالفت این گروه از افراد شاید تعجب چندانی را بر نمینگیزد، چون تحمل عدالت برای چنین افرادی از هر امری سخت تر است.

اما علاوه بر این گروه، بخشی از مسلمانان (از عوام و خواص) نیز به مخالفت با آن حضرت برمی خیزند! این دسته غیر از کسانی هستند که بر اثر جهالت در ابتداء مخالفت کرده و پس از روشن شدن حقایق به آن می گردوند.

برخی از این منحرفان با عقیده زیر، نسبت به آن حضرت تشکیک می کنند:

انَّ هذَا لِيْسَ مِنْ ذُرِيْةَ فَاطِمَةَ (أَوْ آلِ مُحَمَّدٍ(ص)) لَوْ كَانَ مِنْ ذُرِيْتَهَا (او من آل محمد(ص)) لرحنا^۱

او از ذریه فاطمه یا آل محمد(ص) نیست، اگر چنین بود بر ما رحم می کرد.

این گروه تبلیغ می کنند که کثرت قتل با سیره پیامبر رحمت، منافات دارد. روشن است که اقدام آن حضرت برای بر پایی عدالت است و امام معصومی که عالی ترین درجه عدالت را داراست، همه اقداماتش را بر اساس حق و عدل انجام می دهد، پس هر گونه شبهه در این باره بی اساس است.

آن حضرت حتی از سوی برخی افراد تکفیر می شود؛ امام خمینی(ره) رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی می فرماید:

در حکومت عدل بقیة الله هم عدالت جاری می شود. لکن حبّهای نفسانی در بسیاری از قشرها باقی است و همان حبّهای نفسانی است که در بعضی روایات هست که حضرت مهدی را تکفیر می کنند.^۱

در جای دیگر، امام خمینی از مخالفت برخی از فقهاء با آن حضرت سخن می گوید:

در روایات قریب به این معنا دارد که بعضی فقهاء عصر با ایشان مخالفت می کنند!^۲

طبری در روایتی به این مسئله اشاره می کند:

و يسِير إلَى الْكُوفَةِ، فَيَخْرُجُ مِنْهَا سَتَةُ عَشَرَ الفَأَ من الْبَرِّيَّةِ، شَاكِنِينَ فِي السَّلاَحِ، قَرَأَ الْقُرْآنَ، فَقَهَاءَ فِي الدِّينِ، قَدْ قَرَّحُوا جَبَاهُمْ وَ شَرَّوْا ثِيَابَهُمْ وَ عَمِّهُمُ النِّفَاقُ وَ كُلُّهُمْ يَقُولُونَ: يَا بْنَ فَاطِمَةَ، ارْجِعْ لَا حاجَةً لِنَافِيَكَ، فَيَضْعُفُ السَّيفُ فِيهِمْ عَلَى ظَهَرِ التَّنْجُفِ...^۳

و حرکت می کند به سوی کوفه و از کوفه ۱۶ هزار نفر بتزیه (طایفه ای از خوارج) علیه او خروج می کنند، در حالیکه سراپا مسلح، جزء قاریان قرآن و فقیهان در دین اند. با این توصیف که پیشانی هایشان (از کثرت سجود) مجروح گشته و لباس های خود را جمع کرده (آمادگی کامل برای عبادت دارند) و نفاق وجودشان را فرا گرفته است و همه آنان چنین می گویند: ای پسر فاطمه برگرد نیازی به تو نداریم. آنگاه حضرت مهدی(ع) در پشت شهر نجف بر روی آنان شمشیر می کشد.

به هر روی این گروه نیز به دلیل هواهای نفسانی، نفاق درونی و با تعلق به جاهلان متنسک و عالمان متهتك، او را خارج از دین می شمارند؛ چرا که امام زمان(ع) کتاب جدید یعنی پیمان و قرائت جدیدی از اسلام و متضاد با منافع آنان ارائه می نماید. روشن

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۰۵.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۱۸۱.

۳. محمد بن جریر الطبری، دلائل الامامة، ص ۴۵۵-۴۵۶.

است که پذیرش کتاب جدید یعنی همان دین پسندیده الهی «**دِيَهُمُ الَّذِي أَزْتَضَى لَهُمْ**» (نور:۵۵) بر متحجران و متھتكان گرانبار و غیر ممکن خواهد بود.

ب: پیروزی

سرانجام پس از هشت ماه جنگ و درگیری و به دنبال پیوستن بسیاری از ملت‌ها به انقلاب جهانی مهدی(ع)، شکوهمندترین لحظات تاریخ فرامی‌رسد و انقلاب جهانی آن حضرت پیروز می‌شود.

پیروزی انقلاب جهانی مهدی(ع) به معنی بازگشت مجدد جهان به نظام احسن خلقت یعنی پیدایش دورهٔ دیگری است که آن را می‌بایست «عصر بهشت» در روی زمین نهاد. از آنجاکه در نظام احسن خلقت، اصل بر حق است، باطل نابود شدنی است و چون اصل بر اصلاح است، فساد از بین رفتني است، و چون اصل بر عدل است، ظلم نابود شدنی است،^۱ با غلبهٔ حجه ابن الحسن العسكري زیباترین، کامل‌ترین و باشکوه‌ترین قطعهٔ تاریخ بانابودی، ظلم و فساد و باطل، فرامی‌رسد.

اینک کسی رهبری جهان را بر عهدهٔ می‌گیرد که فراتر از بشر عادی است، تابع غرایز و امیال نیست. این شخصیت معصوم همچون انبیای بزرگ الهی، واجد همهٔ شرایط لازم برای برپایی دولت حق و عدالت در پایان تاریخ است.

تحقیق پیروزی در این انقلاب به مفهوم دسترسی همهٔ موجودات زنده - نه تنها انسان‌ها - به حق خوبی‌شتن است. به دنبال این دگرگونی بنیادین در زمین و زمان، وعدهٔ خداوند مبنی بر وراثت و امامت بندگان صالح و مستضعفان مؤمن به اجرا در می‌آید و امت جهانی به رهبری امام زمان(ع)، تحقق بخش قسط و عدل یعنی فلسفهٔ ارسال رسال و انتزال کتب از طرف خداوند خواهد بود.

عصر پیروزی انقلاب، عصر لذت بخش عبادت احرار و حاکمیت متقيان است. فلسفهٔ خلقت جن و انس یعنی عبادت خداوند. هم اينک به منصهٔ ظهور کامل می‌رسد و خدای

۱. مصاحبه حضوری نگارنده با حاجه الاسلام و المسلمين شمس لنگرودی امام جمعه ساقی شهرستان لنگرود استان گیلان، ۱۳۸۱/۴/۱۱ ساعت ۱۵-۱۰/۱۵ منزل امام جمعه.

بزرگ از سوی اولیاء و صالحان، ابرار و متقیان به شایستگی پرستش می‌شود. از دید شیعه با پیروزی انقلاب جهانی، آخرین دولت تاریخ که پس از آن دولتی نخواهد بود، محقق می‌شود. این دولت که بیش از همه با صفت عدالت همراه است، دولت اهل بیت پیامبر (ص) به ریاست امام حجه ابن الحسن عسکری (ع) است. امام صادق (ع) فرمود:

لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوَّلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَ دَوْلَةٌ فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَظَهَّرُ.^۱

برای هر مردمی دولتی است که فرا رسیدن آن را انتظار می‌کشند ولی دولت ما در آخر الزمان ظاهر می‌شود.

با پیروزی انقلاب جهانی مهدی (ع)، اسلام و قلمرو حکومت آن حضرت شرق و غرب عالم را فرامی‌گیرد.

پیروزی انقلاب جهانی مهدی (ع) به معنی آن است که انسان پایان تاریخ، انسان مسلمان عادل است، نه لیبرال و یا کمونیست یا صاحب مکاتب دیگر. این انقلاب، اسلام و حکومت عدل مهدوی را به عنوان عالی‌ترین نمونه حکومت در روی زمین، بر همگان آشکار می‌سازد.

رهبر انقلاب عدالت، همه اشکال ظلم در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی را پس از پیروزی نایبود می‌سازد و با تاکید بر جهان وطنی و جهان‌گرایی الهی، همه انواع نژادپرستی، ملی‌گرایی، منطقه‌گرایی و هر آنچه را که نافی عدالت است از بین می‌برد.

نظام سیاسی تحقق یافته بر اثر این انقلاب، دولت امامت است و تشوکراسی مهدوی حاکمیت خود را بر سراسر زمین تحکیم می‌بخشد. این نظام از مرکزیتی واحد، ایدئولوژی واحد و قانون اساسی واحدی برخوردار است. در این نظام مردم به حاکمان الهی خود عشق می‌ورزند و رابطه مردم با امام زمان (ع) رابطه‌ای دوستانه و عاشقانه است، آنان همچون زنبوران عسل در پناه ملکه، گوش به فرمان رهبر، تلاش می‌کنند و با عمل خود همه را شیرین کام می‌نمایند. پیامبر (ص) فرمود:

۱. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۶۱، ح ۹۳۴.

يأوی الی المهدی أئمۃ کما تأوی النَّخلُ الی يَغْشُوهَا^۱

امت مهدی(ع) به آن حضرت پناه می برند چنان که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می برند.

با پیروزی این انقلاب، کسی مزاحم آسایش دیگری نیست و هیچ خونی به ناحق ریخته نمی شود. در ادامه حدیث مذکور می خوانیم:

و يُسَيِّطُرُ الْعَدْلَ حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلُ، لَا يُوقَظُ نَافَّاً وَ لَا يُهْرِيقُ دَمًا.^۲

عدالت را در بهنۀ گیتی می گستراند و صفا و صمیمیت مثل بار اول را به آنها باز می گرداند. خفته‌ای را بیدار نمی کند و خونی را نمی ریزد.

با پیروزی انقلاب جهانی مهدی(ع)، بزرگترین اصلاحات تاریخ آغاز می شود، توسعه یافته ترین دولت در عمر بشر به ظهور می رسد، زمین از وجود ستم و ستمکاران پاک می گردد، اسلام اصیل احیاء می شود، زمین گنج های خود را آشکار می کند، نعمت و رفاه و عمران برای همه اقسام به طور مساوی تحقق می بابد و بشر به جهان ناشناخته یعنی، آسمان های هفتگانه و زمین های ششگانه، راه می یابد.^۳

دستاورد انقلاب جهانی مهدی(ع)، دولت کریمه‌ای است که از نگاه شیعه عالی ترین دولت در تاریخ است. در سایه این دولت، اسلام و اهل آن عزیز و سربلند، نفاق و پیروان آن، ذلیل‌اند. این دولت، کرامت دنیا و آخرت را برای مردم به ارمغان می آورد، فقر را ریشه کن می کند و همه استعدادهای بشر را شکوفا نموده، شخصیت‌های ارزشمند و نورانی پرورش خواهد داد.^۴

خلاصه سخن این است که دستاورد انقلاب جهانی مهدی(ع)، حکومتی است مورد رضایت همه مخلوقات هستی، اهل زمین، اهل آسمان و حتی پرندگان؛

امام صادق(ع) فرمود:

۱. همان، ص ۵۹۹، ح ۷۸۳.

۲. همان.

۳. نک: عصر ظهور، ص ۳۵۱-۳۷۰.

۴. نک: حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

یَرْضُى عن خلائقه أهل الأرض و أهلُ السَّمَاءِ و الطَّيْرُ فِي جَوَّ السَّمَاءِ.^۱

از خلافت او ساکنان زمین و آسمان و پرنده‌گان در هوا خشنودند.

از نگاه شیعه با پیروزی انقلاب جهانی مهدی(ع)، آخرین انقلاب تاریخ تحقق می‌یابد و پس از آن انقلابی نخواهد بود. حکومت جهانی آن حضرت تا قیام قیامت استمرار خواهد داشت.^۲

در ادامه کتاب جزئیات کامل‌تری از مرحله پس از پیروزی خواهد آمد.

پرسش

۱ - بیعت کنندگان با حضرت مهدی (ع) چه کسانی هستند؟

۲ - عنوان پرچم منجی آخرالزمان چیست؟

۳ - درباره مخالفان حضرت مهدی (ع) به اختصار توضیح دهید.

۴ - عصر پیروزی انقلاب مهدی (ع) را توصیف کنید.

۵ - دستاوردهای دولت مهدی (ع) را به اختصار ذکر کنید.

۱. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۴۹-۶۵۰، ح ۹۱۴

۲. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۶۲۸

آینده جهان در نگاه شیعه (۸)

ویژگیهای دولت مهدی (عج) (۱)

یکی از مباحث اساسی در نظر فیلسفان و متفکران ادیان و مکاتب، بحث درباره دولت جهان فردا است. نظرهای مختلفی در این رابطه وجود دارد. افرادی همچون فوکویاما و برخی دیگر از اندیشمندان دنیای معاصر، لیبرال دموکراسی را دولت آخرالزمان معرفی می‌کنند.

در این میان طرفداران تفکر سوسیالیستی، بر دولت سوسيال دموکراسی تأکید می‌کنند و برخی نیز به تبعیت از افکار مارکس و انگلیس، پایان تاریخ را عصر بی دولتی می‌دانند. شیعه معتقد است دولت دینی مهدی(ع)، دولت پایان تاریخ و دولتی جهانی است، نه ملی و منطقه‌ای، بنابراین فرضیه فقدان دولت در پایان تاریخ را به شدت نفی می‌کند.

الف: دولت مهدی(ع)، آخرین دولت

طبق آموزه‌های مكتب شیعه، همان‌گونه که انقلاب جهانی مهدی(ع)، آخرین انقلاب در جهان به شمار می‌رود، دولت مهدی(ع) که همان دولت ناب اسلام محمدی(ع) است، آخرین دولت در جهان و تاریخ می‌باشد. دولتی که تاقیامت به دست جانشینان آن حضرت تداوم یافته، دولت دیگری بعد از آن و یا به موازات آن نخواهد بود.

با پیروزی انقلاب جهانی مهدی(ع)، همه دولت‌های باطل در سراسر زمین از بین خواهند رفت. امام باقر(ع) (ابو جعفر) در رابطه با این سخن خداوند که می‌فرماید:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَقَقَ الْبَاطِلُ» (اسراء: ۸۱)، فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ.^۱

هنگامی که حضرت قائم(ع) قیام کند، دولت باطل نابود می شود.

دولت آن حضرت آخرین، بهترین و عالی ترین نمونه دولت در تاریخ است؛ دولت مهدی(عج) دولت متقین است. امام صادق(ع) در این باره می فرماید:

دَوْلَةُ اللَّهِ أَخْرُ الدُّولِ وَ خَيْرُ الدُّولِ، تَعْقُبُ جَمِيعِ الْمُلُوكِ بِحَيْثُ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَهُ، لَئِلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَهُ: إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا سِيرَةُ هُولَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.^۲

دولت او آخرين و بهترین دولت هاست که پس از پایان همه دولتها می آيد. هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای او مقدار باشد، جز اینکه پیش از او به حکومت می رسد، تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم، کسی نگویید اگر ما نیز به قدرت می رسیدیم، این چنین رفتار می کردیم و این است معنای کلام خدا که فرمود: عاقبت از آن پرهیزگاران است.

در روایت دیگری نیز از امام صادق(ع) مضمون حدیث مذکور بیان شده است:

مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ، يَعْنِي دُولَةُ الْمَهْدِيِّ، حَتَّى لا يَبْقَ صَنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وَلَوَّا مِنَ النَّاسِ، يَعْنِي بَاشْرَوْا الْحُكْمَ فِيهِمْ حَتَّى لا يَقُولَ قَاتِلٌ: إِنَّا لَوْ وَلَيْنَا لَعْدِلُنَا. ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ الْعَدْلِ.^۳

آری حکومت مهدی(ع)، آخرین حکومت در سطح جهانی است، پس از آن هیچ دولت و حکومتی نخواهد بود و پایان حکومتش قرین رستاخیز (قيامت) است.

پیامبر گرامی اسلام فرمود:

هَذِهِ الْأُمَّةُ مَرْحُومَةٌ فَنْهَا نَبِيُّهَا وَ مِنْهَا مَهْدِيُّهَا، بَنَانِ فَتْحٍ وَ بَنَانِ يَخْتَمْ... وَ لَنَا مُلْكٌ مُؤَجَّلٌ وَ لَيْسَ بَعْدُ مُلْكٌ...^۴

۱. منتخب الاثر، ص ۴۷۱، ح ۳.

۲. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۶۰، ۹۳۳.

۳. تاریخ ما بعد الظهور، ص ۱۲۲-۱۲۴.

۴. روزگار رهایی ج ۲، ص ۵۹۴، ح ۷۶۳؛ الملاحم والفتن، ص ۹۵؛ الصواعق المحرقة، ص ۹۷؛ نورالابصار، ص ۲۳۱.

این امت مورد رحمت الهی است. پیامبرش از خود او و مهدی اش نیز از خود اوست. این امر به وسیله ما آغاز شده و به وسیله ما پایان می‌پذیرد... و برای ما دولتی است که در آینده مقدّر است و پس از دولت ما دیگر دولتی نخواهد بود؛ زیرا ما اهل عاقبت هستیم و عاقبت از آن پرهیزگاران است.

امام باقر(ع) نیز هنگامی که هشام ابن عبد الملک و اطرافیانش، در مجلس خود، امام را سرزنش کردند بر دولت پایدار شیعه در پایان تاریخ تأکید فرمود:

إِلَيْهَا النَّاسُ، إِنَّمَا تَذَهَّبُونَ، فَإِنْ يَكُنْ لَكُمْ مُلْكٌ مُعَجَّلٌ فَإِنَّ لَنَا مُلْكًا مُؤَجَّلًا وَ لَيْسَ بَعْدَ مُلْكِنَا مُلْكٌ.^۱

ای مردم، کجا می‌روید، اگر شما دولت زودگذر دارید، دولت پایدار از آن ماست و پس از دولت ما دولتی نخواهد بود.

امام صادق(ع) نیز می‌فرماید:

لَيْسَ بَعْدَ دُولَةَ الْقَاتِلِ (ع) لِأَحَدٍ دُولَةً.^۲

بعد از دولت قائم(ع)، برای احدهی دولتی مقدّر نشده است.

آن حضرت در حدیث دیگری، پایان دولت مهدی(ع) را نزدیک قیامت با فاصله چهل روز اعلام می‌کند.^۳

إِنْتَهَاءُ مُلْكِهِ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ.^۴

همه این احادیث، اثبات کننده این مطلب است که دولت پایان تاریخ، دولت عدل مهدوی است و خط بطلان بر همه نظریه‌هایی می‌کشد که دولتی غیر الهی را به عنوان بهترین و عالی‌ترین شکل حکومت بشری، در آخر الزمان معرفی می‌کنند.

۱. روزگار رهابی، ج ۲، ص ۵۹۵، ح ۷۶۶.

۲. همان، ص ۶۶۱، ج ۹۲۵.

۳. همان، ۹۳۸.

۴. همان، ۹۳۵.

ویژگی مهم این دولت، جهانی (global) بودن آن است.

تشکیل یک حکومت جهانی، اگر در گذشته دور از ذهن می‌نمود، امروزه به دلیل وجود زمینه‌های نظری و عملی آن در جهان، معقول و منطقی و خواست بسیاری از مردم جهان است. علاوه بر دیدگاه‌های نظری بشر در سطح عملی، گام‌های مهمی در این زمینه برداشته است. تأسیس سازمان ملل متحد، شورای امنیت، پلیس بین‌الملل، دادگاه جهانی لاهه، بانک جهانی و سایر سازمان‌های بین‌المللی، نمونه‌ای از اقدامات است، که انسان‌ها در انتظار اجرای بنیادی ترین خواست فطری خود یعنی عدالت از سوی آنها هستند. البته این سازمان‌ها به دلیل حاکمیت نفسانیات، تاکنون نتوانسته‌اند تشنگی مردم جهان جهت اجرای عدالت را فرو بنشانند. یک احتمال این است که مهدی(ع)، با اصلاح سازمان‌های مذکور و نصب انسان‌های صالح و متقدی، عدالت را در جهان گسترش داده، حکومت واحد جهانی خود را استوار سازد.

طبعی است که حکومت جهانی واحد نیاز مند رهبری معصوم، دانا و لایق است تا همه بشر رهبری او را پذیرند، همچنین وجود قانون اساسی جهانی بر اساس «کتاب جدید»ی که مورد قبول همه جهانیان باشد، ضروری است.

از نظر شیعه، امام حجۃ ابن‌الحسن عسکری همان رهبر معصوم و مورد قبول همه جهانیان است که با تفسیر و تأویل حقیقی قرآن، نظام قانونگذاری و قضایی عدالت را به همه جهانیان ارائه خواهد کرد و با اجرای قوانین عدل، جهان عدل به ثمر خواهد نشست. واپسین انسان در تاریخ، مهم‌ترین ویژگی اش عدالت‌خواهی است. آخرین انسان، انسان عادل است، که اشکال ظلم و جور در همه ابعاد، در سطح فردی و اجتماعی رانفی خواهد کرد. انسان عادل، حقوقی همه افراد را برابر به رسمیت شناخته، برای او رنگ و قوم و نژاد و جنسیت عامل تبعیض نیست.

انسان پایان تاریخ، انسان خدای پرست و عبد صالح الهی است. او با توجه به عقل شکوفا و علم و دانش بسیار بالا نسبت به انسان‌های ما قبل آخر الزمان یک انسان کامل است.

ب: نوع دولت یا نظام سیاسی

دولت‌ها از نظر شکل و محتوا انواعی دارند: نظام سلطنتی (مطلقه یا مشروطه)، جمهوری دموکراتیک، سوسیالیستی، اسلامی و مانند آن. دولت مهدی(ع) از کدام نوع است؟ آیا مشابه رژیم‌های سیاسی مذکور است و یا اساساً متفاوت از آنهاست؟ ویژگیهای این نظام، آنچنان که از روایات برمی‌آید به قرار زیر است:

- ۱- در رأس دولت، امام معصوم قرار دارد که انتخاب مردم نیست، اما مشارکت سیاسی در آن فراگیر از طریق بیعت عمومی با امام وجود دارد؛
- ۲- مأموریت یا وظیفه اصلی این دولت برقراری عدل در جهان است؛
- ۳- دولت مذکور، اسلام را با تمام جزئیاتش به اجراء در خواهد آورد؛
- ۴- کارگزاران این دولت را افراد مؤمن صالح تشکیل می‌دهند، که منصوب از طرف امام زمان(ع) هستند و نه منتخب مردم؛

۵- دولت مذکور یک دولت جهانی است و نه ملی یا منطقه‌ای، نژادی یا قومی. بدین ترتیب، دولت پایان تاریخ از نظر شکل مشابه هیچ یک از نظام‌های سیاسی موجود نیست ولی از نظر محتوا، حکومتی دینی یعنی اسلامی است.

نظام سیاسی آخر الزمان، «دولت امامت» است که ما از آن به «نظام یا دولت امامی» تعییر می‌کنیم. عنوان دیگر آن، «دولت عدل» و «دولت حق» است.

حاکمیت اصلی و مرجع اقتدار در این نظام خداوند است. دولت امامت است، چون عالی‌ترین تصمیم‌گیرنده در آن یعنی رهبری از سوی خداوند منصوب شده است. دولت عدل است، چون بنیادی‌ترین وظیفه آن پر کردن زمین از عدل و قسط، پس از حاکمیت فraigیر ظلم و جوراست. دولت حق است چون، با ظهرور آن همه دولت‌های باطل نابود می‌شوند و دولت عشق است چون، مردم به آن حضرت عشق می‌ورزند و اهل زمین و آسمان و پرندگان نیز او را دوست دارند.

در حکومت مذکور، استبداد فردی یا حاکمیت گروهی جایی ندارد و انتخاب مردمی، مشروعيت بخش نیست، گرچه در فعلیت و پذیرش آن نقش دارد. اساس نظام امامت، این واقعیت و حقیقت است که مالک، حاکم و صاحب اختیار

همه، خداست؛ حکومت مختص اوست، قانون و شریعت و برنامه دولت، از جانب او باید تعیین شود. هیچ کس بدون اذن او حق حکومت ندارد و حتی در وجود خود نیز در حد اذن او اختیار و حق مداخله دارد. این نظام، نظام سلطه، توسعه طلبی، جاهطلبی و تأمین منافع یک فرد یک حزب یا یک ملت و تصرف بازارهای دیگران نیست. فایده و فلسفه‌ای که در این نظام از حکومت منظور است، اقامه دین، اجرای برنامه‌های اسلام، عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، ترقی و رشد فکری، تهذیب نفوس، تکمیل افراد در معارف، علم، عمل و عمران زمین، تأمین رفاه و آسایش تمام بندگان خدا و متّحد کردن مردم است.^۱

در این نظام بالاترین مرجع سیاسی، همان عالی‌ترین مرجع دینی است، قانون دستور شرع است و ساختار دولت بر اساس امام - امت واحد جهانی استوار گردیده که در رأس آن امام زمان(ع) و در مراحل^۱ بعدی اصحاب خاص آن حضرت، مؤمنان، صالحان مستضعف و مردم قرار دارند. حکومت در این نظام جنبه قدسی دارد و مخالفت با آن علاوه بر مجازات‌های دنیوی، عقاب اخروی داشته، اطاعت نیز علاوه بر پاداش دنیوی، پاداش اخروی دارد. رئیس دولت به دلیل ولايت شرعی از اختیارات مطلقه در چارچوب شرع برخوردار است. هر نوع جدایی بین دین و سیاست در آن مردود است.

همان گونه که قبل^۲ نیز یادآور شدیم، عدالت عالی‌ترین هدف این نظام سیاسی است که در حدیث مشهور و متواتر از پیامبر(ص)، بارها تکرار شده است. دولت در این نظام علاوه بر امنیت فیزیکی، امنیت روانی و عاطفی جامعه و افراد را تأمین می‌کند.

از نظر فرهنگی، دولت امامت، مروج نظام تک فرهنگی (monocultural) در جهان است و تنها فرهنگ اسلام، یعنی اساس همه فرهنگ‌های اصیل دینی ترویج خواهد شد. با توجه به اینکه خداوند اراده کرده است تا دین حق یعنی اسلام را برابر همه ادیان پیروز گردداند (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)، نظام امامی در خدمت چنین فرهنگی است.

از نظر اجتماعی نیز، نظام سیاسی مهدوی، در پی ایجاد وحدت اجتماعی در سراسر

۱. امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۲۰۲.

جهان است. روشن است به دلیل وحدت فرهنگی حاکم بر جهان، با توجه به توسعه محیرالعقل وسائل ارتباط جمعی و رشد و توسعه اقتصادی، هر نوع اختلاف و شکاف اجتماعی توسط این نظام از بین می‌رود و وحدت اجتماعی در کل گیتی استقرار خواهد یافت. در بعد علمی، به دلیل هماهنگی عقل و وحی (هادی درونی راهنمای بیرونی)، وحی الهی، عقل بشری را شکوفا و زیربنای علم در جهان را دگرگون خواهد کرد. علم به کمال خود می‌رسد. امام صادق(ع) فرمود:

علم ۲۷ حرف است، تمام آنچه پیامبران تا امروز آورده‌اند فقط دو حرف از علم است. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف باقیمانده را خارج ساخته در میان مردم می‌پراکند.^۱

امام باقر(ع) نیز فرمود:

زن در خانه‌اش بر اساس کتاب خدای تعالی و سنت رسول خدا(ص) قضاوت می‌کند.^۲

پیشرفت علم در این نظام تابه آنجاست که مؤمن از علم برادر مؤمنش بی‌نیاز می‌شود.^۳

بنابراین، نظام امامی پایان تاریخ، یک نظام عقلانی است و عقل در آن همچون علم به کمال می‌رسد. امام باقر(ع) فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمًا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُئُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ هِبَا عَقْوَلَهُمْ وَكَمَلَثَ بِهِ أَحَلَامَهُمْ^۴

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و بدان وسیله عقل‌های آنها را جمع و افکار ایشان را کامل می‌کند.

در بعد اقتصادی نظام امامی دولت رفاه و آسايش، دولت کرامت و برکت است. دولتی که در آن فقر و بینوایی وجود نداشته، مستحق صدقه یافت نمی‌شود و آنچنان شکوفایی اقتصادی و همه جانبه وجود دارد که مردگان آرزو می‌کنند دوباره به دنیا برگردند.^۵

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. همان، ص ۲۵۲.

۳. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۲۶.

۴. منتخب الاثر، ص ۴۸۳.

۵. همان، ص ۱۴۶.

به هر روی در دولت امام زمان(ع)، شکاف طبقاتی، دو قطبی شدن جامعه، تقسیم جهان به شمال و جنوب، فقیر و غنی و جهان اول و دوم و سوم و چهارم وجود ندارد. ضربات زیست محیطی که بشر در ادوار گذشته بر پیکر طبیعت وارد کرده است و فسادی که در بَرْ و بَحْر^۱ در پی اعمال دولت‌های ظالم در گذشته ایجاد شده است، همه و همه از بین رفته، زمین حیات مجدد یافته، از نو زنده می‌شود و همه گنجها و نعمات خود را برای بشر عرضه می‌دارد.

از آنجاکه این دولت، دولت متقین است و امت این دولت، اهل ایمان و تقوایند، برکات‌های از آسمان و زمین بر آنها گشوده می‌شود:

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَىٰ آمَّوْا وَ أَتَّقَوْا لَفَتَّخْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٌ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ.

رهبر این نظام از لحاظ سیره شخصی، همچون پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) عمل می‌کند. یعنی همچون مردم عادی زندگی می‌کند، مثل آنان راه می‌رود و رفتار می‌کند. مانند آنان لباس می‌پوشد، بر مرکبی که آنان سوار می‌شوند، او نیز سوار می‌شود و به کم قانون است و در سختی‌ها با مردم شریک است.^۲

نظام امامت مهدوی، یک رژیم جدید است. چون آن حضرت با کتاب جدید، امر جدید، سلطان جدید و قضاء جدید می‌آید.

دولت‌هایی که امروزه دولت مدرن نام گرفته‌اند و یا در آینده نام خواهند گرفت، در مقایسه با نظام مهدوی، قدیمی‌اند.

دولت امامت، دولت شایستگان است، در رژیم امامی، اصل شایسته سالاری(miritocracy) به نحو احسن به اجرا درمی‌آید و در آن خویشاوندگرایی، باندگرایی، حزب‌گرایی و مانند آن راهی ندارد. زمین به دستور خداوند ارث صالحان است.^۳

دولت امامت، دولتی تک ساختی مبتنی بر مادیت نیست، بلکه امور مادی و معنوی در کنار هم مورد توجه دولتمردان است.

۱. روم (۳۰)، آیه ۴۱.

۲. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۳۶۱-۳۶۰.

۳. سوره انبیاء، (۲۱) آیه ۱۰۵.

قانون اساسی این دولت، قانون اساسی عدالت است و همه اشکال نژادپرستی، ملی‌گرایی و منطقه‌گرایی را نفی می‌کند.

در این دولت، معیار برتری افراد در ایمان و تقوی^۱، علم و دانش^۲ و جهاد فی سبیل الله^۳ است. استبداد اکثریت وجود ندارد و منافع اقلیت به دلیل حاکمیت اکثریت پایمال نمی‌شود. در دولت عدالت هیچ گونه ظلمی نسبت به شخصی، گروه یا ملتی راه ندارد.

در نظام امامت مهدوی، هر نوع گرایش قومی مردود است. نباید تصور کرد چون امام زمان(ع) از قوم عرب است، عرب‌ها بر سایر اقوام برتری داده می‌شوند. روایات شیعه به شدت این را نفی می‌کند. برخورد او با اعرابی که در مقابل حکومتش می‌ایستند، بسیار شدید و خونین است، در روایات می‌خوانیم:

عن أبي بصير، قال: قال أبو جعفر(ع):

يقوم القائم بأمر جديده... على العرب شديد، ليس شأنه الا السيف... و لا يأخذه في الله لومة لائم.^۴

ابو بصیر از امام باقر(ع) نقل می‌کند که فرمود: قائم(ع) با امر جدیدی قیام می‌کند... نسبت به عرب باشد برخورد می‌کند و شأن او جز شمشیر نیست... و در راه خدا از سرزنش، سرزنش‌گری باک ندارد.

در حدیث دیگری نیز از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود:

هنگامی که قائم(ع) خروج کند، بین او و عرب و قریش جز شمشیر نخواهد بود....^۵

خلاصه سخن این است که دولت امامت، دولت حق و عدل است، در این دولت رهبری و ارکان نظام یعنی قوای مقننه، مجریه و قضائیه، قانون عدل، اجرای عدل و قضاؤت عدل را اساس کار خود قرار داده‌اند.

۱. سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.

۲. يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آتَيْنَا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُتْهَا الْعِلْمُ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ حَبِير (مجادله: ۱۱)

۳. سوره نساء، (۵)، آیات ۹۶-۹۵.

۴. التعمانی، الغيبة، ص ۱۲۲.

۵. همان.

ج: ویژگی وزرا و حاکمان

بامطالعه روایات، چهار ویژگی زیر برای حاکمان و وزراء منصوب در دولت جهانی آخر الزمان آشکار می‌شود:

- ۱- وزرای دولت، عجم هستند و نه عرب؛
 - ۲- به زبان عربی سخن می‌گویند؛
 - ۳- از لحاظ ایمانی، خالص ترین افراد هستند؛
 - ۴- از لحاظ شایستگی، فاضل ترین و متخصص ترین افراد هستند.
- پیامبر(ص) در این رابطه فرموده است:

وزراء المهدی من الأغاجِ، ما فيهم عَرَبٌ. يتكلمون العربية و هم أخلص الوزراء و أفضل الوزراء.^۱

در کنار انتصاب وزیران کایینه دولت، حضرت مهدی(ع) اصحاب خود را به عنوان حکام به شهرها و کشورهای مختلف می‌فرستد و به آنان سه مأموریت اساسی زیر را بлаг می‌کند:

- ۱- اجرای عدالت در بین مردم؛
- ۲- احسان و نیکی به مردم؛
- ۳- عمران و آبادانی در شهرها و بلاد.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

يَقِيقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْأَرْضَ وَ يَأْمُرُهُمْ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ يَنْهَاكُمُ الْمُكْرَهُونَ حُكَّامًا فِي الْأَقْالِيمِ وَ يَأْمُرُهُمْ بِعُمَرَانِ الْمُدُنِ.^۲

مهدی(ع)، یارانش را در همه سرزمین‌ها پرآکنده می‌کند و به آنها دستور می‌دهد تا عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان قرار داده، به آنان فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند.

۱. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۵۹۹، ح ۷۸۲. البته در بین اصحاب از برادران عرب وجود دارد.

۲. همان، ص ۶۵۰، ح ۹۱۵.

آن حضرت باز می فرماید:

يَنْقُضُ إِلَى أَمْرَائِهِ بِسَائِرِ الْأَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ.^۱

واليان خود را به شهرها می فرستد و دستور می دهد که عدالت را در میان مردم اجرا کنند.

در روایات دیگری به نحوه اخذ دستور العمل ها و فرامین حکومتی توسط حاکمان دولت پایان تاریخ، از رئیس حکومت اشاره شده است. امام باقر(ع) در این زمینه می فرماید:

هنگامی که قائم(ع) قیام کند، برای هر کشوری از کشورهای جهان فرمانروایی بر می گریند و به او می گوید: دستور العمل تو در کف دست تو می باشد. هر گاه حادثه ای بر تو روی می دهد که حکم آن را بلد نباشی و طرز داوری در آن راندانی، به کف دست نگاه کن، هر چه در آن منعکس است بر آن عمل کن.^۲

بنابراین سیستم حکومتی در دولت پایان تاریخ، بسیط^۳ است و از مرکزیت واحد، دولت جهانی اداره می شود، حاکمان از آنجا به کشورها گسل می شوند. در عین حال دارای واحدهای سیاسی مشخص و مجزاء است. این واحدها هر کدام دارای حاکمی خاص است. شاید بتوان گفت دولت پایان تاریخ علاوه بر مرکزیت حکومت که منطقه عراق و خاورمیانه به پایتختی کوفه یا نجف است، دارای ۳۱۳ واحد سیاسی مجزاء یا کشور خواهد بود. توضیح اینکه در حدیث امام صادق(ع) که از پراکنده کردن اصحاب سخن می گوید، اشاره می شود که آنان را به عنوان حاکمان در اقالیم قرار می دهد و در حدیث امام باقر(ع) آمده است که برای هر کشوری از کشورهای جهان فرمانروایی بر می گریند. همچنین نحوه اخذ دستور العمل از حکومت مرکزی حکایت از پیشرفت فوق العاده و سایل ارتباطی دارد.

گرچه امروزه اختراع و سایل پیشرفت ارتباطی نظیر تلفن های همراه و مانند آنها در ک

۱. همان، ح. ۹۱۶

۲. همان، ص. ۶۳۲، ح. ۸۶۰

مسئله را آسان کرده است، اما اینکه چگونه می‌توان با نگاه کردن به کف دست دستور العمل را در کمترین مدت زمانی دریافت داشت، باید منتظر آینده بود.
شایان ذکر است که بنابر سخن امام صادق(ع)، سیاست امام زمان(ع) نسبت به وزراء، حاکمان و کارگزاران حکومتی، سختگیری است:

شدید علی العمال.^۱

پرسش

- ۱ - آخرین دولت تاریخ کدام است؟ حدیثی در این زمینه ذکر کنید.
- ۲ - پایان دولت مهدی (عج) چه زمانی است؟ یک حدیث در این باره بنویسید.
- ۳ - درباره نوع دولت یا نظام سیاسی پایان تاریخ به اختصار توضیح دهید.
- ۴ - چهار ویژگی وزراء و حاکمان منصوب از سوی حضرت مهدی (عج) را بنویسید.
- ۵ - مأموریت‌های اساسی حاکمان منصوب از سوی حضرت مهدی (عج) را بیان کنید.

آینده جهان در نگاه شیعه (۹)

ویژگیهای دولت مهدی (عج) (۲)

الف: مرکز حکومت جهانی عدالت

مرکز حکومت جهانی قائم (عج)، طبق روایات، کوفه است. آن حضرت همچون جدش رسول خدا (ص) و امیر المؤمنین (ع)، ادراة امور جهانی را از مسجد اعظم شهر رهبری می‌کند و محل سکونت آن حضرت نیز در همین شهر خواهد بود. روزی از روزها، امام صادق (ع)، در نقطه‌ای پشت کوفه دو رکعت نماز گزارد و به یار باوفایش ابان بن تغلب فرمود:

(هذا) مَوْضِعُ مَنْزِلِ الْقَائِمِ (ع)؛ اینجا مکان، خانه قائم (ع) است.

و باز فرمود:

دَارُ مُلْكِ الْكُوفَةِ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَ بَيْتُ سَكِّينَهِ وَ بِيَتُ مَالِهِ وَ مَقْسُمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ، مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ، الذِّكْوَاتُ الْبِيَضُ مِنَ الْغَرَبَيْنِ^۱
مرکز حکومت او کوفه است و مرکز حکم و قضاوی او مسجد اعظم کوفه است. محل زندگی و مرکز بیت المال و محل تقسیم غنایم جنگی مسجد سهل است و محل خلوت او، تپه‌های سفید و نورانی نجف اشرف.

در حدیث دیگری باز امام صادق (ع) می‌فرماید:

۱. همان، ص ۶۵۴، ح ۹۲۲.

۲. همان، ص ۶۵۵-۶۵۶، ح ۹۲۳.

گویی قائم(ع) را با چشم خود می‌بینم که با اهل و عیالش در مسجد سهله فرود می‌آید. آنجا منزل حضرت ادريس(ع) است. آنجا منزل حضرت ابراهیم خلیل الرحمن است. خداوند هیچ پیامبری نفرستاده جز اینکه در مسجد سهله نماز گزارده است. آنجا منزل حضرت خضر(ع) است. کسی که در آنجا اقامات کند همانند کسی است که در خیمه حضرت رسول(ص) اقامات کند. هیچ مرد و زن مؤمن یافت نمی‌شود جز اینکه دلش به سوی آن مسجد کشیده می‌شود. در هر شب و روز فرشتگان به سوی این مسجد می‌شتابند و در آنجا به پرستش حق تعالی می‌پردازند.^۱

در روایات همچنین از عمران با شکوه کوفه در دولت حق و بالا رفتن ارزش زمین در آن سخن رفته است به گونه‌ای که یک وجب زمین آن معادل یک وجب شمش طلا می‌رسد و سفارش شده است هر کسی که در کوفه خانه یا ملکی دارد، شدیداً مواظب باشد که آن را از دست ندهد.

همچنین در آن دوره، کوفه و نجف به همدیگر متصل خواهند بود و امام زمان(ع) مسجد بسیار بزرگی در آن بنا می‌نمهد که به روایتی ۵۰۰ درب و روایتی دیگر هزار باب خواهد داشت.^۲

ب: قلمرو حکومت جهانی مهدی(عج)

جهانی بودن حکومت حضرت مهدی(ع) بدین مفهوم نیست که امام(ع)، تنها بخش مهمی از جهان را در اختیار خواهد داشت، بلکه قلمرو حکومت ایشان تمامی عالم خواهد بود. بر اساس روایات، قلمرو حکومت آن حضرت از مکه، مدینه، کوفه و نجف شروع می‌شود و تمام جهان را فرامی‌گیرد. اخباری که اعلام می‌دارد اسلام به دست آن حضرت جهانگیر خواهد شد و روایاتی که از پر کردن جهان از عدل و قسط حکایت دارد و یا اینکه قلمرو حکومت آن حضرت به حکومت ذو القرنین تشبیه شده است، همه حاکی از آن است که قلمرو حکومت آن حضرت شرق و غرب عالم است.

۱. همان، ص ۶۵۴-۶۵۳، ح ۹۲۱.

۲. همان، ص ۶۵۵، احادیث ۹۲۶، ۹۲۵، ۹۲۴ و ص ۶۱۱-۶۱۲، ح ۸۱۸ و ۸۱۹، ص ۶۲۶، ح ۸۴۶.

طبق روایات نام برخی سرزمینها که آن حضرت آنها را فتح می‌کند، عبارتند از: روم، چین، ترک، دیلم، سند، هند، کابل شاه، خزر و... این اخبار متواتر و قطعی الصدورند. همچنین قلمرو حکومت ایشان شامل جنیان نیز می‌شود.^۱

در حکومت آن حضرت قریه‌ای نمی‌ماند مگر آنکه در آن ندای لا اله الا الله بلند می‌شود. دوگانگی‌ها از جهت اختلاف نظامات، حکومت‌ها و رژیم‌ها به اسم نژاد، وطن و مانند آن ملغی شده، مرزهای ایجاد شده بین ملت‌ها و دولت‌ها برداشته می‌شود. ابن بکیر از ابو الحسن (امام موسی بن جعفر(ع)) در مورد آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» (آل عمران: ۸۳) پرسید. حضرت، آن را به دوره امام زمان(ع) نسبت داد؛ به این معنی که قلمرو حکومت او همه عالم را فرامی‌گیرد.^۲ امام صادق(ع) نیز در مورد آیه یاد شده، همین تعبیر را دارد. امیر المؤمنین علی(ع) نیز در تفسیر آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينَ الْحَقِّ لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الْأَدِينَ كُلَّهُ» (توبه: ۲۳ وصف: ۹)، همین معنا یعنی فراگیری قلمرو حکومت آن حضرت را بیان می‌کند.^۳

رسول اکرم(ص) نیز فرمود:

لیدخلنَّ هذا الدين على ما دخل عليه الليل.^۴

این دین، حتماً بر هر آنچه (و هر آنجا) که شب آن را فرامی‌گیرد، مسلط می‌شود.

این حدیث نشانگر فراگیری اسلام، گسترش قلمرو حکومت امام زمان(ع) و فراگیری عدل مهدوی همچون خورشید تابناک آسمان امامت بر سراسر جهان تاریک و ظلمانی است. ابو جعفر (امام باقر(ع)), نیز در رابطه با آیه **الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ** (حج: ۴۱) فرمود:

هذه لآل محمد(ص): المهدی و اصحابه يملکهم الله مشارق الارض و مغاربها.^۵

۱. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۴۵۱-۴۶۲.

۲. تجلی توحید در نظام امامت در کتاب بقیة الله، ص ۴۷-۴۹.

۳. همان.

۴. همان.

۵. منتخب الاثر، ص ۴۷۰، ح ۱.

این آیه درباره آل محمد(ص) است؛ مهدی و اصحابش. خداوند مشرق‌های زمین و مغرب‌های آن را در قلمرو مهدی(ع) و اصحابش قرار می‌دهد.

در حدیث دیگری امام صادق(ع) درباره آیه **قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْتَعِذُ الظَّالِمُونَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ** (سجده: ۲۹) فرمود:

يوم الفتح، يوم تفتح الدنيا على القائم(ع)...^۱

روز پیروزی (فتح) روزی است که کل دنیا برای حضرت مهدی(ع) فتح می‌شود.

ج: مدت حکومت حضرت مهدی(ع)

روایات صراحة دارند که دولت آخرین دولت مهدی(ع) در جهان است و نقطه آغاز قیام، منطقه انقلاب، همچنین مرکز حکومت جهانی و قلمرو آن را به روشنی مشخص کرده‌اند. اما، در رابطه با مدت حکومت آن حضرت اختلاف بسیار است.

مدت حکومت حضرت مهدی(ع) از هفت، هشت سال، هفت سال معادل ۷۰ سال امروزی تا هفده سال، نوزده سال و چند ماه، سی و نه سال، چهل سال، هفتاد سال تا ۳۰۹ سال برابر با مدت زمان توقف اصحاب کهف در غار، ذکر شده است. برخی از روایات نیز مدت آن را تا قیامت امتداد می‌دهد و به صراحة بیان می‌دارد که پس از پیروزی آن حضرت، دولت دیگری در جهان نخواهد بود.^۲

گفتنی است که در برخی از روایات، سالها، ده برابر در نظر گرفته شده است؛ یعنی به دلیل کند شدن حرکت فلک، هر سال معادل ۱۰ سال فعلی می‌شود. همچنین در برخی از روایات به روزهای طولانی رستاخیز که قرآن هر روز آن را معادل ۵۰/۰۰۰ سال از سالهای دنیا دانسته، استشهاد شده است.^۳

در حدیثی از قول رسول اکرم(ص) نقل شده است:

۱. همان، ح.

۲. نک: روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۰۱، ح ۷۹۱ و ص ۶۰۴، احادیث ۷۹۸ و ۸۰۱، ۷۹۹ و ۸۳۴ و ص ۶۳۴.

احادیث ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵ و ص ۶۲۵، ح ۸۶۶ و ۸۶۷.

۳. همان، ص ۶۳۵.

یعيش فیهم سبع سنین او ثمانیاً او تسعیاً، يَتَّقُّنُ الْحَيَاةُ الْمُوَاتَ لِيَرَوَا الْعَدْلَ وَ
الْطَّمَانِيَّةَ.^۱

هفت یا نه سال در میان آنها زندگی می‌کند. زنده‌ها آرزو می‌کنند که‌ای کاش نیا کانشان زنده بودند و آن عدالت و آرامش را می‌دیدند.

به منظور جلوگیری از طولانی شدن بحث همه روایات رائق نمی‌کنیم. در کنار روایت مذکور، روایت زیر مدت حکومت آن حضرت را تقيامت می‌داند.

مفضل بن عمر از امام صادق(ع) در این باره می‌پرسد:

مولایم مدت حکومت آن حضرت چقدر است. امام صادق(ع) در پاسخ به آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ سوره هود (فَنَهَمْ شَقٌّ وَ سَعِيدٌ... عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْدُوذٌ) اشاره نموده، می‌فرماید: وَ الْمَجْدُوذُ الْمُقْطُوعُ أَى عَطَاءٌ غَيْرٌ مَقْطُوعٌ عَنْهُمْ، بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَ مَلْكٌ لَا يَنْفَدُ وَ حَكْمٌ لَا يَنْقَطُعُ وَ أَمْرٌ لَا يَبْطَلُ إِلَّا بِاختِيَارِ اللَّهِ وَ مُشِيتِهِ وَ ارَادَتِهِ، الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ؛ ثُمَّ الْقِيَامَةُ وَ
ما وَصَفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ.^۲

معنای مجذوذ در آیه مقطوع است، یعنی بخشش بدون قطع، بلکه دائمی است و حاکمیت آن حضرت فناناً پذیر است و حکومت او قطع نمی‌شود و فرمان او باطل نمی‌شود، مگر آنچه خداوند بر اساس خواست و اراده‌اش اختیار کند و آن را هم جز خدا نمی‌داند، پس از آن قیامت می‌آید و آنچه خداوند در قرآن در وصف قیامت گفته است.

در حدیثی قدسی نیز رسول الله(ص) از قول خداوند نقل می‌کند:

وَلَأُ دَأْوِنَ الْأَيَامَ بَيْنَ اُولَيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۳

هر آینه ایام [حکومت حضرت مهدی(ع)] را بین اولیاء خودم تا روز قیامت تداوم خواهم بخشید.

بدین ترتیب پذیرش مدت زمان کوتاه ۷ یا ۸ سال برای حکومت آن حضرت با توجه به

۱. همان، ص ۶۰۱، ح ۷۹۱

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۴-۳۵

۳. نک: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۶۲۰-۶۲۲

مقدمه طولانی انتظار، بسیار مشکل است. اما عقل، طولانی بودن مدت حکومت را به خوبی می‌پذیرد.

در این میان می‌بایست بین دو نکته تأمل کرد: یکی مدت عمر آن حضرت در دنیا پس از ظهرور و دیگری ادامه دولت آن حضرت به وسیله دیگران.

شهید صدر ثانی در کتاب «تاریخ ما بعد الظهور» می‌گوید اکثر اخباری که بر طولانی بودن دلالت دارند، مربوط به حکومت آن حضرت هستند و نه عمر ایشان. البته برخی از اخبار از غیر معصوم نقل شده، برخی نیز خبر واحدی است که قرینه مؤید ندارد، از جمله ۳۰۹ سال.

با این همه مدت هفت سال در برخی روایات تکرار شده و مشهور است، اما به حد تواتر نمی‌رسد. برخی نیز همه روایات را قبول کرده به جمع قایل شده‌اند، به این معنی که زمان‌های متعدد ذکر شده، حاکی از مراحل متعدد زندگی و حکومت آن حضرت بعد از ظهرور است.^۱

بر این اساس یا باید گفت که اجرای عدالت در جهان طی سه مرحله مقدماتی (۸۷-۳۰-۴۰ ساله) و نهایی (۳۰۹ ساله و بیشتر) به اجرا در می‌آید، یا اینکه هم چنان که شهید صدر ثانی معتقد است، چون مأموریت اصلی حضرت مهدی (ع) «تأسیس جامعه انسانی عادلی» است که قابلیت بقاء تا پایان داشته باشد و این کار طی مدت کوتاه نیز مقدور می‌باشد، بگوییم همان کمتر از ده سال صحیح است.^۲

اما این نکته مسلم است که بقاء آن حضرت، حداقل تا آنجاست که او لاً: جهان را پر از عدل و قسط کند، و ثانیاً: عدل و قسط را در سطح جهانی نهادینه کند تا دوباره به عصر ظلم باز نگردد. ممکن است که فتح جغرافیایی جهان در مدت کمتر از ده سال به نتیجه برسد. اما شاید تربیت و تحول انسان‌ها به انسان‌های الهی و عادل نیازمند مدت زمان طولانی‌تری باشد.

۱. همان.

۲. همان.

تداوم حکومت آن حضرت تا قیامت نیز حتمی است. با توجه به روایاتی که به مسئله جانشینان آن حضرت یا حکومت امامان معصوم پس از رجعت اشاره دارد، می‌توان گفت که امام زمان(ع)، پس از انجام مأموریت الهی خود، پیروزی کامل حق و نهادینه کردن عدالت در سطح جهان، طبق مصلحت و سنت الهی به دیدار خدا خواهد شتافت، اما حکومت جانشینانش تا قیامت تداوم دارد. بر این اساس مدت حکومت آن حضرت تا ظهور قیامت خواهد بود.

د: جانشینان حضرت مهدی (عج)

در روایات آمده است که حضرت مهدی(ع) پس از اجرای مأموریت الهی خود در مدت ۸۷ یا ۹ سال که معادل هفتاد، هشتاد و نود سال امروزی است، بر اساس قاعدة «کل نفس ذاته الموت» (عنکبوت: ۲۹) به دیدار خدا می‌شتابد. در برخی از روایات نیز به شهادت آن حضرت اشاره شده است. پرسش این است که رهبری پس از مهدی(ع) چگونه است؟ در این زمینه روایات به دو نکته اشاره دارند.

الف - رجعت، به معنی بازگشت امامان معصوم(ع) به دنیا، جهت ادامه حاکمیت پس از حضرت مهدی(ع).

ب - حکومت اولیاء صالح که دوازده مهدی پس از حجۃ ابن الحسن العسكري، نظام آن حضرت را تداوم خواهند بخشید.^۱

در بحث رجعت که یکی از اعتقادات شیعه دوازده امامی است، این معنی منظور است که خداوند هنگام ظهور حضرت مهدی(ع)، گروهی از انسان‌های مؤمن (انبیاء، امامان و شهداء) و گروهی از دشمنان خود را به دنیا باز می‌گرداند تا مؤمنان از مشاهده دولت حق و همکاری با آن بهره‌مند شوند و از دشمنانش انتقام گرفته شود و آنان نیز شاهد ظهور دولت حق و غلبه آن باشند.^۲

بحث رجعت امری ثابت شده در آیات قرآنی و روایات است. از نظر عقلی نیز با توجه به

۱. تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۹۵-۹۳۰.

۲. نک: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۸-۱۳۹.

قدرت پروردگار و مشاهدات، کاملاً پذیرفتی است؛ خداوند در عالم طبیعت همواره رجعت را به انسان‌ها نشان می‌دهد؛ درختان، گیاهان و طبیعت مرد در زمستان، با وزش نفخه بهاری رجعت می‌کنند. انسان‌ها و حیوانات نیز با توجه به خواب شبانه که مرگ وقت است، در مجموع هزاران بار به دنیا رجعت می‌کنند. همچنین رجعت اصحاب کهف بعد از ۳۰۹ سال و رجعت عیسی مسیح^(ع) در اعتقاد مسیحیان نیز نمونه‌ای از آن است.

در کنار بحث رجعت، طبق برخی از روایات شیعه، بعد از دوازده امام، دوازده مهدی جانشینان آن حضرت خواهند بود. این نکته نشانگر روشن بودن جزئیات طرح شیعه درباره جهان فردا است. علامه مجلسی در بحار الانوار، دوازده مهدی به عنوان جانشینان امام زمان^(ع) را از زبان امام صادق^(ع)، امام باقر^(ع)، امیر المؤمنین و رسول اکرم^(ع) نقل کرده است.^۱

و این دولت تا ظهور قیامت که جهان دچار هرج و مرج خواهد شد، تداوم دارد. رسول خدا^(ص)، در یک حدیث قدسی از اراده خداوند چنین سخن می‌گوید:

وَلَا نَصْرَةَ بِجَنْدِي وَلَا مُدْنَّةَ بِلَانْكِي، حَتَّى يَعْلَمَ دُعُوقَ وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي، ثُمَّ
لِأَدِينَ مُلْكَهُ وَلَأَدَولَنَّ الْأَيَامَ بَيْنَ أُولَيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۲

و حتماً با سربازانم او را نصرت خواهم کرد و با فرشتگانم به او مدد خواهم رساند تا دعوت را آشکار کند و مردم را ب توحید جمع کند. سپس دولتش را استمرار می‌بخشم و ایام روزگار را بین اولیائم تا روز قیامت به گردش خواهم انداخت.

پرسش

- ۱ - مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی^(ع) طبق روایات کجاست؟ درباره قلمرو حکومت آن حضرت نیز توضیح دهید.
- ۲ - مدت حکومت حضرت مهدی^(ع) چند سال است؟
- ۳ - درباره جانشینان حضرت مهدی^(ع) توضیح دهید.

۱. همان، ص ۱۴۵-۱۴۹.

۲. تاریخ ما بعد الظهور، ص ۶۲۸.

آینده جهان در نگاه شیعه (۱۰)

ابعاد توسعه در دولت مهدی (عج) و دین آینده جهان

الف: ابعاد توسعه

بر اساس روایات رسیده از پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) دولت کریمه حضرت مهدی(ع)، توسعه یافته‌ترین دولت تاریخ در ابعاد اقتصادی، سیاسی، قضائی، علمی، عقلی، اخلاقی، ارتباطی، فرهنگی و امنیتی است که برای جلوگیری از طولانی شدن بحث تنها به دو بعد اقتصادی و سیاسی می‌پردازیم:^۱

۱- توسعه اقتصادی

تأمین عدالت اقتصادی برای همه اقوام اجتماع مهم‌ترین شاخص توسعه اقتصادی است. این اصل در همه ابعاد اقتصاد اعم از صنعت، کشاورزی و خدمات و در همه مراحل، اعم از تولید و توزیع و مصرف باید رعایت شود.

در چنین جامعه‌ای، اقتصاد وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف عالیه انسانی است، نه هدف زندگی. با رعایت عدالت، جامعه دچار شکاف طبقاتی نمی‌شود؛ فقر از بین رفته، رفاه و وفور نعمت برای همگان وجود دارد؛ خانواده‌ای بی سرپناه نمی‌ماند؛ گرسنه‌ای یافت نمی‌شود و همه بیماران به راحتی به بهترین مراکز درمانی و داروهای لازم دسترسی دارند.^۲

۱. برای شناخت سایر ابعاد توسعه در دولت مهدی (عج) به کتاب «شیعه و جهان فردا» مراجعه فرمایید.

۲. در قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، (اصل ۳۹ و ۴۳ و...) نیز دولت مؤلف است این امکانات را برای آحاد ملت ایران فراهم آورد، گرچه به دلایل تحریم اقتصادی، جنگ، بی کفایتی پاره‌ای مسئولان و... هنوز راه درازی تا تحقق آن وجود دارد.

به شهادت بزرگان دین، جامعه مهدوی در آخر الزمان، توسعه یافته‌ترین جوامع از نظر اقتصادی است.

البته تأکید بر «آخر الزمان» در مباحثی که طرح می‌شود به معنی کوتاه بودن عمر جامعه و دولت امام زمانی نیست، قطعه‌پایانی تاریخ، بسیار طولانی و تا ظهر قیامت تداوم دارد.

در این دوره برکات آسمان و زمین بر بشر عرضه می‌شود، زمین گنجها و معادن مخفی اش را برای انسان‌ها می‌گشاید و عصر، عصر وفور و فیضان نعمت‌های ظاهری و باطنی خداوند است.

شکوفایی اقتصادی در حکومت آینده جهان، بر اساس روایات واردہ به حدی است که محتاج صدقه پیدا نمی‌شود. از آسمان باران متناسب می‌بارد، مردم آنچنان در ناز و نعمت فرو می‌روند که نظیر نداشته است.

عصر مهدوی، عصر انقلاب اقتصادی بنیادین در جهان است؛ انقلابی همه جانبه در کشاورزی، صنعت و خدمات.

در انقلاب کشاورزی عصر آن حضرت، زمین‌های خشک نظیر صحراءها و کویرها به سبزهزارهایی پر از درخت و گیاه تبدیل خواهد شد. به گونه‌ای که گفته شده، فرد در بین عراق و شام حرکت نمی‌کند مگر اینکه قدم بر روی گیاه می‌گذارد و این فاصله در حال حاضر صحرایی بی‌آب و علف است. اگر صحراء‌های خشک و کویرها، چنین حاصل خیز می‌شوند، وضع زمین‌های کشاورزی کاملاً روشن است که چگونه خواهد بود.

در انقلاب کشاورزی امام زمان(ع)، محصولات کشاورزی، بسیار فراوان، سالم و با قیمت ارزان در دسترس همه هست و حتی رایگان به افراد داده می‌شود.

به کمک انقلاب صنعتی، از زمین و معادن آن بهره‌برداری در سطح عالی صورت می‌گیرد و ضمن بهره‌گیری از طبیعت، محیط زیست در سطح بالایی حفظ می‌شود. تأسیسات زیر بنایی با استحکام بالا ساخته می‌شوند. زمین معادن و گنج‌های خود را آشکار می‌کند و مردم به استرانه‌های طلا و نقره به وفور دست می‌یابند.

مشکل پول وجود ندارد، افراد در این زمینه بی‌نیاز می‌گردند و به همین دلیل وجود

اخوت و برادری افراد بدون دغدغه مشکل خود را از طریق برادر دینی خود بر طرف می سازند تا آنجا که مبلغ مورد نیاز را از جیب برادر خود برمی دارند.

در جامعه توسعه یافته مهدوی (ع)، ثروت عادلانه تقسیم می شود و از تراکم آن در دست یک قشر جلوگیری می شود تا به تعبیر قرآن «كَنِ لَا يَكُونَ دَوَّلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷)؛ ثروت میان توانگران شما دست به دست نگردد.

این نکته از فضایل جامعه مهدوی و از مهم ترین تفاوت های آن با جامعه سرمایه داری است که مدعی است اقتصاد سرمایه نقطه تکامل اقتصادی بشر است. در حالیکه سیستم اقتصادی بازار آزاد بر ظلم و جور بنا شده، چگونه می تواند مدعی عدالت اقتصادی باشد؛ امام زمان (ع) نظام اقتصاد سرمایه داری را برمی اندازد.^۱ چرا که این اقتصاد بر اساس استثمار توده های محروم و کشورهای فقیر بنا شده است و جنگ فقر و غنا و شکاف طبقاتی را در جهان روز به روز فروزن تر می کند.

نظام اقتصادی سوسیالیستی نیز به دلیل زیر پا گذاشتن نیاز های فطری بشر و تأکید بر مساوات اقتصادی، بدون فراهم نمودن زمینه های آن با گسترش نظام دولت سalarی، انگیزه های رشد و توسعه اقتصادی را از بین می برد. در عمل نیز شکست آن محرز شده است. بر این اساس ادعای حاکمیت بر پایان تاریخ او نیز باطل است.

به هر روی توسعه اقتصادی در جامعه امام زمان تنها بر پایه نظام اقتصاد اسلامی صورت پذیر است و چنین نیست که با تأکید بر مساوات در یک بعد، ابعاد دیگر را از نظر عدالت فراموش کند. تقسیم ثروت توسط آن حضرت در چارچوب دستورات اسلام و بر اساس عدالت است. پیامبر (ص) فرمود:

إِنَّهُ يَسْتَخْرُجُ الْكُنُوزُ وَ يَقْسِمُ الْمَالَ وَ يَلْقِي الْاسْلَامَ بِجُرْنَاهِ.^۲

آن حضرت گنج ها را استخراج و ثروت را تقسیم و اسلام را با تمام جزئیاتش پیاده می کند.

توسعه اقتصادی در دولت آخر الزمان به تخریب محیط زیست و حیات جانوران و

۱. اقتصاد آینده بشر (اقتصاد قبل و بعد از ظهور حضرت قائم(عج)، ص ۱۴-۱۵)

۲. منتخب الاثر، ص ۴۷۲

موجودات دیگر منجر نمی‌شود، بلکه طبق سخن رسول گرامی اسلام(ص)، اهل آسمان و زمین، پرنده‌گان، حیوانات و ماهی‌ها نیز از آن بهره‌مند و شادمان‌اند. در این دولت، مشکل کم آبی وجود ندارد، «و تزید المياه في دولته و تقدّم الانهار» و زمین مخصوصاً اراضی را دو برابر می‌کند «و تضعف الأرض أكلها». ^۱

امام علی(ع) می‌فرماید:

و لو قد قام قائمنا لا نزلت السباء مطراها و لا خرجت الأرض نباتها.^۲

اگر قائم‌ما قیام کند، هر آینه آسمان بارانش را نازل می‌کند و زمین روییدنی‌ها یش را بیرون می‌دهد.

از نظر عمران همه نقاط خراب و آسیب دیده از ظلم قبل از ظهرور، در پرتو شکوفایی اقتصادی آن عصر آباد می‌شود. امام باقر(ع) فرمود:

فَلَا يَبِقُ فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا وَعَمِّرَ.^۳

در روی زمین نقطه ویرانی نمی‌ماند جز اینکه آباد می‌گردد.

در زمینه توسعه اقتصادی در دولت شیعه جهان فردا، باید به مسأله تسخیر بر طبیعت و فرا طبیعت (کرات آسمانی) اشاره کرد. در این دوره است که آیه شریفه «و سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (جایید: ۱۳) مصدقاق کامل خود را پیدا می‌کند. توسعه صنعتی به حدی است که آنچه در زمین است، در دسترس بشر قرار می‌گیرد.

فناوری عصر شکوهمند امام زمان(ع) به آنجا می‌رسد که نه تنها زمین بلکه آسمان‌ها نیز در تسخیر او قرار می‌گیرند. امام باقر(ع) می‌فرماید:

خداؤند شرق و غرب عالم را برای آن حضرت فتح می‌کند، چنانچه خورشید و ماه را بخواند، آنها پاسخ می‌دهند و زمین به فرمان حضرت بوده، زیر پای او می‌پیچید و طبق امر خداوند عمل می‌کند.^۴

۱. همان، ص ۴۷۲، ح ۲.

۲. همان، ص ۴۷۳-۴۷۴، ح ۳.

۳. همان، ص ۴۸۲؛ روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۳۶، ح ۸۷۰.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

سلط آن حضرت تا آنجا است که به تعبیر امام صادق(ع):

خداؤند هر زمینی پست را برای او مرتفع می‌سازد و هر قسمت مرتفعی را برایش پست می‌کند. به گونه‌ای که دنیا برای آن حضرت به سان کف دستش درمی‌آید.^۱

تأمل در احادیث، می‌رساند که جامعه مهدوی از نظر اقتصادی شاهد «تولید کافی» و عصر وفور نعمت‌هاست و این گشایش تحقق همان اصل قرآنی است که بین ایمان و تقوای قریه‌ها و برکات آسمان و زمین، رابطه برقرار می‌کند:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَىٰ آمَنُوا وَأَتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ (اعراف: ۹۶)

با توجه به پیش‌بینی‌های معصومان، مهم‌ترین شاخصه‌های اقتصاد توسعه یافته در دولت جهانی مهدی(ع) به قرار زیر است:

۱- عدالت اقتصادی، محور همه کارها و قلب اقتصاد است:

إِذَا قَامَ مَهْدِيًّا، قَسْمَ الْسُّوْيَةِ وَعَدَلَ بِالرَّعْيَةِ فِنِ اطَّاعَةِ فَقَدْ اطَّاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَىَ اللَّهَ.^۲

چون مهدی ما اهل بیت(ع) قیام کند. مال را به طور مساوی تقسیم می‌کند. عدالت را در میان رعیت اجرا می‌کند. هر کس از او اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است و هر کس او را نافرمانی کند خدای را نافرمانی کرده است.

۲- بخشش اقتصادی؛ شاخص دیگر سیستم اقتصادی مهدوی است. از پیامبر(ص) روایت شده است که بخشش و عطاهای امام مهدی(ع) دلچسب و گوارا است: «یکون عطاوه هنیئاً». همچنین فرموده است:

در پایان روزگار امت من، خلیفه‌ای می‌آید که چون سیل بخشش می‌کند، «یخْنَى الْمَالَ حَتَّىٰ وَ لَا يَعْدُهُ عَدَدًا» و آن رانمی‌شمارد و این هنگامی است که اسلام با تمام ابعادش پیاده شود.^۳

۱. همان، ص ۳۲۸.

۲. روزگار رهابی، ج ۲، ص ۶۲۷، ح ۸۴۷.

۳. همان، ص ۵۹۶، ح ۷۶۹، ۷۷۱ و ۷۷۳ و ص ۵۹۷، ح ۷۷۸.

امام صادق(ع) نیز فرمود: المهدی سُجّح بالمال، شدید علی الْعَالَ، رحيم بالمساكين.^۱
 مهدی(ع)، مال را به وفور میبخشد، بر مسوولان سختگیر و بر مسکینان رئوف و مهربان است.
 عطایای امام زمان(ع)، آنقدر است که دولت او «دولت کریمه» نام‌گرفته است. در
 دولت او هر سال دوبار به مردم بخشش می‌شود و هر ماه دوبار به افراد حقوق می‌دهند.
 «فَيَعْطِيْكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ وَ يَرْزُقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ».^۲

۳- نفی کامل ربا، رشوه خواری، شیوه‌های فاسد اقتصادی، اسراف، چاولگری و احتکار؛
 از مشکلات اساسی اقتصاد امروز، مسائل یاد شده است. در اقتصاد شکوفای
 مهدوی(ع)، همه شیوه‌های فاسد اقتصادی در ابعاد مختلف آن ریشه کن می‌شود.
 ۴- تحکیم دوستی‌ها و روابط عاطفی؛
 امام باقر(ع)، در این باره می‌فرماید:

و يأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كِيسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ، لَا يَنْتَهُ.^۳

هر نیازمندی دست می‌برد و از صندوق برادر ایمانی اش به مقدار نیاز بر می‌دارد و صاحب
 صندوق او را منع نمی‌کند.

۵- از بین رفتن قطائع و املاک خاص به نور چشمی‌ها؛
 قطعیه (تیول)، مالی است که پادشاهان منحصراً به خویشاوندان و نزدیکان خود
 می‌دادند. این امر برخلاف بخششی است که در دولت مهدی(ع) عمومیت داشته،
 مربوط به قشر و طبقهٔ خاصی نیست. در دولت کریمه، قطعیه وجود نخواهد داشت. امام
 صادق(ع) فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمًا إِضْمَحَلَّتِ الْقَطَاعَ، فَلَا قَطَاعَ.^۴

چون قائم ما قیام کند، قطعیه از بین می‌رود و به کسی قطعیه نمی‌دهد.

۱. همان، ص ۵۹۸ ح ۷۷۹.

۲. همان، ص ۶۲۲ ح ۸۳۹.

۳. همان، ص ۶۳۱ ح ۸۵۸.

۴. همان، ص ۶۴۱ ح ۸۹۰.

۶- جلوگیری از ثروت‌اندوزی؛

در اقتصاد پایان تاریخ، از ثروت‌اندوزی و کنز طلا و نقره جلوگیری می‌شود و صاحبان گنج و ثروت وظیفه‌ای دیگر دارند؛ به بیان امام صادق(ع)؛

موسَّعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يُنْقُوَا نَمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا قَامَ قَائِمًا حَرَمَ عَلَى كُلِّ ذِي
كَزِكَنْزَةٍ حَتَّى يَأْتُوا بِهِ وَيَسْتَعِينُ بِهِ.^۱

به همه شیعیان ما اجازه داده شده است تا از آنچه در دست دارند به شیوه‌ای نیکو انفاق کنند. ولی هنگامی که قائم ما قیام کنند بر همه ثروت‌اندوزان، ثروت‌اندوزی را حرام می‌کند. بر صاحبان گنج‌هاست که گنج‌های خود را به پیش او بیاورند تا در راه بی‌نیازی عمومی خرج شود.

بر پایه روایات، دولت کریمه در اقتصاد جامعه دخالت می‌کند، و آن را به حال خود و انمی‌گذارد تا دست‌های نامرئی گرداننده آن باشند. که این تجربه شکست خورده اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری است. نیز آن حاکم الهی مالکیت رانفی نمی‌کند و مردم را از داشتن اموال محروم نمی‌نماید. این محرومیت‌ها تجربه شکست خورده اقتصاد سوسيالیستی است. آری دولت او در اقتصاد دخالت می‌کند، مانع احتکار، ربا، اسراف و ثروت‌اندوزی می‌شود، به نیازمندان آنچه می‌خواهند می‌بخشد، مالکیت را به رسمیت می‌شناسد و در یک کلام همه راهبردها و تاکتیک‌ها در اقتصاد جهانی او به منظور برقراری قسط و عدل با کمک مردم است که یکی از مهم‌ترین فلسفه ارسال رسی و ارزال کتب از طرف خداوند است. در پرتو اقتصاد توسعه یافته مهدوی(عج)، دیگر از شکاف عظیم اقتصادی در جهان و تقسیم آن به شمال گروتمند و جنوب فقیر و تقسیم به جهان اول و دوم و سوم و چهارم خبری نخواهد بود.

۲- توسعه سیاسی

جامعه مهدوی در عالی‌ترین سطح توسعه سیاسی است: زیرا در رأس هرم قدرت آن، شایسته‌ترین بنده خدا و عصارة خلقت یعنی امام معصوم قرار دارد؛ او جامع کلمه تقوی، باب الله و طریق رسیدن به خدادست. او وجه الله و تجلی نور خداوند برای بشر، واسطه

رحمت الهی و حبل الله است. او پرچمدار هدایت، اشرف مخلوقات؛ صدر خلائق، صاحب بر و تقوی، فرزند محمد مصطفی(ص) علی مرتضی(ع)، خدیجه کبری(س) و فاطمه زهرا(س) است.^۱

جامعه مهدوی، عالی‌ترین سطح توسعه سیاسی را دارا است؛ چون رئیس دولت آن فرزند سروزان مقرب درگاه الهی، نجیبان گرامی، رهبران راه یافته، خوبان با اصالت و مهدب، رهبران برگزیده، چهره‌های تابناک، ستارگان فروزنده و شهاب‌های ثاقب‌اند.

رهبر دولت و جامعه پایان تاریخ، فرزند راه‌های آشکار، فرزند دانش‌های کامل (یا بن العلوم الکامله)، سنت‌های شناخته شده، نشانه‌های واردہ (معالم مؤثر)، معجزات موجود، دلایل مشهود، فرزند صراط مستقیم و خود صراط مستقیم الهی است. او فرزند قرآن، آیات و بینات و خبر بزرگ (نبأ عظیم) است.

مهدی صاحب‌الزمان، عزیزی است که برابر ندارد، صاحب مجد و قدرتی است که هم‌جوار ندارد^۲ و رهبر سیاسی بی نظیر تمام تاریخ است. بنابراین جامعه‌ای که چنین رهبر سیاسی را داراست، توسعه یافته‌ترین و مترقی‌ترین است.

در این جامعه همچنین نظام شایسته سالاری به بهترین وجه حاکم است. اصحاب ۳۱۳گانه امام و وزراء دولت مهدی(ع) خالص‌ترین و تربیت یافته‌ترین شخصیت‌های روی زمین‌اند. ویژگی آنها ایمان صرف نیست، بلکه در کنار ایمان، به عمل صالح برجسته‌اند.

جامعه مهدوی توسعه یافته‌ترین جامعه سیاسی است. چون در آن هیچ‌گونه فساد سیاسی، باند بازی و مقام بادآورده راه ندارد. مستضعفان و توده‌های صالح و لایق از طبقات پایین اجتماع، ولی نعمت و صاحب نظام سیاسی‌اند.

در جامعه مهدوی رابطه مردم و دولت به حدی نزدیک و عاشقانه است که در روایات به رابطه بین زنبوران عسل و ملکه تشبیه شده است. همچون سایر ابعاد توسعه در دولت پایان تاریخ، مهم‌ترین اصل و راهنمای عمل برای مسئولان سیاسی در کشور، عدالت و حق است. سیره مسئولان، سیره عدالت و تقوی و عمل به حق است. جامعه مهدوی، جامعه توسعه

۱. نک: مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲. همان.

یافته سیاسی در عالی ترین سطح عدالت است. جامعه مهدوی چون مترقی ترین نوع نظام سیاسی یعنی نظام امامت معصوم را دارا است و کار ویژه های اصلی دولت، عدالت گستری، ایجاد رفاه و بالاتر بردن سطح معرفت و عقل مردم است همچنین بالاترین سطح رضایت مردمی و مشارکت حقیقی از طریق ایجاد قسط به وسیله خود مردم وجود دارد، جامعه نمونه توسعه سیاسی در کل تاریخ است.

در دولت توسعه یافته مهدوی، حاجب و فاصله ای بین توده ها و رهبری نظام سیاسی وجود ندارد و آنان بدون مشکل، خواسته های سیاسی خود را به دولتمردان و امام جامعه منتقل و به سرعت پاسخ مناسب خود را دریافت می کنند.

آری در دولت مهدی (ع) جا برای احزاب کفر و شرک و نفاق وجود ندارد و توطئه گران و فاسدان و باطل گرایان آزاد نیستند و فتنه گری نمی تواند سر بلند کند.

نظام سیاسی جهان فردا یعنی دولت امامت جز به رستگاری مردم نمی اندیشد و جز در پی سعادت آنان نیست. مردم آنچنان راضی اند که آرزو می کنند ای کاش مردگان نیز زنده می شدند تا شاهد چنین جامعه شکوفا و توسعه یافته از هر جهت باشند.

حق این است که با ایمان کامل و اعتقاد راسخ بگوییم، جامعه مهدوی و دولت امامی حجۃ ابن‌الحسن‌العسکری (ع)، توسعه یافته ترین دولت تاریخ و مدینه فاضله اسلام و دولت عالی شیعه است. چون:

۱- سور و شادی، در آن دولت، سراسر جهان و همه مخلوقات اعم از انسان، حیوان و پرندگان را فرامی گیرد. پیامبر (ص) فرمود:

فَعِنْ ذَلِكَ تَفْرِحُ الطَّيْوُرُ فِي أَوْكَارِهَا وَالْحَيَّاتُ فِي بَحَارِهَا وَتَفْيِضُ الْعَيْوُنُ وَتُثْنِيْثُ الْأَرْضُ ضِعْفَ أَكْلِهَا.^۱

در آن هنگام پرندگان در آشیانه های خود شادمان می شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی کنند و چشم ه سارها سرازیر شوند و زمین چندین برابر محصول خود را می رویاند.

این حدیث نشانگر رعایت عالی ترین حفاظت های زیست محیطی در دولت مهدی (ع)

است. بر این اساس، لیبرال‌ها و سوسياليست‌ها که بر و بحر را به فساد کشانده‌اند تا تجاوز طلبی و سلطه‌گری خود را تداوم بخشنند، چگونه می‌توانند مدعی تعلق آینده جهان به خود باشند؟!

۲- بی‌نیاز شدن همه فقیران و سیر شدن همه گرسنگان، حتی پرندگان و جانوران؛

۳- گشایش مشکلات، مضطربات و گرفتاری همه گرفتاران؛

۴- بازگشت همه غریبان و مهاجران که در گذشته مهاجرت اجباری داشته‌اند به وطن خود و آزادی کامل مهاجران اختیاری در گزینش وطن؛

۵- آزاد شدن همه اسیران جنگهای گذشته و زندانیان جنگی؛

۶- سلامت کامل مردم به دلیل پیشرفت بی‌نظیر علوم پزشکی و فناوری درمانی؛

۷- پرداختن دیون همه بدھکاران و رهایی همه کسانی که به دلیل فقر در زندان بوده‌اند و نجات ورشکستان مالی، با توجه به شکوفایی اقتصادی و عطایای دولت کریمۀ امام زمان(ع)؛^۱

۸- آزادی مردم و محو همه انواع بردگی.

پیامبر(ص) فرمود:

و يخْرُجُ ذُلُّ الِّرْقَ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ^۲:

و ذلت بردگی را از گردن شما برمی‌دارد.

خلاصه اینکه، در دولت مهدی، اربابی جز خداوند وجود ندارد^۳ و اصرز و «اغلال»^۴ از دست و پای همه مردم برداشته می‌شود روزگار نوینی است که آن را روزگار عدالت، عصر رجعت به خدا و عصر عبادت احرار باید نامید.

۱. برداشت از دعای بعد از فرایض ماه رمضان، نک: مفاتیح الجنان، این دعا جامعه آرمانی شیعه را تصویر می‌کند که در عصر مهدوی تحقق کامل می‌باید.

۲. روزگار رهایی، ص ۶۰۰، ح ۷۸۸.

۳. ولا يتخذ بعضاً ارباباً من دون الله.

۴. ويضع عنهم اصرهم والا غلال التي كانت عليهم.

ب: دین آینده جهان

از پرسش‌های اساسی درباره آینده جهان، دین یا مکتب حاکم بر آن است. در این زمینه ادعاهای وجود دارد که قبلاً طرح گردید. اندیشمندان مکتب لینبرال دموکراسی، آینده جهان را متعلق به این مکتب می‌دانند. برخی از مارکسیست‌ها، علی‌رغم شکست‌ها و تجربه ناکام خود، همچنان کمونیزم و یاسوسیال دموکراسی را مکتب آخرالزمان بر می‌شمارند.

ادیان نیز هر کدام ادعای خاص خود را نسبت به آینده دین مطرح می‌کنند، طبعاً مسیحیان به فرآگیر شدن مسیحیت و یهودیان نیز بر حاکمیت دین یهود در جهان آینده تأکید دارند. حال پرسش این است که آینده دین یا دین آینده چیست؟ در واقع، دین یا مکتبی می‌تواند حاکم بر قطعه‌پایانی تاریخ باشد که از ویژگیهای زیر برخوردار باشد:

- ۱- توانایی شکوفایی فطرت انسان‌ها را داشته باشد؛
- ۲- عناصر اصلی فرهنگ‌اش به گونه‌ای باشد که پتانسیل پذیرش از سوی همه افراد بشر، اعم از سیاه و سفید و زرد یا سرخ‌پوست، هر نوع قوم و نژاد و با هر موقعیت جغرافیایی و جنسیت داشته باشد؛
- ۳- به دنبال سلطه‌گری، استکبار، جاهطلبی، نژادپرستی، تبعیض و استثمار نباشد؛ یعنی هر نوع ظلم و ستم را نمی‌کند.
- ۴- به فکر رستگاری همه بشر باشد، نه اینکه بخواهد یک قوم یا نژاد را بتری دهد؛
- ۵- عدالت اجتماعی را برای همه بشر بخواهد؛
- ۶- حق را در جهان احیاء کند و باطل را بمیراند، نه اینکه مروج آن باشد؛
- ۷- رفاه را برای همه افراد بشر بخواهد نه برای قشری خاص نظیر سرمایه‌داران یا اروپایی‌ها؛
- ۸- علاوه بر پذیرش مردمی، از پشتیبانی خداوند برخوردار باشد؛
- ۹- روندگراییش به آن دین یا مکتب در دنیا به طور طبیعی زیاد باشد؛
- ۱۰- قدرت بسیج سیاسی و انقلاب در سطح جهانی و پتانسیل جهانی شدن را داشته باشد؛

۱۱- در گذشته تاریخ توانایی خود را برای گسترش و فراگیری در مدت زمان کم به اثبات رسانده باشد.

با توجه به این ویژگی‌ها و نظایر آن، تنها دین یا مکتبی که می‌تواند آینده جهان را متعلق به خود کند، اسلام و تشیع است. اسلام در گذشته توانایی خود را به اثبات رسانده است. در شرایطی که در یک جزیره فاقد تمدن ظهرور کرد به دلیل پتانسیل بالایش طی حدود نیم قرن آنچنان گسترش یافت که تا قلب اروپا رسید. بنابراین، این توان و نیرو در اسلام وجود دارد، تنها رهبری مثل پیامبر (ص) لازم است که نیروهای بالقوه و نهفته در جهان اسلام را برای فتح جهان به حرکت در آورد و او همنام پیامبر خدا مهدی صاحب‌الزمان (ع) است.

شیعه معتقد است که وعده خداوند در قرآن مبنی بر غلبه دین اسلام بر همه ادیان «لیظهوره علی الدین کله» (توبه: ۳۳ و صف: ۹)، در عصر دولت مهدی (ع)، تحقق خواهد یافت.

هر چند بر پایه روایات، اسلام قبل از ظهور آن حضرت غریب خواهد بود. با پرشدن دنیا از ظلم و جور، خدایران مجبورند در خفا به عبادت بپردازنند و حتی بتپرسنی نیز رایج می‌شود.^۱ اما با دست توانای مهدی (ع) اسلام به عنوان دین پایان تاریخ بر سراسر گیتی حاکم خواهد شد.

رسول اکرم (ص) در این رابطه می‌فرماید:

لَيَدْخُلَنَّ هَذَا الدِّينُ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيلُ!^۲

تا هر کجا که تاریکی شب وارد شود، این آینین مقدس نفوذ خواهد کرد.

پیامبر اکرم (ص) تلاش فراوانی کرد تا آیه شریفه «لیظهوره علی الدین کله»، را در جامعه اجرا کند، اما زمان و مکان و شرایط، او را در این امر یاری نکرد. از این رو اصحاب امامان (ع) همواره درباره زمان و چگونگی تحقق وعده الهی در آیه شریفه سؤال می‌کردند. مفضل بن عمر از اصحاب امام صادق (ع) می‌پرسد که آیا رسول خدا (ص) موفق شد بر کلیه ادیان غلبه کند؟

۱. نک: روزگار رهایی، ج ۲، ص ۸۰۶، ح ۱۲۱۴ و ۱۲۱۶.

۲. همان، ص ۶۱۹-۶۲۰.

امام(ع) در پاسخ فرمودند: ای مفضل! اگر پیامبر(ص) بر این امر موافق می‌شد، نمی‌بایست هیچ یک از موارد زیر وجود داشته باشد: زرتشتیگری، یهودیت، صابئیت، مسیحیت، تفرقه، اختلاف، شک، شرک، عبادت اصنام و اوشان، عبادت لات و عزی، خورشید، ماه و ستاره‌پرستی، آتش‌پرستی، سنگ‌پرستی. سپس ادامه دادند:

وَ إِنَّا قُولَه لِيَظْهُرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ هَذَا الْمَهْدَىٰ وَ هَذِهِ الرَّجْعَةِ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ قَاتِلُهُمْ حَتَّى لا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ.^۱

به درستی که قول خداوند در باره غلبه دین بر همه ادیان، در این روز و به وسیله این مهدی(ع) و در این رجعت است و همان قول خداوند است که فرمود: «بکشیدشان تا فتنه‌ای در زمین باقی نماند و تمام دین برای خدا باشد..»

شایان ذکر است که در روایت امام صادق(ع)، پس از بیان حاکمیت اسلام بر سراسر جهان، به رجعت پیامبر اکرم(ص) نیز اشاره می‌شود و اعلام می‌کند که رسول اکرم(ص)، خداوند را از تحقیق وعده الهی و راثت زمین، پیروزی و غلبه دین حق و فتح می‌بین با توجه به آیات قرآنی زمر: ۷۴؛ نصر؛ توبه: ۳۴؛ صف: ۹ و فتح: ۳۱ مورد سپاس و شکرگزاری قرار می‌دهد.

در روایت دیگری نیز مفضل از امام(ع) در این زمینه پرسش می‌کند و امام صادق(ع) می‌فرماید:

فَوَاللَّهِ يَا مَفْضُلُ لِيُرْفَعَ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَدِيَانِ الْأَخْلَافِ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ. وَاحْدَادًا كَمَا قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ «إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ أَإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) وَ قَالَ اللَّهُ «وَمَنْ يَبْيَغِ غَيْرَ أَإِسْلَامِ دِيَنًا فَلَنْ يَقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران: ۸۵)^۲

به خدا سوگند ای مفضل، ناهمانگی ادیان و مذاهب از بین می‌رود و تنها یک دین در سراسر گیتی حکومت می‌کند، چنانکه خدای تبارک و تعالی فرمود: به راستی دین در نزد خدا اسلام است و بس. و فرمود: هر کس در پی دینی غیر از اسلام باشد از او هرگز پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیان کاران است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳-۳۴. آدرس آیه مندرج در حدیث، سوره انفال، آیه ۳۸.

۲. همان، ص ۵-۶

در ادامه حدیث، مفضل می‌پرسد که آیا دین ابراهیم(ع)، نوح(ع)، موسی(ع)، عیسی(ع)، و محمد(ع) همه اسلام بوده است؟ امام در پاسخ می‌فرماید: آری «هو الاسلام لا غير». سپس امام(ع) در اثبات سخن خود از قرآن کریم به آیات حج: ۷۸؛ بقره: ۳۶، الذاریات: ۵۲ و ۸۳؛ آل عمران: ۴۴ و ۳۱؛ نمل: ۱۲۸؛ استدلال می‌کند.^۱

آری اصل همه شرایع آسمانی اسلام است. قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم(ع)، حضرت اسماعیل(ع)، پیامبر اکرم(ص)، حواریون عیسی(ع)، اولاد حضرت یعقوب(ع)، بلقیس، فرشتگان، لفظ مسلم و مسلمین را نقل می‌کند که نشانگر آن است که قدر مشترک و اصل همه ادیان توحیدی اسلام بوده است و همین گوهر مشترک، پیروان همه ادیان را به سوی اسلام خواهد کشاند. آنان همه به اسلام می‌گروند.

به هر روی شیعه با اطمینان کامل معتقد است که، اولاً پایان تاریخ، عصر رجعت و بازگشت به دین، وحی و خداست و ثانیاً، آینده دین متعلق به اسلام و دین آینده اسلام است:

﴿يَرْفَعُ الْمَذَاهِبُ فَلَا يَبْقَى إِلَّا الدِّينُ الْخَالِصُ﴾^۲

همه ادیان و مذاهب از روی زمین برچیده می‌شوند و جز دین خالص برای خدا باقی نمی‌ماند.

بنابر سخن امام صادق(ع) در حدیث بالا، هیچ نوع تفکر سکولار و یا الحادی، جایی در جهان فردا ندارد و بر اساس این روایت و روایات دیگر، پس از قیام قائم آل محمد(ص)، جز خدای تبارک و تعالیٰ پرستیده نمی‌شود.^۳ دین محمد(ص)، به هر نقطه‌ای که شب و روز به آن می‌رسد، خواهد رسید و هیچ اثری از شرک در زمین باقی نخواهد ماند.^۴ رسول گرامی اسلام فرموده است:

۱. همان.

۲. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۹۱۲.

۳. همان، ح ۹۱۱.

۴. همان، ص ۲-۳۶۰، ح ۷۹۵.

حتی لا یقی علی وجه الارض الا من يقول: لا اله الا الله.^۱

تا اینکه در روی زمین کسی باقی نمی‌ماند جز اینکه بگوید: جز الله خدای نیست.

اسلام دین آینده جهان است، چون استعداد لازم آن در قرآن کریم گنجانده شده است. محمد بن عبد الله (ص)، پیامبر همه جهانیان و بشیر و نذیر برای عالمیان است و نه پیامبر یک قوم، منطقه خاص و یا بخشی از دنیا. دین اسلام نه تنها ادعای جهانی بودن دارد بلکه قواعد اساسی تحقق آن را نیز، همچون مهدویت از پیش طراحی کرده است. طبعاً دینی که ویژگی قومی (Ethnic) یا محلی (Local) و یا ملی (National) و یا منطقه‌ای (Regional) داشته باشد، نمی‌تواند ادعای جهانی بکند، چون توانایی لازم برای جهانی شدن و جهان وطنی را ندارد. اسلام به نص صریح آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، یک دین عام (Universal) و جهانی (Global) است.

اسلام تنها به عرب یا عجم نمی‌اندیشد بلکه «الناس» را خطاب قرار داده است، و تنها به مسلمانان توجه ندارد بلکه «العالمین» مورد توجه اوست. اسلام دین آینده جهان است که با دست توانای حجۃ ابن‌الحسن‌العسکری (عج)، پرچمش بر سراسر گیتی به اهتزاز در خواهد آمد.

ان شاء الله

اللهم اجعلنا من اعوانه و انصاره

پرسش

- ۱ - درباره توسعه اقتصادی در دولت مهدی (عج) به اختصار شرح دهید.
- ۲ - چرا جامعه مهدوی (عج)، توسعه یافته‌ترین جامعه سیاسی است؟
- ۳ - چرا دولت مهدی (عج)، توسعه یافته‌ترین دولت تاریخ است؟
- ۴ - چرا اسلام دین فردای جهان است؟ با دلیل توضیح دهید.

کتابنامه

فارسی و عربی

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن خلدون، عبد الرحمن: مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۵۹.
- ابن خلدون، عبدالرحمن: المقدمة، لبنان: دار الكتاب العربي، ۱۹۶۰. م
- احمدی، حمید: ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران: کیهان، ۱۳۶۹.
- استفان، آفرود: «مذهب، دموکراسی و تساهل»، ترجمه و تلخیص، علی محمودی، مجله کتاب نقد، سال پنجم، ش ۲۰-۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.
- السيوطى: الحاوى.
- الصدر، سید محمد: الیوم الموعود، (بین الفکر المادی و الدین)، لبنان، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، الطبعه الثالثه، ۱۹۸۲. م
- الصدر، شهید سید محمد: تاریخ ما بعد الظهور، لبنان: بیروت: دار التعارف للمطبوعات، الطبعه الثانية، بی تا.
- الموسوى الخمینی، سید روح الله: آوای توحید(نامه امام خمینی به گوریاچف با شرح آیت الله جوادی آملی)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۶۹.
- امامی کاشانی، مهدویت (آینده بشر)، قم؛ کتابخانه تخصصی حضرت صاحب الزمان(عج) وابسته به مسجد مقدس جمکران -جزوه پیاده شده از نوار شماره ۵۶.

- امامی کاشانی، مصاحبه با آیة الله امامی کاشانی، فصلنامه انتظار، سال دوم، ش ۵، پاییز ۱۳۸۱
 بلخاری، دکتر حسن: سینمای هالیوود و مهدویت. اینترنت: www.imammahdi.net
- بن اشعت سجستانی، سلیمان: سنن ابی داود، بیروت: دار احیاء التراث العربي، بی تا.
 پیشارا اواد (کالج مطالعات کتاب مقدس، بیت لحم)، «مسيحيت صهيونيسنی» ترجمه فاطمه شفیعی
 سروستانی، مجله موعود، ش ۴۰، و نیز نک: بیانیه سومین کنگره بین المللی مسیحیت صهیونیستی
 ترجمه نامبرده، مجله موعود شماره ۴۰.
- پیکارد، هری منت، فوکویاما، فرانسیس: «فوکومایا و پایان تاریخ»، ترجمة عزت الله فولادوند،
 مجله بخارا، ش ۱۹، مرداد و شهریور ۱۳۸۰.
- ترجمان سیاسی (مجله)، شماره ۴۱.
- توانائیان فرد، دکتر حسن: اقتصاد آینده بشر، اقتصاد قبل و بعد از ظهر حضرت قائم(عج)، تهران:
 دانشوران، ۱۳۷۹.
- نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی، تهران: زهد، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- روزنامه همشهری، ۱۸ تیر، ۱۳۸۱.
- حسینی بحرانی، علامه سید هاشم: سیمای حضرت مهدی(ع) در قرآن، ترجمه المحجده فی ما نزل فی
 القائم الحجة، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، نشر آفاق، ۱۳۶۷.
- حسینی، حسن: «مشارکت سیاسی در آمریکا: آمار و آمال»، فصلنامه نامه مفید، ش ۲۵، بهار ۱۳۸۰
- خلجی، محمد تقی: تشیع و انتظار، قم: شفق، بی تا.
- دوانی، علی: موعودی که جهان در انتظار اوست، قم: دارالعلم، چاپ دوم، ۱۳۴۹.
- دوانی، علی: دانشمندان عامه و مهدی موعود (قم: دارالكتاب الاسلامي، چاپ سوم، ۱۳۶۱).
- روزه گارودی، آمریکاستیزی چرا، ترجمه جعفر یاوه.
- سبحانی، جعفر: «نقش انتظار در بازسازی جامعه اسلامی»، کتاب «بقيه الله»، جمعی از نویسندهان،
 تهران: پنگوئن، ۱۴۰۲ ه.
- سلیمان، کامل: روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، دوره دو جلدی، تهران: آفاق، ۱۴۰۵ ق.
- سورکین، پ.ا.: نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ، ترجمه دکتر اسدالله (امیر)
 نوروزی، رشت: حق‌شناس، ۱۳۷۷.
- شهید مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان
- شیخ صدق: کمال الدین و تمام الشعمة، ترجمه منصور پهلوان، قم: سازمان چاپ و نشر
 دارالحدیث، ۱۳۸۰.
- شیخ طوسی: کتاب الغيبة، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.

صفی گلپایگانی، لطف الله: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیہ السلام، تهران: مکتبه الصدر، بی‌تا.

صفی گلپایگانی، لطف الله: امامت و مهدویت، دوره دو جلدی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.

صفی گلپایگانی، لطف الله: گفتمان مهدویت، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۷.

صفی گلپایگانی، لطف الله: «تجلى توحید در نظام امامت»، کتاب «بقیة الله»، جمعی از نویسندها، تهران: پنگوئن، ۱۴۰۲ هـ.

صدر، سید محمد: تاریخ غیبت کبری، ترجمه دکتر سید حسن افتخار زاده، تهران: نیک معارف، ۱۳۷۱.

صدر، شهید سید محمد باقر: انقلاب مهدی(ع) و پندارها، ترجمه سید احمد علم الهدی، بی‌م: مسجد جامع، ۱۳۸۶ ق.

طباطبایی، علامه محمد حسین: شیعه، مجموعه مذاکرات با پروفسور هائزی کربن، توضیحات از علی احمدی و سید هادی خسروشاهی، بی‌تا.

طبرسی: الاحجاج، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، موسسه اهل‌بیت(ع)، ۱۴۰۱ هـ

عربی، محی الدین: الفتوحات المکیة، بیروت: دار صادر، بی‌تا.

فقیه ایمانی، مهدی: الامام المهدی(ع) عند اهل السنة، اصفهان: مکتبه الامام امیر المؤمنین.

فوکویاما، فرانسیس: «فرجام تاریخ و واپسین انسان»، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، شماره ۲ و ۳ تهران، ۱۳۷۲

فوکویاما، فرانسیس: «اگر دانش ژنتیک کنترل نشود انسان طبیعی به پایان خود می‌رسد»، ترجمه جواد طالعی، اینترنت: <http://www.sharhvand.com/Go9talee2.htm>

قصه‌های قرآن برگرفته از تفسر نمونه اثر آیت الله مکارم شیرازی، تدوین سید حسین حسینی، ص ۳۷ - ۱۷

قمی، حاج شیخ عباس: مفاتیح الجنان، دعای افتتاح و دعای ندب و دعای ماه رمضان.

قمی، شیخ عباس: سفينة البحار، بیروت: دار التعارف، للمطبوعات، بی‌تا.

قبری، آیت‌الله: اندیشه سیاسی ابن خلدون، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۱۳۷۲

کاستلر، مانوئل: عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)، ترجمه احمد علیقیان، افشنین خاکباز، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰

کتاب مقدس یعنی عهد عتیق و عهد جدید (تورات و انجیل)، ترجمه شده از زبانهای اصلی عبرانی، کلدانی و یونانی، انجمن پخش کتب مقدسه.

- لثوها او - وین، آلن؛ پیش‌گویی آینده، ترجمه ناصر موقیان، تهران؛ نشرنی، ۱۳۷۸.
- لوین، اندره؛ طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی، ترجمه سعید زیبا کلام، تهران؛ سمت، ۱۲۸۰.
- مجلسی، علامه محمد باقر؛ بحار الانوار، طهران؛ المکتبه الاسلامیه، بی‌تا.
- مصطفایا، استاد محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران؛ سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- مصطفی، شهید مرتضی؛ قرآن و تاریخ، حزب جمهوری اسلامی، بی‌تا.
- مصطفی، شهید مرتضی؛ قیام و انقلاب مهدی(ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ، قم؛ انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- مصطفی، شهید مرتضی؛ جامعه و تاریخ، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- مصطفی، شهید مرتضی؛ سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، قم؛ صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- مصطفی، مرتضی؛ امامت و رهبری، قم؛ صدرا، ۱۳۶۴.
- موسی اصفهانی، حاج میرزا محمد تقی؛ مکیال المکارم، قم؛ المطبعة، ۱۳۹۸ هـ.
- موسی خمینی، سید روح الله؛ صحیفه نور.
- نائینی اردستانی کچویی قمی، شیخ محمدعلی بن حسین؛ انوار المشعشعین فی ذکر شرافۃ قم و القمینین، تحقیق؛ محمد رضا انصاری قمی، اشرف؛ سید محمود مرعشی نجفی، قم؛ کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۱.
- ناس، جان؛ تاریخ جامع ادبیات، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران؛ پیروز، چاپ سوم، ۱۳۵۴.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ کتاب غیبت، تهران؛ دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- نهج البلاgue، شرح ابن ابی الحدید، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- هال سل، گریس؛ تدارک جنگ بزرگ، بر اساس پیش‌گویی‌های انبیای بنی اسرائیل، ترجمه خسرو اسلامی، تهران، رسا ۱۳۷۷.
- هاتینگتون و منتقدانش؛ نظریه برخورد تمدنها، ترجمه و ویراسته مجتبی امیری، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

انگلیسی

1. Stewart, Elbert W Glynn James A :Introduction to sociology (Singapore: MCGraw_Hillbook company. Fourth edition. 1985)
2. Fukuyama Francis: The End of History and the Last man (1992).<http://www.marxists.org/reference/subject/philosophy/works/us/fukuyamma.htm>.



نمایندگی ولی فقیه
اداره آموزش عقیدتی سیاسی